

ون

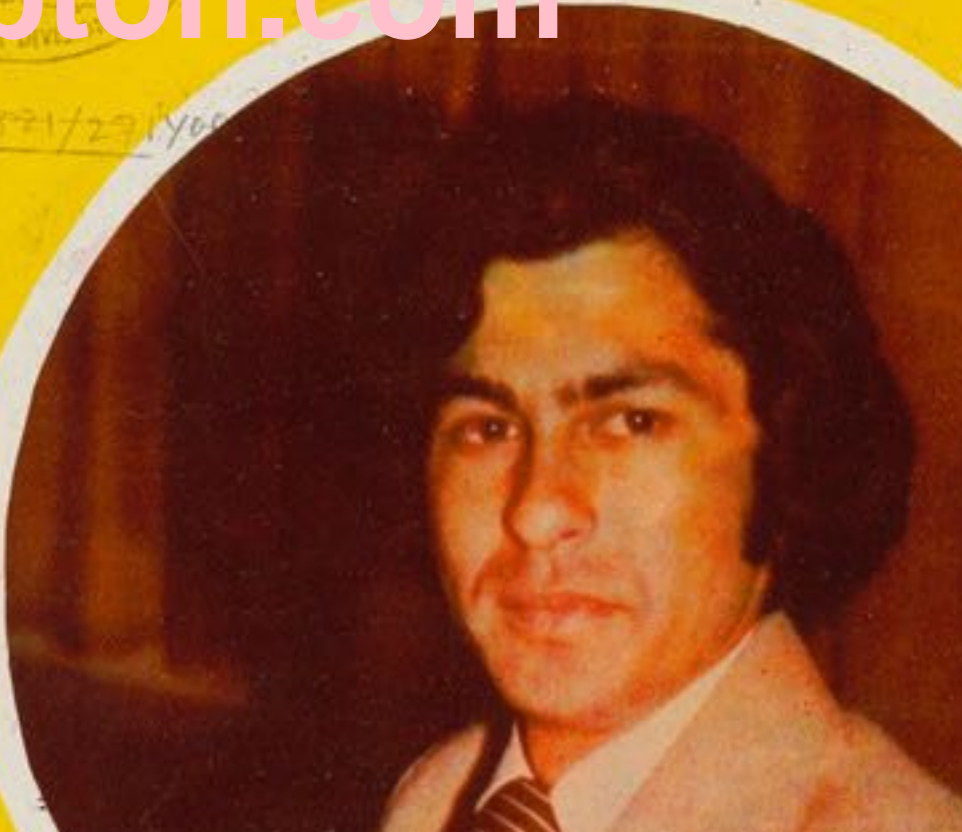


A-P RB
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS
FEE 3 - 1981

Ketabton.com

15321/23/1966





بيړك كارمل منشي عمومي كميته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام ایراد بیانیه در محلیکسه بمناسبت شانزدهمین سالروز تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تالار قشمر گلخانه مقر شورای انقلابی ترتیب شده بود

اقتصاد و قیام همه وقتته

ششم جنی ۱۳۵۹ نخستین سالگرد مرحله نوین و تکاملی انقلاب نور ، مرحله نجات انقلاب مردم و وطن بود .

بخاطر تجلیل ازین روز ظفر آفرین بسه اشتراک بیړك كارمل منشي عمومي كميته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ، اعضای بیرونی سیاسی و کمیته مرکزی حزب ، اعضای هیات ریسه و اعضای شورای انقلابی ، اعضای شورای وزیران ، کمر های حزبی و کارمندان عالیرتبه دولتی ، نمایندگان سازمان های اجتماعی ، و سازمان های صنفی و نمایندگان تمام ملیت ها و قبایل غیور و سلحشور کشور بمنظور فراهم آوری و تدارکات مقدمات تشکیل جبهه ملی وسیع پدر وطن در کابل مرکز افغانستان انقلابی کنفرانس عظیم تاریخی در تالار سلا مخانه مقر شورای انقلابی تشکیل گردید .

شانزدهمین سالگرد تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از ظهر روز ۱۱ جنی از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی جلسه در سالار گلخانه مقر شورای انقلابی تجلیل گردید .

دافغانستان د خلق دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته د عمومي منشي دافغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس او صدر اعظم بیړك كارمل له خوا د ۱۹۸۱ نوی عیسوی کال له امله د دوستو هیوادو د مشرانو په نامه د مبارکی پیغامونه مخابره شويدي .

دافغانستان د خلق دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته د عمومي منشي دافغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس او صدراعظم بیړك كارمل له خوا د کیوبا د گوند د مرکزی کمیته د لومړی منشي د دولتی شورا د رئیس او د کیوبا د جمهوری حکومت د رئیس فیډل کاسترو په نامه د هغه هیواد د انقلاب د دوه ویشتمی کالیزی له امله هاوانا ته د مبارکی پیغام مخابره شويدي .

سفارت کبرای جمهوری کیوبا مقیم کابل روزملی کشورش رانام ۹ جنی ضمن ضیافتی تجلیل نمود .
درین ضیافت که از طرف شاعر زنا فیسر سفارت کبرای انکشور در هتل کابل برگزار گردید ، سلطان علی گشتمند عصری بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاون شورا انقلابی و معاون صدر اعظم بعضی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعضای هیات ریسه شورا انقلابی پسرخانی از اعضای شورا وزیران عده از کارمندان عالیرتبه دولتی اعسم از ملکی و عسکری و سفرای کبار کشور های متعابه مقیم کابل شرکت ورزیده بودند .

دکتور انا هیتا راتب زاده عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و رئیس سازمان صلح ، همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر ۷ جنی در مقر کمیته

مرکزی در دفتر کارش با میلا دین نیکولوف میلادینوف سفیر کبیر و نماینده فوق العاده جمهوری مردم بلغاریا در کابل ملاقات نمود .

دکتور انا هیتا راتب زاده عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس سازمان دموکراتیک زنان و رئیس سازمان صلح و همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان بنا بر دعوت فدرا سیون ملی زنان هند جهت اشتراک در دهمین کنفرانس فدراسیون متذکره و میسنگ مشورتی منطوقی در راس هیاتی شام ۸ جنی عازم دهلی جدید گردید .

بخاطر بزرگداشت نخستین سالگرد تحول ششم جنی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکر همنه نور بکتهداد از مجبو سین سیاسی که بنا بر فیصله محکمه اختصاصی انقلابی به میعاد مختلف حبس محکوم شده بودند بازر پیشهاد خاږوالی اختصاصی انقلابی و منظوری هیات ریسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ایام باقی مانده حبس شان مورد عفو قرار گرفت .

دترانسپورت او مریختوی وزیر شیر جان مزدور یار د جنی په لسمه نیټه له شوروی اتحاد څخه وطن ته راغی .

مجلسی تحت ریاست فضل الرحیم مومند وزیر زراعت و اصلاحات ارضی در حالیکه

رئیس ، مشاورین مر بوط ریاست میکا نیزه و مدیران عمومي زراعت و لایات جو زجان ، بخلان ، کندز ، بلخ و هرات حاضر بودند . روز نهم جنی در آنوزارت دایسر و روی موعات مر بوط به ستیشن های میکا نیزه زراعتی در ولایات متذکره و چگونگی فعالیت آنها در آینده بحث و مذاکره صورت گرفته و در زمینه تجاوزی لازم اتخاذ گردید .

دافغانستان د خلق د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته مرکزی او د بین المللی اړیکو مسئول او د انقلابی شورا عسکری محمود بریالی د جنی په نهمه نیټه په اولانبا نور کی د مغلستان د خلکو د انقلابی گوند د مرکزی کمیته مرکزی له لومړی منشي او د هغه هیواد دستر خورال د ریسه هیئت له صدر تسد نبال سره وکتل .

د کابل په ښار کی د فلم جوړولو دستدیو د ساختمانی پروژی د اقتصادی او تخنیکي رپوت په ښار د خپرنی پروتو کول د اطلاعاتو او کلتور وزارت دافغانستان فلم دریاست او په کابل کی د شوروی اتحاد د دوکتی سینماتو گرافی د ساختمانی پروژی د تخنیکي مرستو موسسی تر منځ لاس لیک شو .

دایسراهم زاده د سینیسیو ټوکسرانو د فابریکی د بنسټ ډبره د جنی په لسمه نیټه د کاتو او صنایعو د وزارت د صناعتی سیمو د پرمختیا د امر له خوا دکابل په صنعتی پارک کی کیښودل شوه .



د افغانستان د خلک د دمو کرا تیک گوند مرکزی کمیټی عمومی منشی ، د افغانستان د دمو کرا تیک جمهوریت د انقلاب بی شورا د رئیس او صدر اعظم ببرک کارمل د انقلاب بی افغانستان په مرکز کابل کی د پلا رنی وطن د ملی پراخی جیبسی د چوپړنو د مقد ما تود برابر لو او تدارک له پاره په هغه ستره تاریخی جرگه کی چی د انقلاب بی شورا به پسر دسلامغانی په مانی کی چوپړه شوی وه داساسی وینا داوړو لو په حال کی .

قطعنامه کنفرانس نیروهای ملی

و وطنپرست ج.د. افغانستان

کابل ۷ جدی ۱۳۵۱ :

- کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست به کمیسیون عالی منتخب صلاحیت میدهد تا کار مقدماتی را در زمینه دعوت کنگره مو سس جبهه ملی پدر وطن انجام دهند .
- ۱- در خواست های تحریری سازمان های اجتماعی ، سیاسی و علاقمندانی را که میخواهند به منابه موسس جبهه ملی پدر وطن عضویت حاصل نمایند از نظر حقوقی ثبت نمایند .
 - ۲- مسوده اساسنامه در پاره جبهه ملی پدر وطن را غرض ارزیابی و تصویب کنگره موسس تهیه نموده اهداف ووظایف اصول تشکیلاتی ، اشکال و میتود های کار ، حقوق و وظایف اعضای آنرا با در نظر داشت اصول اساسی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان مقد متا طرح کنند .
 - ۳- کنگره مو سس جبهه ملی پدر وطن را در اوا خر سال جاری و یا اوایل سال نو دایر کرده و درین کنگره نمایندگی تمام نیروهای ملی و وطن پرست میهن ما تمام سازمان های اجتماعی ، سیاسی و همچنان همه افشارو طبقات ملی و دمو کرا تیک کلیه مردمان ملیت ها اقوام و قبایل ساکن در وطن واحدمان افغانستان بدون تبعیض و تمایز در یک جبهه وسیع ملی پدر وطن اعم از کارگران ، دهقانان ، کسبه کاران ، کوجیبها ، کارمندان و روشنفکران تا جبران وسر مایه داران ملی ، علما و روحانیون و دانشمندان را هر چه کاملتر تا مین نمایند .
 - ۴- از نمایندگان سازمان های مشا به درکشور های دوست به کنگره مو سس جبهه ملی پدر وطن دعوت بعمل آید .
 - ۵- کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست به کمیسیون عالی منتخب صلاحیت میدهد که میتوانند بنا بر ضرورت عدده دیگر از نمایندگان نیروهای ملی و وطن پرست افغانستان را در ترکیب کمیسیون عالی تدارک کنگره مو سس جبهه ملی پدر وطن شامل سازد .

اعضای سازمان د مو کرا تیک زنان ولایت

کنگرهار بغا طر تانید و استقبال از مصوبات

کنفرانس سر تا سری زنان افغانستان روز

دعم جدی در سالون موسسه عالی تر بیه

معلم آن ولایت تشکیل جلسه دادند .

مرسته گریه .

دفتریاب ولایت د خوانانو د دیمو کرا تیک

سازمان د آگاه او زپورو خوانا نو یوه ډله

چی هه موده مخکی په خپله خو ښه دبین -

المللی ارتجاع او نړیواله امیر یالیزم د

گودا گیا نو د له منغه وړلو لپاره د هغه

ولایت یوی سیمی ته تللی وو د جدی بیه

لسمه نیټه بریالی د هیمنی ښار ته ستانه

د خوانا نو له دمو کرا تیک سازمان سره شول .



دکتور اناهیتا راتب زاد هنگام عزیمت جانب هند در میدان هوایی بین المللی کابل.

درین شماره

یکسال در یک هفته

جبهه ملی پسر وطن متحد کننده همه مردم

علل کمبود وگمراهی مواد سوخت در شهر
کابل

شاعری از فلسطین ابوسلما

ویتنام در قلب ما جاه دارد

موضعگیری زنان در جامعه بین المللی

در پرتگاه یک حادثه

تگرش بر سینمای شوروی ، این سینمای
انسانی

عشق و بشکلا بیژنده

آبا میدانید که دستکول از کدام زمان
رواج داشته است

دکاربین دسمنرکی اوستی سیاسی ۱ و
اقتصادی

شرح روی جلد :

احمد مرید و آوازخوان جوان رادیو تلویزیون
کشور

شرح پشتی چهارم :

تابلوی نقاشی از کوچه قدیم شوربازار

۲۷-۲۷

جبهه ملی پسر وطن سیستم وسیع توده ای سازمان های اجتماعی، سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحادیه کارگران و دهقانان تشکیل میدهد و تمام طبقات، افشار و گروه های ملی و دموکراتیک، همه نیرو های اجتماعی و مذهبی وطن پرست را برای همکاری بخاطر منافع وطن مان افغانستان انقلابی متحد می سازد.

«بیرک کارمل»

۱۳ جلدی ۱۳۵۹ ۳ جنوری ۱۹۸۱

اتحاد کلیه نیرو های ملی و مترقی

انقلاب یک تحول کیفی و بنیادی شروع نمودند به عملی نمودن دسایس، شکست نا پذیر و سازنده رسالت یک چرخش عظیم و اساسی در حیات نقشه های شوم و غیر انسانی شان. عظیم خویش رادر برابر امام وطن جا معه محسوب می شود. ازینرو حفیظ الله امین این جبار به شایستگی انجام دهند و در- انقلاب اجتماعی، عمیق ترین و این خائن به حزب و مردم بنابر سازندگی، شکوفانی و بهسازی و بنیادی ترین تحول را در حیات دستور سی، آی، ای ای-من میهن محبوب ما افغانستان از هیچ سیاسی، اقتصادی و ایدیولوژیک ساز مان استخبا رات امریکا به نوع سعی و تلاش دریغ نوزند.

جا معه بو جود می آورد این تحول نیرو های ملی و دمو کرا تیک بیرک کارمل منشی عمومی کمیته بنیادی و عمیق زمینه را مساعد انقلابی و ترقی خواه ضرر بات مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق می سازد تا در عرصه های مختلف جبران نا پذیری را وارد نمود یک افغانستان رئیس شورای انقلاب بی زندگی اجتماعی تحول چشمگیر پدید عده از آنها را به زندان هافرستاد و صدر اعظم جمهوری دمو کرا تیک آمده و طو مار مناسبات فرسوده و عده را هم تبعید نمود و خون افغانستان در کنفرانس با شکوه و کهن غیر عادلانه را در هم پیچد هزاران هزار فرزند بی گناه مارا نیرو های ملی و وطنپرست ست پیرا- و جای آنرا مناسبات عادلانه و نوینی ریخت و پدران، مادران، زنان و مون اهمیت تشکیل و نحوه کار اطفال رنجکشیده ما را برای همیشه جبهه وسیع ملی پسر وطن گفتند:

انقلاب اجتماعی قدرت را از سیاه پوش و عزا دار ساخت. وظیفه اساسی جبهه ملی طبقات حاکم و ستمگر گرفته و به مگر مرحله نوین و تکاملی پسر وطن عبارت از آنست که ضمن طبقات استثمار شده و محکوم و به انقلاب، کاخ ظلم و بیداد رژیم پیروی از منشی عمومی حزب دمو - توده های وسیع زحمتکشسان استبدادی طراز فاشستی امین کراتیک خلق افغانستان و تبلیغ، و رنجبران می سپارد و به خود کامگی جاسوس، این چهره آشنا و شناخته توضع و ترویج سیاست شورای شده امیر یا لیزم و باند تبهکارش انقلابی و حکومت جمهوری دمو - و استعباد جباران خاتمه میدهد.

انقلاب نور که مطابق با قانونمندی تکامل جا معه ما به را واژگون کرد، باب و مرحله کراتیک افغانستان توده های اعضای بیروزی رسید نمره نبرد طولانی خود و تمام مردم نجیب افغانستان مردم، اقوام و ملیت ها، اقشار و ساز این کشور عقابان بلند پرواز را در جهت اشتراک فعال و آگاهانه و دلبران غیور گشود.

مرحله کنونی پرو سه انقلابی شکوفان یا رعایت و احترام اصول طبقات وسیع و گسترده زحمتکشسان کشور ماست که بر هبری حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان این کشور ماست که بر هبری حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان این پیشا هنگ طبقه کارگر و همه تیک خلق افغانستان این گردان بخصوص جا معه ما بسیج نمایند.

زحمتکشسان به پیروزی رسید و مردم بیش آهنگ با در نظر داشت جبهه پایه حاکمیت زحمتکشسان مارا از ظلم و ستم فیودالان، اربابان رسالت و مسوولیت سترگ در رادر جمهوری دمو کرا تیک افغا - و صاحبان قدرت رها بی بخشید برابر مردم و در جهت تشکیل و بسیج نستان تشکیل میدهد، جبهه مگر محافل ارتجاعی و وابسته به کلیه نیرو های ملی و دموکرا تیک وظیفه دارد و وحدت مردم را به امیر یا لیزم جهان خوار امریکا اعم از روشنفکران، کارگران، منظور فعالیت مشترک برای به مانند همیشه دست به حیل و توطئه پیروزی رسانیدن کامل انقلاب زدند و می خواستند مسیر اصولی و افسران، روحانیون و طنپرست ملی و دمو کرا تیک و تکامل انقلاب نور رابه پیراهه بکشان نندودر و غیره اقشار و اقوام ساکن بعدی آن تحکیم بخشند و همچنان برابر نهضت و تحول سنگ اندازی افغانستان سعی و تلاش خستگی در امر تربیت و طنپرستانه اهالی نمایند بدین ترتیب اجنت و نماینده نا پذیر می نماید تا همه طبقات، و جلب وسیع اتباع جمهوری دمو- سیاه خود حفیظ الله امین، جلا دو خون کراتیک افغانستان در اداره امور آشام قرن را رویکش کار نمودند و تمام ملیت های برادر این دولت و جا معه مساعدت نماید.

سر زمین در چو کات جبهه ملی

بقیه در صفحه ۵۱

تپهر

جبهه ملی پدر وطن

متحد کنند همه مردم

انقلاب ملی و دموکراتیک
ضد فئودالیسم و ضد
امپریالیسم نور که برهبری علمی
و عاملان حزب دموکراتیک
خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه
کارگر و همه زحمت کشان وطن»
و به پایمردی و دلاوری اردوی
قهرمان و با اتکاء به پشتیبانی
با الفعل و با القوه مردم باشها مت
افغانستان به پیروزی رسید نه تنها
راه نوین و انقلابی را در پرا بر
مردم و وطن ما برای شکوفایی
و خوشبختی گشود ، بلکه بشکل
همه جانبه زمینه اتحاد و همبستگی
و یکدلی همه مردم رانیز مهیا
گردانید آری پیروزی انقلاب
شکوهمند نور صفحه گشای یک
حیات نوین را باز نمود .

درجوامع طبقاتی منجمله
افغانستان (قبل از انقلاب نور)
طبقات حاکم تمام نعمات مادی
جا معه را به خود و در خدمت
خود قرار داده و طبقات مؤلده
وزحمت کش چون کارگران ، دهقانان
وسایر زحمت کشان هم چون
برندگان و مزدوران در بند کشیده
شده صرف به خاطر آنکه زنده
بمانند کار می کنند و تلاش می
ورزند ، ولی این شرایط پایایی
مداوم ندارد زیرا طبقات زحمت کش
درک می کنند که مؤلده اصلی
نعمات جا معه آنها هستند و طبقات
حاکم مفت خوارانی بیش نیستند لذا
تحت رهبری حزب پیش آهنگ مترقی
و انقلابی خویش به مبارزه بر می
خیزند ، راز موفقیت این طبقات
و اقشار دموکراتیک در پهلوی

دیگر عوامل در همبستگی و اتحاد
آنها نهفته است .
در کشور محبوب و سر بلند
ما افغانستان اکثریت قریب
به اتفاق مردم طی سده ها و هزاره
های متمادی در تحت شرايط
ناگوار و ضد انسانی که از مناسبات
ناهمگون و غیر عادلانه اجتماع
و تسلط دولت های جبار و ضد
مردمی رنج می کشیدند ، فقر ،
مرض ، بیسوادی و بی خانمانی
بیداد می کرد و خلق عمدا در تاریکی
و جهل نگه داشته می شدند ، حزب
دمو کراتیک خلق افغانستان چون
ستاره رهنمای مردم در آسمان
کشور ما پدید شد و راه طرد آن
شرایط را علما و عملا در پرا بر
خلق گذاشت و پیوسته آنها را برای
کسب پیروزی نهایی بسیج و آگاه
می ساخت . بالاخره در نور ۱۳۵۷
یوغ جباران و ستمگران شکست
و فرو غلطید ، انقلاب نور چون
آفتاب درخشانی قلب و جان
زحمت کشان و وطن پرستان
را گرم کرد و ظلمت ناشی از حاکمیت
طبقات جبار حاکمه را محو نمود و
دست ستمکاران را از دام
پاک وطن و مردم کو تاه ساخت .
با پیروزی انقلاب شکوهمند نور نه تنها
طبقات حاکمه ستمگر داخلی بلکه
متحدین جهانی شان را نیز یا لیزم
جهانی ، ارتجاع بین المللی و منطقه
و دیگر مرتجعین را نیز از خوان
مفت مردم افغانستان محروم نمودند
لذا همه یکدست علیه انقلاب
نور مردم افغانستان قرار گرفتند و
با آله دست قرار دادن حفیظ الله -

امین این جاسوس سی آی ، ای و بانده
فاسد و ستم پیشه اش انقلاب
مردم و وطن ما را در لب بر نگاه
سقوط قرار دادند و لی باز هم
مردم دلیر و سلحشور افغانستان
تحت رهبری حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و به پا یمر دی
اردوی دلیر و سر سپرده خویش
طومار ارتجاع امینی را به تاریخ
۶ جدی ۱۳۵۸ درهم پیچیدند
و انقلاب را وارد مرحله نوین و تکاملی
نمودند و مردم ، وطن و انقلاب را
از تباهی و ناگامی نجات دادند
تحول شگرف و قهرمانانه
۶ جدی ۱۳۵۸ بمثابة صفحه درخشان
و سازنده ای است در تاریخ
انقلاب نور که دامان حزب
وطن و انقلاب را از دشمنان
شان پاک ساخت و می توان
آنها (تحول ۶ جدی ۱۳۵۸) ادا مه
دهنده قانو نمند انقلاب بر گشت
ناپذیر نور و آغاز گر مرحله نوین
آن شناخت .

حال که انقلاب به سیر اصلی
خویش روانه است و حزب
و دولت مردمی ما پیوسته و
خستگی ناپذیر در جهت بهروزی
مردم و شکوفایی وطن در تکاپوست
باید راه های مؤثر و مثمر و سریع
آبادانی وطن و خوشبختی مردم را
جستجو کرد و به کار گرفت در قدم
اول همبستگی و اتحاد همه نیرو
های انقلابی ، ملی و وطن پرست
درین مرحله حساس تاریخی کشور
و به خاطر نیل به اغتصاب
افغانستان محبوب ما و به خاطر
رشد همه جانبه اقتصادی اجتماعی

سیاسی و فرهنگی کشور و بهروزی
مردم ، شرط حیاتی و لازمی است ،
دولت مردمی ما با درک این
حقیقت قدم های فراخی درین
جهت برداشته است که اقدام به
خاطر تر کیب و توظیف کمیسیون
عالی تدارک کنگره موسس جبهه
وسیع ملی پدر وطن در جمهوری
دمو کراتیک افغانستان که به تاریخ
۶ جدی ۱۳۵۹ با شرکت نمایندگان
همه طبقات و اقشار و گروه های
ملی ، دموکراتیک و وطن پرست دایر
گردید اقدام بس ارزنده درین راه
محسوب می شود . مقدمات
این کار سترگ و سازنده با پیروزی
مرحله نوین و تکاملی انقلاب آغاز
شد ، کنگره موسس معلمان ،
کنگره داکنران و مستخدمین طبی
کنفرانس روحانیون ، کنفرانس
مؤثریت کار وزارت خانه ها و
مؤسسات دولتی ، کنگره موسس
اتحادیه نویسندگان ، علما و شعرا
و کنفرانس همبستگی بین المللی
سازمان دموکراتیک جوانان
افغانستان و بالاخره کنفرانس
بین المللی سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان و امثالهم در جمله
اقدامات مقدماتی در راه اتحاد
و بسیج مردم برای اعمار وطن
بهروزی خلق و مبارزه بی امان با
ضد انقلاب و دشمنان وطن می
باشد .

ببرک کار مل منشی عمو می
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری
دمو کراتیک افغانستان در کنفرانس
پر شکوه و تاریخی تدارک کنگره
مؤسس جبهه وسیع ملی پدر وطن
بیانیه اساسی را ایراد فرمودند
وطی این بیانیه بر جهات مختلف
موضوع روشنی انداخته شد ایشان
در بخشی از بیانیه اساسی
چنین فرمودند : «... جبهه ملی
پدر وطن سیستم وسیع توده ای
سازمان های اجتماعی ، سیاسی
است که ستون فقرات آنها اتحاد
بقیه در صفحه ۴۸

یکسال در یک نگاه

تعالی و ترقی مردم زحمت کش و مسلمان افغانستان دعا کردند .

۲۸- اسد :

شصت و یکمین سالگرد استر داد استقلال افغانستان آزاد و مستقل در سراسر میهن عزیز تجلیل گردید .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر روز شنبه هشت سنبله خان- عبدالغفار خان رهبر بزرگ و مبارز پشتون ها را در مقر شورای انقلابی هنگامی ملاقات نمودند

سعید فطر را در عید گاه ها و مساجد جامع مرکز و ولایات کشور در فضای نهایت آرام اخوت اسلامی ادا کردند و از بارگاه خالق بی - نیاز ترقی و تعالی افغانستان عزیز را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آرزو برده دشمنان وطن و انقلاب را سر نگون و شرم سار خواستند .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ۹ قبل از ظهر روز ۲۱ اسد نماز عید سعید فطر را به امامت قاری محمد عمر در مسجد مقر شورای انقلابی ادا نمودند و برای

دموکراتیک زنان افغانستان در تالار لسه استقلال گشایش یافت .

• • •

یکهزار و چهار صد و سیزدهمین سالگرد نزول قرآن عظیم الشان این کتاب آسمانی بعد از افطار از طرف پوهنغی شرعیات پوهنتون کابل با برگزاری محفلی در ادیتوریم پوهنتون تجلیل گردید .

• • •

هموطنان مسلمان و متدین ما در سر اسر کشور روز ۲۱ اسد حلول عید سعید فطر را با سرور و شادمانی استقبال نموده و نماز عید

ختم های قرآن عظیم الشان در ضمن نماز تراویح که شام اول ماه مبارک رمضان در ۷ مسجد شهر و حومه کابل آغاز شده بود شام ۳۱ سرطان پایان یافت .

هزاران نفر از شهر یان کابل درین ختم ها اشتراک داشتند در پایان ختم کلام الله مجید برای رفاه و آسایش مردم متدین و مسلمان افغانستان و شگوفانی میهن عزیز در تحت رهبری حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان دعا نموده و از خداوند بزرگ استدعا نمودند تا دشمنان انقلاب و خاک مقدس کشور مانیست و نابود گردند .

• • •

پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بتاريخ اول اسد ۱۳۵۹ دایر گردید .

درین پلینوم ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره وظایف حزب و دولت به خاطر تشدید مبارزه علیه نیرو های ضد انقلاب و تقویه قوای مسلح و نیرو های امنیتی دولتی و نظامی اجتماعی بیانیهای ایراد کردند .

• • •

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قبل از ظهر ۱۳ اسد در جلسه فعالین حزبی شهر ولایت کابل که پیرامون تطبیق تصامیم تاریخی بزرگ و پراهمیت پلینوم سوم کمیته مرکزی در محیط سرشار از روح رفاقت همبستگی و وحدت خدشه ناپذیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور در تالار سلامخانه مقر شورای انقلابی دایر گردیده بود اشتراک ورزیدند .

۱۸- اسد :

بافراحت پیام ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، نخستین سیمینار تریبوی برای بالا بردن سطح دانش اعضای سازمان



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو فعیکه بیانیه شانرا به مناسبت شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور عزیز و محبوب ما افغانستان از طریق رادیو تلویزیون ایراد می نمایند .

هفت هفته

سو مین جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق ماده سی و هشت اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت چار و نیم عصر سی و یکم سنبله ۱۳۵۹ در مقر شورای انقلابی تحت ریاست بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر گردید.

اول میزان:

کنگره موسس اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان ضمن مراسم باشکوهی در تالار کابل ننداری افتتاح گردید.

بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. خ. ۱۰، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم

جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲ میزان یکده از روسای عیانت های سازمان های جوانان

دموکراتیک کشور های مختلف جهان را که جهت اشتراک در کنفرانس سر تاسری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و ابراهیم بسنگی

با افغانستان انقلابی به کابل آمده بودند در امر گلخانه پذیرفت در این ملاقات نمایندگان چهل

و چهار سازمان ملی از سراسر جهان و پنج سازمان بین المللی جوانان اشتراک ورزیده بودند.

دو میزان:

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت او شوروی اتحاد تر مینځ د افغانستان دخلک دیموکراتیک گوند د مرکزی کمیته د ټولنیزو علومو دانستیتون دودانو د جوړولو موافقه لیک د افغانستان دخلک دیموکراتیک گوند د مرکزی کمیته په مقر کې لاسلیک او سندونه یې یوبل ته ورکړ شول.

۸ میزان:

اولین پلینوم شورای شهری اتحادیه های صنفی شهر کابل طی مراسمی در تالار اتحادیه های کارگری افغانستان بر گزار شد.

۱۳ میزان:

کنگره موسس اتحادیه نویسندگان و شعرای جمهوری دموکراتیک افغانستان طی مراسمی باپخش سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان در تالار لیسه استقلال گشایش یافت.

۲۲ میزان:

موزیم ملی افغانستان بعد از یک دوره نیم-انگیز رکود مجددا در عمارت سابقه آن واقع دارالامان افتتاح شد.

بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بنابه دعوت کمیته مرکزی حزب لفظاً ورق بزئید

درفش جوانان ارگان کمیته اجرازه سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان روز ۱۹ سنبله انتشار یافت.

کنگره موسس اتحادیه زورنستان جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از لېسر ۲۴ سنبله ضمن مراسم با شکوخی در تالار موسسه صحت عامه افتتاح گردید.

دسنبلې ۳۱:

دوات دبانگو ټوله لاری دوطن پلاستیک له فابریکی سره سر کال څه نا څه شپيته ملونه اړینې مرسته کړیده.

بدو سره په کابل کې پای ته ورسید.

بنامی از مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان راجع به تطبیق مواد کنفرانس ارتقاء موزیریت فعالیت وزارت خانه ها، ادارات و موسسات د ولسی روز ۱۲ سنبله سیمینار روسا آمرین موسسات، پروژه ها و تصدی های وزارت معادن و صنایع توسط وزیر معادن و صنایع افتتاح گردید.

روزین المللی سراد ۱۷ سنبله طی محافل شاننداری در سراسر کشور تجلیل گردید.

زمون د پښتو او بلوڅو وروڼو ملی ورځ د سنبلې ۹ په کابل او هیراد دولایاتوبه مرکزو لورکی د خانګر وټونو په ترڅ کې ونمانځل شوه.

دسه شنبې ورځ دسنبلې په یوولسمه نېټه دافغانستان د خلق دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته ارگان (حقیقت انقلاب لور) لومړنی گڼه څپه شوه. دسنبلې ۱۲:

دعبود دنامتو عالم دختیج دستراو پوه حکیم شیخ الرئیس بلخی ابوعلی سینا د زوی ددنی د زرم کال علمی سیمینار دبریکره لیک په صادر



بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام ملاقات باخان عبدالغفار خان مبارز نهضت آزادی بخش ملی ور غیر بزرگ پښتون ها.



ببرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب د مو گرا تیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو فیکه با یگده از مردم ولسوالی خلم ولایت سمنگان مصافحه می نمایند .

در دوران این مذاکرات که در یک فضای

• • •

مذاکرات رسمی بین جمهوری دموکراتیک صمیمانه دوستانه و تفاهم متقابل صورت

گرفت روی مسایل اساسی روابط افغانستان

و اتحاد شوروی تبادل نظر به عمل آمد

و انکشاف پیروزمندانه و مثمر این روابط بر مبنای

یکسال در یک هفته

لیستی روز چهار شنبه ۲۳ میزان در راس

یک هیات عالیرتبه حزبی و دولتی برای یک

مسافرت رسمی و دوستانه به اتحاد شوروی

عزیمت کردند .



ببرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب د موکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو فیکه سو مین جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را افتتاح می نمایند .



یکسال در یک هفته

معاهده دوستی حسن همجواری و همکاری میان دو کشور منعقد سال ۱۹۷۸ ابراز رضایت عمیق شد .

دهیزان ۲۷ :

دلوی اختر لومړی نیکمرغه ورځ او زموږ مسلمانانو خپلواکو خلکو په دیره خوښی او خوشحالی دختر دیکمرغو ورځوهر کلی وگر .

• • •

د ملگرو ملتو د موسسې د جوړیدو پنځه دیرشمه کالیزه د عقرب لهری نیټه په هیواد کسی ومانځله شوه .

• • •

د افغانستان د خلک د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم بېرک کارمل شوروی اتحاد ته له یورسمی او دوستانه تاریخی سفر څخه وروسته د عقرب ۱۴ نیټه په خیر سره گران وطن ته راستون شو او د هیواد دلس گونوزرو تنو زیارگښو وطنوا کو لخوا یی لهو لولو دکاوبی ساری هرکلی وشو .

بیرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ولیونید بریژنف منشی عمومی کمیټه مرکزی حزب کمونسټ و صدر هیات رئیسه شورا عالی اتحاد شوروی مو قعیکه بیانیه مشترک دو کشور را اضا مینمایند .

لیستی انقلاب ددری شیټمی کالیزی دنمانځلو له امله د کابل ننداری په تالارکی شوی وه .
• • •
هیات مدیره بانک انکشاف زراعتی تحت ریاست عبدالوکیل وزیر مالیه و رئیس هیات مدیره با نك روز ۱۹ عقرب ۱۳۵۹ در عمارت با نك تشکیل جلسہ دادهو بعداز غور و بررسی راپور های هیات عامل ، هیات نظار داخلی وادیتوران بین المللی بیلان شیت و صورت حساب نفع و ضرر سال ۱۳۵۸ آن بانک را منظور و تصویب نمود .
• • •
نخستین کنفرانس شورای شهری نمایندگان زنان شهر کابل تحت رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بخاطر تشکل زنان افغانستان در امر دفاع از انقلاب و مردم بعداز ظهر ۲۸ عقرب ۱۳۵۹ درادیتوریم لیسه امامی دایر شد .
• • •
کنفرانس بزرگ وبا عظمت سرتاسری زنان بقیه در صفحه ۴۹

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم بېرک کارمل د عقرب ۱۶ نیټه له غرمی وروسته په یوه بچه په هغه درنده غونډه کی سرڅه واخیسته چی دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې د افغانستان ددیموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا او وزیرانو شورا او افغانستان او شوروی اتحاد دوستی د یونلی له خوا داکتوبردستر سوسیال



بیرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه یکه عددی از روسای هیات های سازمان های جوانان کشور ها ی مختلف جهان را در لصر گلخانه پذیرفته وبا آنها صحبت مینمایند .

سلسله گفت و شنودها و نشست های انتصابی ژوندون در زیر پرده

يك بررسی و انگیزه یابی همه جانبه پیرامون :

علل کمبود و گرانی مواد سوخت در شهر کابل

دشواریهای خانواده ها به این سبب و کاوش راههای حل و عملی این معضله

به جدل می آورد که خوش بختانه علی الرغم همه سنگ اندازی ها و تلاش گسترده دشمنان انقلاب اقدام بموقع دولت مشکل کمبود و گرانی چوب سوخت را از میان بر داشته و خانواده ها را از نگرانی و ارها- نیده است .



حشمت او رنگ معاون کمیته ولایتی کابل

- در این جدل این اشخاص شرکت داشتند :
- ۱- حشمت اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل
 - ۲- محرم علی معاون شاروالی کابل
 - ۳- دکتور عرب گل طوطا خیل سکرتر جنرال جمعیت افغانی سره - میاشت
 - ۴- دیپلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلی ملی موسسه
 - ۵- دیپلوم انجنیر عبد الستار صافی رئیس برق کابل .
 - ۶- شمس الدین رئیس تفتیش شاروالی کابل
 - ۷- دگر من ار کان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون وزارت دفاع ملی .
 - ۸- دیپلوم انجنیر محمد قاسم پوپل معاون ریاست پلان وزارت معادن و صنایع
 - ۹- غلام حضرت معاون ترانسپورت عمومی
 - ۱۰- انجنیر محمد حسن عثمان امر ارتباط ذغال سنگ
 - ۱۱- میر عبد الرحمن مدیر عمومی تخنیک ریاست انحصارات دولتی
 - ۱۲- عبد الله بشیر شور «به نمایندگی از خانواده های کابل» و برخی از اعضای گروه مشورتی ژوندون

یاد داشت گونه یی به عنوان پیشنهاد

مشکلات ترانسپورتی در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است .

بدون شك هر دشواری راه حلی کنند و چگونه عمل کنند که ساده دارد و مشکل انرژی هم . ترین راه های حل ممکن در زود اما این مشکل را باید کدام يك ترین فرصت ممکن به تطبیق آید ؟ از ارگان های مسوول حل ژوندون این تنها هفتگی نامه همه

خانواده های کشور که تاکنون نیز عمیق ترین ، اساسی ترین و دشوار ترین مسایل زندگی خانواده ها را در بوتۀ نقد و انتقاد قرار داده و با راه اندازی جدل های خود مسوولان هر بخش را در دور يك میز گرد آورده و به طرح و بررسی و انگیزه یابی و راه حل جویی دشواری مورد بحث پرداخته اینك یکبار دیگر این مشکل همه خانواده های شهر را در شرایطی



گوشه‌یی از میزمدور ژوندون پیرامون علل کمبود وگرانی مواد سوخت در شهر

ایستگاه خانواده‌ها

لطفا دست نگه‌دارید، ورق‌نزنید!
به شما خانواده‌ها، به شما که تاکنون نتوانسته‌اید مواد محروقاتی مورد نیاز خود را تهیه کنید و به شما که در آستانه زمستان و با احساس سوز سرما، به یاد یخبندان سال پیش می‌افتید دردمزده می‌دهیم که این مشکل در اثر توجه دولت انقلابی و مردمی شما مرفوع گردیده است

معذالك برای خانواده‌های محترم باین گام نافع دولت ازین با بت دیگر کدام نگرانی باقی نمی‌ماند.

ژوندون این تنها مجله هفتگی خانواده‌های کشور با ارج گذاری به خواست شما بازهم پیش گام و پیش آهنگ به انجام رسالت نشراتی خود پرداخت و با دایر ساختن یک گرد هم آیی با شرکت تمام مسوولان سازمانها و ارگانهای مربوط به موضوع، دشواری فرا رسیدن سر ما و مساله نیاز مندی مواد محروقاتی را به طرح آورد و از آن نتایج سودمند گرفت ما از شما دعوت می‌داریم این جدل جالب را دنبال کنید و با ارائه نظریات پیشنهادات و انتقادات خود، همیشه سپاسگزاران سازید.

ما باز هم نظرات شما را با مسوولان امور در میان می‌گذاریم و میکوشیم طرح‌های عملی و تطبیقی در شرایط کنونی زمینه پیاده شدن به عمل آید.

یکبار دیگر از شما - از فرد فرد شما - از همه خانواده‌ها به خاطر علاقه‌شان به این مجله و این سلسله جدل‌ها متشکریم.
آدرس ما این است: انصاریات - مطبعه دولتی، مجله ژوندون

مشکلات ترا نسپورتی در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است

...

نمایندگان ادارات دیگری که به نحوی با موضوع زیر بحث رابطه دارند، میکوشند زمینه مطالعه و بررسی موضوع و طرح راه‌های حل عملی و تطبیقی را فراهم آورد. یکبار دیگر از فرد فرد خواننده مشکل‌پسند ژوندون و از همه خانواده‌هایی که ما را در پیشبرد موفق فعلی نشراتی مان مشوق می‌کردند سپاس داریم و باز هم در انتظار نظرات، انتقادات و پیشنهادات تازه و جالب شما می‌باشیم.

ژوندون نشریه‌یی است خانوادگی و ناگزیر از آنکه نه تنها عمده‌ترین دشواری‌های خانواده‌ها را در بوته نقد و انتقاد قرار دهد و باز زمینه‌سازی‌های سودمند مسوولان با صلاحیت از گانه‌ها و سازمانهای مختلف را در گرد هم آیی‌هایی به دور هم جمع آورد و در پی کاوش راه‌های حل اساسی، منطقی و تطبیقی بر آید، بلکه این راهم در شمار رسالت‌های نشراتی خود میدانده که

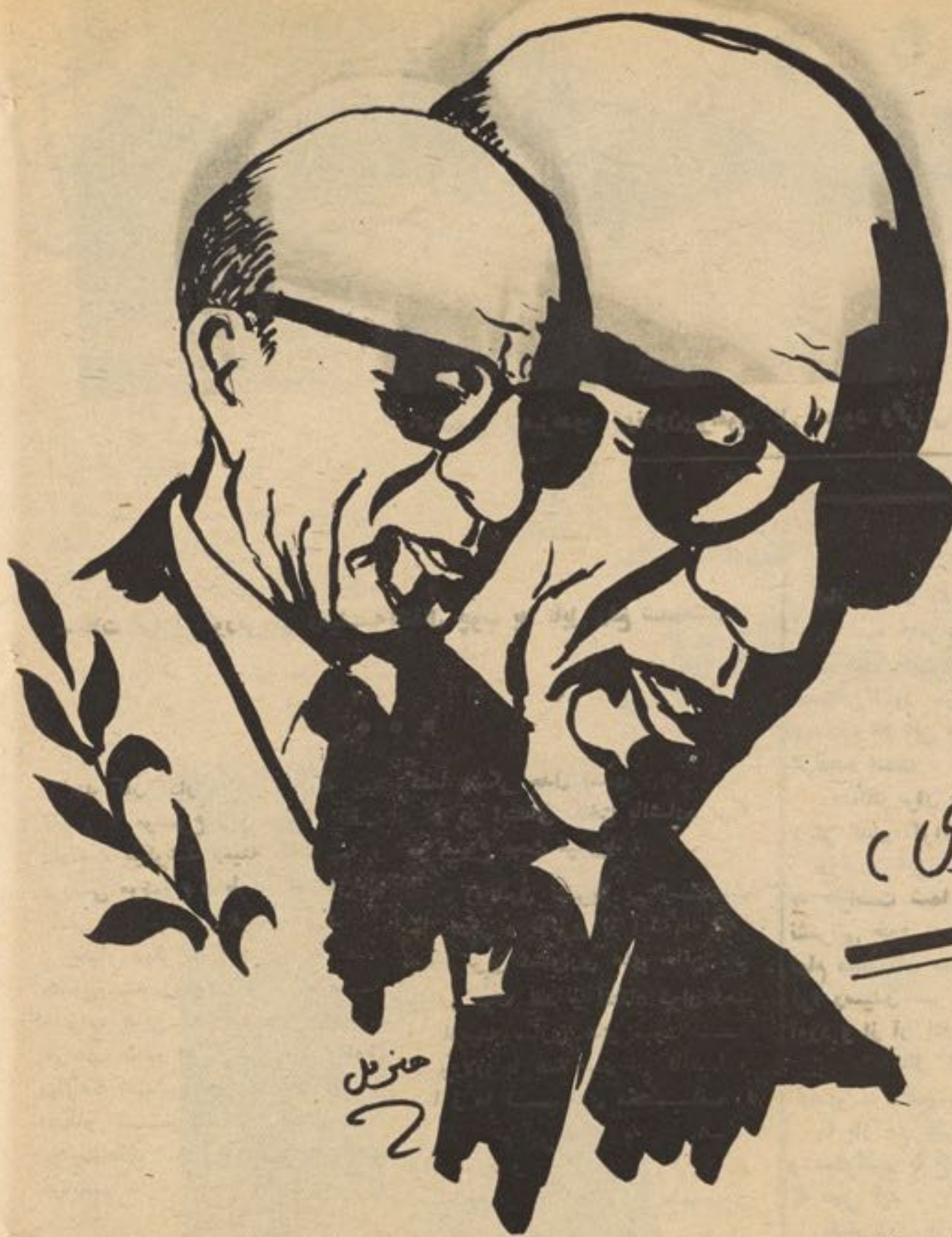
را حله راسخ خرمی مدیر مسوول هفتگی نامه خانوادگی ژوندون

بقیه در صفحه ۱۹

سایلی

سپاسی و اجتماعی، فرهنگ و

هنر، نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها



عزیز

شاعری از فلسطین

ابوسلما

(عبدالکریم الکریمی)

بخاطر فلسطین و برای رسیدن به پیروزی فلسطینی ها چه کسانی که جان خود را از دست نداده اند. مبارزه کرده اند، ولی باز هم ندای آزادی و پیروزی درین نقطه جهان خفه نشده است. ندای آزادی درین جای بیشتر از دیروز زانکاس میکند و همه گیر تر میشود و برای صهیونیستها مسجل می شود که دیگر نمی توانند از مسئله فلسطین رو بگردانند.

ابوسلما از شمار شاعران شناخته شده ادبیات فلسطین است. او مانند سایر همسنگران راه آزادی فلسطین چون عنان کنفانی پیروز مند از محاکم آزمایشش تاریخ بدرآمده و لحظه ی نخواستنه است خلق فلسطین بسی هدف بزیند.

ابوسلما در سال ۱۹۰۹ در تو لکریم فلسطین بدنیآ آمد، پدرش سعید الکریمی نام داشت. تحصیلات ابتدایی اش را در تو لکریم به آغاز گرفت و تحصیلات اش را در شهر دمشق (سوریه) ادامه داد.

در سال ۱۹۲۷ بحیث استاد ادبیات در یور شلم بکارش شروع کرد و در این زمان بتحصیل حقوق پرداخت و درین سالها دوست دیرینش

ابراهیم توکان را ملاقات کرد. این ملاقات درزندگی و کارهای

ادبی وی تأثیر خیلی ارزنده داشت. از او اشعار و مقاله های زیاده در روزنامه ها و مجلات عرب و فلسطین بنشر رسیده است. که بعدا او پرکارترین نویسنده فلسطینی عنوان شد. ابو - سلما مجددا در سال ۱۹۲۹ با دو - ستش ابراهیم توکان که حالا پر گرداننده برنامه های رادیوی عرب در یور شلم بود پیوست.

ابوسلما شاعر و انقلابی گرانمایه فلسطین است در اشعار او بخش های مختلفی از زندگی خلق فلسطین یعنی جریان آوارگی شده نومبارزه برای بازگشت به فلسطین، عملیات وحشیانه دولت تروریست اسرائیل

و نهایت پیروزی خلق فلسطین به یختگی تصویری گشته است. او با امپریالیسم، فاشیسم و صهیونیسم این دشمن مشترک جها نیان سخت در نبرد است. او میداند درین نبرد آشتی ناپذیر اوتنها نیست، همه انسانهای صلح طلب و بشر دوست درین مبارزه بزنگ با ابوسلما هما و کنفانی ها همسنگر اند. این مبارزه مبارزه حق بر باطل است و حقا نیست داعیه فلسطین را بدرستی اش مسجل می کند. در اشعار زیبایی او چهره تبخیر شدگان و آوارگان که بحکم ظلم و تعدی و وحشت از وطن شان رانده شده اند نقش خوبی یافته است.

ابوسلما بزودی از عهده اش باز نشستند و در حقیقت دفتر محاکمات گشود و کارش را تا سال ۱۹۴۸ و شروع تراژدی فلسطین ادامه داد. ابوسلما سنکس مبارزه قلم راهیچگاهها نکرد. از سال ۱۹۴۸ به بعد در سوریه مسکن گزید و دور از میهنش به هنر و ادبیات عمیقانه رو کرد. سه مجموعه شعر (مهاجر) در سال

کرد.

مجموعه شعر (مهاجر) که در سال ۱۹۵۳ از چاپخانه برآمد میشود گفت که از بهت رین اشعار حماسی و انقلابی او است. که این کارنامه‌های او مردم‌اش را در شناسایی صهیونستان این‌غا صبان آزا دی کمک کرده است. در مجموعه الهام من فلسطین او با هرچه نوآوری دگرگونی و تحرك است همپا میشود و میتوان این خصوصیات را در آنها به آسانی لمس کرد.

او میداند در دنیا ی‌شگفتن و شگفتنی هازندگی میکند. و از این جا است که در اشعارش بویندگی، تلاش، و تقلا رنگ میگیرد. او به شگفتگی و تکامل سخت معتقد است و لحظه ای درنگ نمیکنند او توقف و بازگشت را گنا میدانند و به پیشروی سازنده ادامه میدهد. او در سال ۱۹۷۸ جا یزه مجمع ادبی نو یسندگان آسیا - افریقا را از آن خود ساخت.

۱۹۵۳، (ترانه های میهنم) در سال ۱۹۵۹ و (فلسطین الهام من) در سال ۱۹۷۱ از او منتشر شده است. الهام اودر چکامه هایش همان کود کان گرو - سنه و بی خانمانی است که امروز آواره اند و شکم هایشان به پشت ایشان چسبیده است اما سر دا از آنهاست خردا، عروج شتابناک و پلکان نور، آنها آینده شان را و خاک شان را با خود خواهند داشت. او نیم قرن تمام برای مردم اش شعر سرود و آنها را در برابر دشمنان میهن بسیج کرد.

... عشق تو در من نفی میبرد وطن من
الهام اودر چکامه های پیش همان کود کان گرسنه و
بی خانمانی است که امروز آواره اند و شکم هایشان
گرسنه در



ترجمه: خان محمد گوارا

ویتنام در قلب ما جاد دارد

مردم قهرمان و رزم جوی ویتنام بیوسته در تلاش نوسازی و بهسازی کشور محبوب شان اند.

سی و پنج سال قبل بتاريخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ دولت مستقل جمهوری دموکراتیک ویتنام در نقشه سیاسی جهان پدید آمد. اگر از هر کسی در اتحاد شوروی بپرسید که ویتنام برای او چه معنی دارد، او به یقین خواهد گفت که ویتنام کشور شجاع و ملت آن مبارز و زحمت کش و ساعی و دوستان وفادار ما و شریک ما در مبارزه بغاطر صلح و سوسیالیسم می باشد.

برجسته زندگی ماست، با اطمینان می توان گفت که حتی یک نفر هم در اتحاد شوروی وجود ندارد که درین احساس عمومی شریک نباشد. دوکتوران، استادان، انجیران، کارکنان زراعتی و کارگران ساختمانی اتحاد شوروی مردم ویتنام را در امر اعمار و تاسیس فابریکه ها و مکاتب شفاخانه ها، استیشن های برق راه ها و تاسیسات زراعتی کمک نموده اند. کارگران اتحاد شوروی از مسکو، منسک و الگا گراد و کیف و غیره شهرها و اطراف اتحاد شوروی فرمایشات ویتنام را اجرا کرده و حقوق روزهای رخصتی (روزهای شنبه یا سبوتیکها) خود را به خواهران و برادران بقیه در صفحه ۲۵

خبرنبار عبدالله «محب حیرت»

موضعگیری زنان

در مجامع

بین المللی و امور جهانی و موقف

شان از نگاه منشور ملل متحد



اشتراک زنان در مجامع بین المللی و سمینارهای مختلف مربوط به ارگانهای ملل متحد در تثبیت مقام زن نقش اساسی دارد.

پس منظر موضوع :

«کارهای شبانه زنان کارگرو صنایع» در حقیقت تداوم کار گزاریهای «جامعه ملل سابق» می باشد که در سال ۱۹۴۸ از طرف «موسسه ملل متحد» بر بعضی محتوای آن تجدیدنظر های بعمل آمد. زیرا با تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تنها در حدود متاصف دول جهان مصونیت فردی و آزادی زنان را مزید بر گذشته حمایت و تاکید کردند.

زیرا از ورا ی نشرات متعدد ملل متحد چنین استنتاج شده است که :

یکی از مقاصد برانزده ملل متحد بموجب منشور آن، موضوع تساوی حقوق زن و مرد اعلام گردیده است. چنانچه برای تعقیب و تطبیق این منظور در اوایل سال ۱۹۴۶ مجلس اقتصادی و اجتماعی ملل متحد کمیسیونی را جهت رسیدگی بوضع و موقف سیاسی اقتصادی، اجتماعی، مدنی و تعلیمی زنان کشور های جهان بشمول مناطق غیر آزاد تعیین نمود تا برای امحای تبعیض و اختلافات میان تپی تجاوزی مؤثری را اتخاذ کند و زمینه را برای پیشرفت زندگی، تثبیت مقام و موقعیت انسانی آنان فراهم سازد. از آنوقت تاکنون کمیسیون هجدهعضوی مذکور سالانه

مساله تساوی حقوق زنان با مردان و رهایی آنان از زیر بار های طاقت فرسای منالام گونه در اواخر قرن نژده و اوایل قرن بیست مورد توجه برخی کشور ها و مجامع بین المللی قرار گرفت و طی چند سال بعد از جنگ عمومی اول با تاسیس «جامعه ملل» این موضوع بیشتر شکل رسمی و فاطمی را پیدا کرد. بطور مثال :

در سال ۱۹۳۵ انعقاد کنوانسیون عدم استفاده زنان در کار های زیر زمینی توسط موسسه بین المللی کار و در همین سال مطالبه سر منشی جامعه ملل در مورد وضع مقرراتی مبنی بر «تثبیت و حمایت اساسنامه حقوق نسوان» که در سال ۱۹۳۷ مورد تایید و پذیرش الفا نستان نیز واقع شد از جمله اقدامات زیربنایی این موضوع بر سر آمده می شود.

سپس در سال های ۳۸-۱۹۳۹ کنوانسیون نمبر (۴) و (۴۱) پیرامون «حقوق شبکاری زنان» و تعیین اجرت های عادلانه در برابر هر ساعت کار، کنوانسیون نمبر (۱۰۰) و توصیه نامه نمبر (۱۰) راجع به مزد مساوی برای کارگران ذکور و ناث، کنوانسیون نمبر (۸۹) راجع به

یکبار تشکیل جلسه داده و راپور کار خود رابه «ایکوسولا» (نام مخفف مجلس اقتصادی و اجتماعی) طور پیهم و منظم گزارش می کند و به مجلس مشورت میدهد تا از چه طرفی میتوان موقف زنانرا بصورت مطلوبتری انکشاف داد.

حقوق سیاسی زنان :

در یکی از نشرات ملل متحد که پیرا مون پهلوهای مختلف اقدامات آن موسسه روشنی افکنده شده است در باره «حقوق سیاسی زنان» چنین مطالبی را ارائه کرده اند: چون حقوق سیاسی دارای اهمیت حیاتی است لذا کمیسیون در پروگرام کار خود این مساله را زیاد ترجیح داده است. با اثر تقاضای این کمیسیون، اسامبله عمومی در سال ۱۹۴۶ بجهت دول عضو توصیه نمود تا برای زنان هم عینا مثل مردان حقوق سیاسی مساویانه داده شود. از آن وقت بعد کمیسیون مذکور

هرسال موقعیت سیاسی زنان را از نظر حقوق ملی شان نیز تجدید نظر نموده و تحولانی را که در زمینه تساوی حقوق زن با مرد صورت گرفته باشد، مطالعه می کند. تاکنون بیش از یکصد و بیست و پنج مملکت برای زنان حق رای دهی و انتخاب رادر دوا برعامة داده است و متباقی کشور هادر حال بررسی و مطالعه موضوع میباشد تا آنها مطابق شرایط اجتماعی و محیطی خویش وفق دهند و سازگار می گردد.



از نگاه شعار ملل متحد و محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر حق اجتماع زنان با مردان

یکسان ارزیابی شده است.

ژولنون

توسعه مزید و اجباری قرار دادن تعلیمات ابتدایی، مبارزه با بیسوادی و تعلیمات اکابر نسوان نیز همواره مورد توجه خاص کمیسیون مذکور بوده است. علاوه بر کمیسیون یاد شده در باره تدریس مسلکهای مناسب زنان، استخدام و پیشرفت مساویانه با مردان هم توجه مداومی داشته و با تدریس خواست کمیسیون مذکور یونسکو در باره امکانات موجوده تعلیم و تربیت زنان راپورهای کار آمدرا تهیه کرده است.

حقوق خانوادگی و تملك :

بتاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۶۰ کمیسیون مقام مزن جلسات خودرا پیرامون حقوق سیاسی و مدنی زنان و موقف آنان از لحاظ قوانین خصوصی و خدمات مشورتی بر حقوق بشر در یونسکو آیرس دایر نمود و با اتخاذ چندین تصمیم، حداقل سن ازدواج را برای زنان پانزده سال تعیین کرد. در سال ۱۹۶۱ که با پانزدهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد مصادف بود موضوع «ترقی و پیشرفت زنان» هم طرف مطالعه و مورد قرار گرفت و میثاق جهانیتهامول و بر محتوایی ترتیب گردیده است.

بقیه در صفحه ۱۰



عده از دانشجویان و زنان ایتویایی (جبهستان سابق) در یک فابریکه نختایی و نساجی واقع ادیس بابا مصروف کار اند که به کمک بانک جهانی ملل متحد تمویل و تقویت شده و تحت نظر متخصصان ملل متحد فعال گردیده است.



حق توطن و مسکن آزادیکی از اهداف منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر است که در پهلوی همه خواستهای انسانی حق تملك لائونی نیز برای زن و مسرد مساویانه تاکید شده است.

نخستین سیمیناری که تحت پروگرام خدمات مشورتی در زمینه بشر در سال ۱۹۵۵ صورت گرفت بر موضوع مسوولیت های مدنی زنان آسیا و اشتراك شان در حیات اجتماعی غور کرد. همچنان در سال ۱۹۵۹ عین چنین سیمیناری درباره زنان امریکای لاتین در بوگوتا پایتخت کولمبیا دایر شد. سیمینار سوم روی همین مساله به سال ۱۹۶۰ در ادیس بابا مرکز ایالتو پیاسی امریکای جنوبی و جبهستان آنروز منعقد گردید و راجع بدین موضوع از نظر ممالک آزاد و غیر آزاد افریقایی بحث کرد. پروگرام خدمات مشورتی در قسمت حقوق بشر شامل فیلوشیپها، سکالرشیپها و سیمینارها است که با تدریس درخواست حکومت مستقل مساعدت می گردد.

در ارتباط با این موضوع قابل تذکر است که : از بدو تاسیس کمیسیون مقام زن تا حال در موضوعات تعلیم و تربیت عمومی زنان نیز توجه پیگیری منهدم و متمرکز شده و کمیسیون مذکور با همکاری یونسکو توانسته است تا در همه ممالک جهت فراهم آوری امکانات بیشتر تحصیل بسویه های ابتدایی متوسطه و ثانوی برای زنان کمک نمایند.



در پروژه های شهرسازی و مسکن که بعضا از طریق بانک بین المللی تعمیر مجدد و انکشاف (دبلیو بی) ملل متحد تمویل و امداد میشود، متخصصان و مشاوران آن موسسه شامل زنان و مردان نیز همکاری می کنند.

کمیسیون بزرگی موضوع تعلیم و تربیت سیاسی و مدنی زنانرا بخصوص در کشورهاییکه آنجا زنان از حقوق سیاسی محروم اند و یا اینکه تازه به آن حق سیاسی خویش نایل شده اند، تحت غور و مطالعه قرار داد.

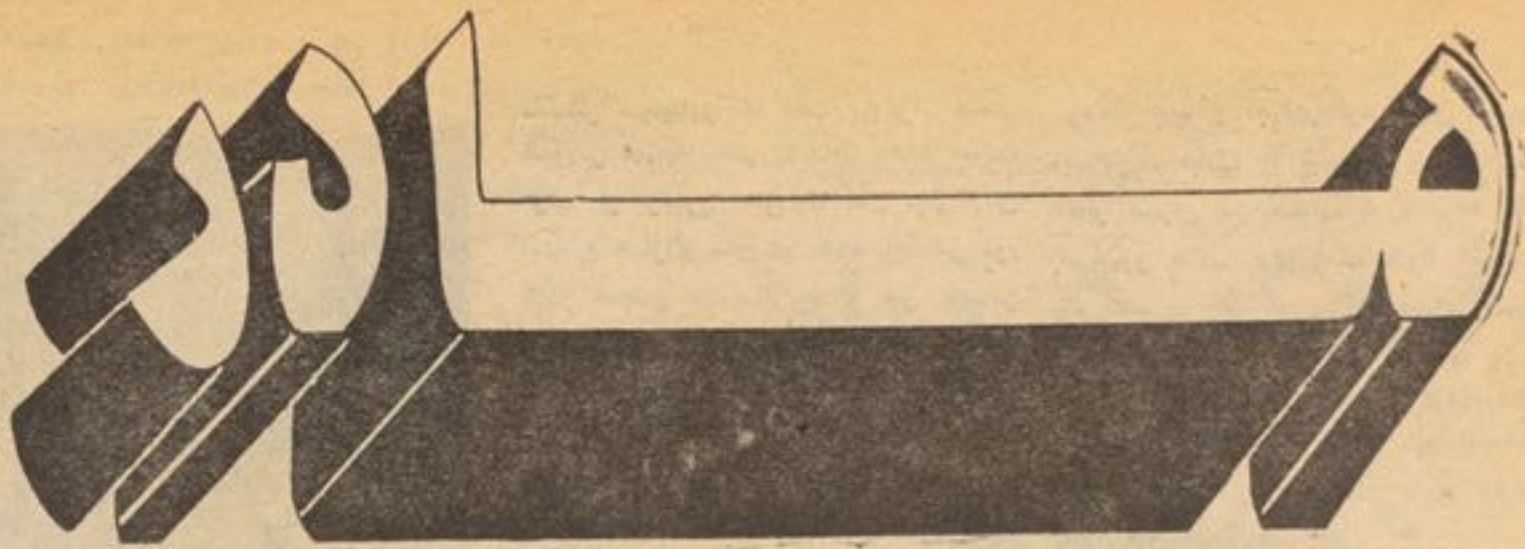
یکی از زنان معروفی که در مجمع بین المللی به نفع جامعه نسوان نقش قابل ملاحظه را بازی کرده است میرمن «چایالکشمی» بنت، خواهر «خواهر لال نپرو» صدراعظم هندوستان می باشد که در سال ۱۹۴۸ باری ببحث نخستین سفیر کبیر کشور خود (هند) در مسکو پایتخت کشور شوروا ها تعیین شدو سپس در سال ۱۹۵۳ بصفت یگانه و اولین زن آسیایی در جهان، بریاست هشتمین جلسات عمومی سازمان ملل متحد بر گزیده شد و از حقوق زنان هم بار بار و بسیار دفاع کرد. مطابق پالیسی های مشخص و طرح شده

در یکی از فقرات «مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر» مصوبه سال ۱۹۴۸ اعلامیه عمومی که بعد از «مقدمه منشور ملل متحد» تنظیم و بخش گردیده است، به ارتباط تأمین تساوی «حقوق مرد و زن» و تثبیت موافق آن دو گروه همپایه عهد یگر چنین آمده است :

«از آنجا که مردم ملل متحد عقیده خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن، مجددا در منشور اعلام کرده اند، تصمیم راسخ گرفته اند تا به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزادتر وضع زندگی بهتری را بوجود آورند.

در همین سال طی سومین جلسات اعلامیه عمومی ملل متحد تحت ریاست «مادام روز-ولت» نخستین زنیکه در جهان ببحث رئیس مجمع عمومی بر گزیده شده بود، مسوود «اعلامیه حقوق بشر» مورد تجدید نظر قرار

گرفت. بعداً کمیسیون مقام زن در باره حقوق سیاسی زنان میثاقی را تهیه و تدوین کرد که در ماه دسامبر ۱۹۵۱ از طرف اعلامیه عمومی تصویب گردید و در سال ۱۹۵۳ برای امضاء باز گذارده شد. این میثاق برای زنان حق میدهد تا همپایه مردان در انتخابات شرکت کرده و خود هم انتخاب شوند و در موسسات اجتماعی ممالک شان مقامات اداری و اجتماعی را چون مردان بدست آورند. لیکن حقوق سیاسی بدون اینکه قابلیت استفاده بخردانه و عاقلانه از آن موجود باشد، کافی نبود و نیست. لذا



پیش میکند ... یکی از زنان دیگر همسایه که کاسه شوربا را بخود آورده است میگوید: شما اصلا دری روزها نان نخوردین، ای شورواره بگیرین و هر وقت که دلتان خواست گرم کتین و بخورین *

مادر: باتشکر میگیرد و میگوید: شما مردان مهربانی هستین، همه شما قلب مهربان دارید، تشکر از اینکه به فکر ما افتادین و اینجا آمدین یکی از زنان همسایه میپرسد: عکس پاول پیش شماست؟

مادر: نخیر، به یکی دو قطعه عکس آورده داشتم ولی از ترس پولیس هاهمه ره سوزاندم.

زن همسایه: کاش الا عکس آورده به یادگار میداشتین، هر وقت طرفش میدیدین شاید که دل تان کمی صبر میشد *

صاحب خانه: سر خودرا شور داده میگوید: او جوان بسیار مقبولی بود *

کاش شما آورده کمی نصیحت میکدین *

مادر: چه نصیحتی؟

زن صاحب خانه: که دنبال اینکار می رفت، مادر: به نظر ما و وظیفه خوده قهرمانانه انجام داد *

زن همسایه خطابه بزن صاحب خانه: به بری شما گفته بودم که خانم والسوا عقاید دیگری دارد تا ماوشما ...

زن صاحب خانه: اما اشب، شنیدم که شما از نم و غصه جیغ میزدین و گریه میکدین، ماصدا بلند شماره شنیدیم *

مادر: مره به بخشین اگر مزاحمت ایجاد کرده باشم.

زن صاحب خانه: شما به بخشین منظوره از انتقاد شما نبودید، منظوم ای بود که که شما آورده نصیحت میکدین شاید او امروز زنده میبود.

مادر: زنده؟ ولی چزندگی؟ اصلا نمی فهمم چرا شما اینقدر از مرگ میترسین پاول از مرگ نمی ترسید، او مرگ تدریجی را که در شب پروده سایه انداخته میدید و بخاطر زندگی از جنگال ای مرگ تدریجی مبارزه میکند بخاطر مرگ تدریجی که شما به طول او علاقمند هستید.

زن صاحب خانه: به طرف دیگران نگاه میکندهه آهسته از جاهاشان میخیزند، علامت سر از مادر خدا حافظی کرده میروند *

مادر تنها به آشپزخانه نشسته و مکتوب ماتم را به چشماتش میمالد و آهسته پاول میگوید و گریه میکند *

مرگ فرزند و بیختگی سن مادرا دیگران مبارزه مانع میشود، او در بستر مریضی در آشپزخانه معلم است که خبر جنگ جهانی

مادر: خدا حافظ، امیدس که دردیدار آینده افلا برت يك لقمه نان تهیه بنانیم.

پاول: فکر شه نکو ... خدا حافظ رفقا ...

پاول و زیکورسکی از اتاق خارج میشوند *

معلم خطاب به مادر: خداوند اورا محافظت کند *

مادر به علامت سرازوی تشکر نموده بطرف ماشین بر میگردد *

کارگران به کار چاپ ادامه میدهند، مادر آهسته باخود میگوید: اوه که ای دقایق چه زود گذشت *

مرگ پاول: پاول در انتابیکه میخواست از سرحد فنلیند عبور کند، دستگیر شده و تیر باران میگردد *

مادر در آشپزخانه معلم نشسته و خطی را بدست دارد، ای خط که از طرف یکی از دوستان پاول برای مادرش نوشته شده حاوی خبر مرگ پاول است، او نوشته میکند:

مادر عزیز: رفیق مبارزه، فرزند شما را بیرحمانه کشتند، من شاهد این منظره غیر انسانی بودم اورا در حالیکه دست و پایش را زنجیر و زولانه نموده بودند بطرف دیواری که بدست کارگران اعمار شده بود فرستادند، عساکر سینه پاول را نشانه گرفتند و بعد باران گلوله به سروروی او ریخت، این زنجیر، ای زولانه ها و بالاخره ای گلوله ها همه محصول کار ما کارگران بود که رفیق ما را بواسطه آن قربان کردند.

سر و کله سه زن همسایه از لای دروازه نمایان میگردد، یکی از آنها کتاب مقدس، کاسه آب و لقمه نانی را به دست دارد.

زنی به نمایندگی از دیگران میگوید: خانم والسوا، مادر غم شما قلبا شریک هستیم، شما درین حادثه تنها نیستین بلکه همه ده باشماست ... دو نفر از زن همسایگان آهسته میگیرند *

مادر: بعد از لحظه سکوت، لفظا جای بخورین و او بیاله جای را بطرف همسایگان

قسمت اخیر

نوشته بر تولت برشت

ترجمه دکتور نجیب الله یوسفی

بر تولت برشت

در طول تاریخ جوامع بشری، در نبرد حق و باطل و بالاخره در پیروزی مبارزات طبقاتی قلم نویسندگان همیشه نقش موثری داشته است. هنرمند و نویسنده متعهد، به خاطر دفاع از منافع توده ها و بسیج ساختن اذهان جوان مع بشری، نظر به وظیفه و درک مسوولیت خویش، همیشه درین راه کار و بیکار نموده است.

به اساس همین در لاسیا سوسی و ادبی بود که بر تولت برشت قلمش را در دست گرفت و به میدان پیکار شتافت و از آنجا بر ضد فاشیسم جهان سوز، مبارزه خود را آغاز نموده و در راهی جهان آزاد، به سرودن اشعار پر ارزش ایجاد و نمایش نامه های موثر پرداخت.

نامش ایون بر تولت فریدریش برشت بود و به تاریخ دهم فیروزی سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود. در طول دوره تحصیلش در رشته های فلسفه و طب پوهنتون هونشن (۱۹۱۷)، به خاطر ضدیتش با جنگ، به مبارزه اساسی دست یازید. اولین نمایشنامه اش در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان ((دهل در شب)) مورد نمایش قرار گرفت. بعدا منجیث دراما تورگ و ریوربه کار تیاتر پرداخت.

در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم، هنگامیکه هیتلر برای نابودی بشریت، توطنه می چید وی بعنوان مخالفش باین شرایط، المان را ترک گفت و روانه سوئیس، دنمارک، سوئدن (۱۹۳۳-۳۹) فنلند، اتحاد جماهیر شوروی و بالاخره رهسپار کالیفورنیای ایالات متحده گردید. (۱۹۴۱-۴۷)

در سالهای (۱۹۴۸-۴۹) وی دوباره راه جمهوری دیمو کرا تیک المان را در پیش گرفت و به کمک خانمش تیاتر را دوباره در آن کشور بی افکند.

وی در طول دوره زندگی اش (۱۹۰۶ - ۱۸۹۸) اضافه تر از سی نمایشنامه، یک هزار و سه صد پارچه شعر و یک سلسله کتابها در مورد موضوعات روز نوشت.

نمایشنامه زیر که تحت عنوان (مادر) درینجا پیشکش خواننده گان گرامی میگردد، یکی از عمده ترین اثرین نویسنده بزرگ میباشد.

مترجم

اشخاص نمایشنامه

خانم والسوا: مادر	مانشا: (خواهر سیدور کارگر)	شولینوشکی: دهقان	زخار: رفیق معلم
پاول: (کارگر فرزند خانم والسوا)	خانم کورسونوا: (فروشنده در صحن فابریکه)	تیریگ: دهقان	تیور: نام دهکنه
اندریچ ناخودکا: کارگر	کاریوف: نماینده کارگران	توبرایا: نام محله	خانم نیلونا: نام زن علاقمند به جنبش
ایوان: کارگر	سملگین: (پیرمرد) کارگر	زیمرونوف: خان محله (نودال)	اودیسه: نام دهکنه (محله)
اندری: کارگر	شالینوف: صاحب ورثیس فابریکه	واسیل: قصاب خان	لوشین: دهقان
انتون: کارگر	نیکولای ایوانوویچ: معلم	الکساندروف: همسایه	پیروگود: نام محله
سیدور: کارگر	زیکورسکی: کارگر	عیسی: کارگر	گریفنا: نام محله



را برایش میاورند .

معلم خطاب به داکتر: از روزیکه بجیش مرده اصلاح حرکت ده اونیس . منظوم از کارخانه نیس بلکه کارهای دیگی که او انجام میداد .

داکتر : وجود او بسیار ضعیف شده و او نباید از جایش بلند شود شما مرهبین که کبرسن و مرگ فرزند

داکتر بعد از گفتن این کلمات می رود . معلم به طرف آشپز خانه رفته و به کنار بستر مادر می نشیند .

مادر : خوب ، ده اخبار چه نوشته س ؟
معلم : جنگ .

مادر: جنگ ؟ مادر چه موقعیتی هستیم ؟
معلم : تزار شرایط نظامی ره اعلان کرده . چند نفر از رهبران حزب هم دستگیر شده اند و فعلا زندانی هستند . تا حال تنها بلشویک ها برضد تزار اعلان جنگ دادن .

مادر: ای خوب شد . اگه تزار شرایط نظامی ره اعلان میکنه و رهبران حزب ره بندی میکنه ما هم باید برضد او ، دیگران ره بسیج کنیم و مبارزه ره ادامه بدم . مه باید برم . لفظا کمک کنین که بغیزم .

معلم : شما به هیچ وجه از جای تان نباید حرکت کنین . مادر برابر تزار چه کرده میتانیم شما آرام باشین . مه میرم که آخرین اخبار امروزه بخرم و ببینم که وضع چطورس
معلم می رود و بعد از چند لحظه دوباره وارد اتاق میشود . در اخبار آروز بقم یکی از شعراى انقلابی قطعه شعری در وصف مادر سروده شده و بجای رسیده است . متن این شعر:

به افتخار مادر انقلاب
برخیز که حزب در خطر است .
اگر تو مریض باشی حزب خواهد مرد .
گرچه ضعیفی ولی مارا کمک کن .
برخیز که حزب در خطر است
آیا تردد در تو راه یافته است ؟
اگر چنین باشد ، طولش مده
از فرصت استفاده کن

برخیز که حزب در خطر است
هر چه زود تر برخیز
گرچه تو مریضی ولی نیروی مایه
مرگ تو ، مرگ ماست
برخیز که حزب در خطر است
برخیز

شماره ۴۱

مادر با خواندن این قطعه شعریامی خیزد و آهسته آهسته کنترل پاهاى ضعیفش را دوباره در اختیار میگیرد . بعد خریطه برداشته و هرچه سریعتر می رود . درین شلیک گلوله ها ، درجاده ها ، در خیابانها ، شعار میدهد . فریاد انقلابی میکشد . . . ناگهان پاهایش از کار می افتد . وی آهسته آهسته به طرف زمین می رود کارگران به کمک وی میشتابند و او را در یکی از خانه های کنار سرك انتقال میدهند .

کارگر اولی : حالش چطورس ؟

کارگر دومى : ای وحشی هاز یاد زدنش کارگر اولی : چطور ؟

کارگر دومى : او درین مادر حرکت بود ، کارگر ان را تشویق میکرد . لحظه هم ساکت نبود . و وقتیکه شعار میداد که مرگ بر جنگ و زنده باد انقلاب . . . پولیس ها به او حمله ور شدند و یکی از آنها با چوبی که در دست داشت بفرقش کوبید و او آهسته به طرف زمین رفت

یکی از کارگران با طرف آب خون سروروی او را میشود .

کارگر اولی : شما هرچه زود تر باید بخانه برین والی اگه اون شماره ببینند زندانی خاد کن

مادر: خریطه ام کجاس ؟

کارگر اولی : ایته ، اینجاس .

مادر : صبر کنید ، درین خریطه شبنامه عاس . درین راجع به شرایط جنگ و موقف ما کارگران چیز های نوشته شده .
کارگر اولی : شما خانه برین ، انتقال جنین چیزی برای همه خطرناک اس آخرای برای شما کافی نیس که سرو کله شماره پر خون کنن ؟ باز هم شما به فکر شبنامه ها هستین .

مادر: نخیر . ای درست نیست . شما باید مطالب ای شبنامه ها ره بفهمید ای نادانی ست که باعث شکست میگردد .

کارگر دومى : خوب ، پولیس ها ؟

مادر : آنها هم ای موضوع ره نفهمیده اند .
کارگر اولی : ما برضد جنگ در تمام فابریکات اعتصاب ره به راه انداختیم . ای اعتصاب از طرف خانین به شکست مواجه شد . به نظر مه پیروزی مانا ممکن است . پیر زن ، شما خانه برین ، هوشیاری خوده از دست نئین ، پیروزی دیگه ناممکن شده . . . ناممکن . . .

مادر : شما یکم تبه ای شبنامه عاره بخوانین

بخوانین و ببینین که درباره وضع فعلی چه نوشته کدیم . آخر یکبار بخوانین . . .
مادر شبنامه ها رابه آنها توزیع میکند کارگران جرات گرفتن شبنامه عارا ندارند ، یکی از آنها میگوید و شرایط بسیار حادس و مادرای وقت نمیتانیم خطر ره به جان قبول کنیم .
مادر : بلی ، اما کمی فکر کنین (بعد به صدای بلند فریاد میکشد . آواز او به اندازه بلند است که کارگری مجبور میشود دهان او را به بند د و لسی ها در باز عم ادامه میدهد) : تمام دنیا در مرگ تد ر بجسی فرو می رود . و شما یگانه نیروی هستید که دنیا به ان ایمان دارد . شما ناجی ای زندگی از جنگال مرگ تدریجی هستین . هوشیاری خوده از دست نئین . کمی فکر کنین

سال ۱۹۱۶

جمع آوری مس بخاطر دفاع از میهن .
در جلو دروازه بسته هفت زن ایستاده اند . همه ظروف مسی در دست داشته و خانم والسوا (مادر) که قندانی کوچک مسی در دست دارد نیز درین آنها دیده میشود . . . صدای باز شدن دروازه از درون شنیده میشود بعد سرو کله ماهوری از لای دروازه به چشم می خورد . وی خطاب به زنان میگوید: همین لحظه اطلاع رسید که قوای ما مبارزه خسته گی نا پذیر خود را مردانه وار علیه دشمن ادامه میدهند . آنها برای چهارمین بار قوای دشمن را سر کوب کرده اند . ماهور شعار میدهد : زنده باد میهن عزیز ما . . . بعد میگوید : پنج دقیقه دیگر ظروف شماره جمع آوری می کنم . . . و بعد از لای دروازه ناپدید میشود .
یکی از زنان : عالیست که قوای مادسمن ره سر کوب کن .

مادر : مه فقط يك قندانی کوچک مسی دانستم . شاید از ذوب این پنج یانش کالتوس ساخته شوه چنددانه او به دشمن اصابت خاد که شاید از شش کالتوس یکی یادوی آن ، و ازین دو یکی آن هم شاید گشتند . . اما دلچه مسی شما کم از کم بیست کالتوس خاد داد و از دلچه و لگنچه اونا (بدست اشاره میکند) کم از کم يك ناونجک ساخته خاد شد خوب جمله چند کالتوس خاد شد (حساب میکند) يك ، دو ، سه ، چهار ، پنج ، شش . . . نرسبرکن اوزن دودانه داره دلچه و لگن چه . . . پس به کمک ای کالتوس ها میشه يك جمله دیگه

ره آماده ساخت (آهسته می خندد) . . . نزدیک بود که مرای قندانی ره از راه پس بیرم و هیچ نیارم . می فبهمن در راه دو عسکر ره دیدم یکی از آنها بمن گفت که: پیر ای قندانی مسی ره هم ببر که جنگ هیچ پایان نیابد و عسکر دومی نه میبره نه میاره میگه : بزیر . . .
شما دردی باره چی میکنین ؟ مادر جواب گفتم که مه قندانی خوده میتم تا ازی دو گلوله بسازن و او ره ده سینه شما بززن . ولی از خود میبرسم که جرای قندانی ره بتم ؟ البته بخاطر ای میتیم که جنگ ادامه پیدا کنه . . .

یکی از زنان : ما بخاطر ای ظروف عاره میتیم که جنگ هرچه زودتر تمام شوه .
مادر : به نظرمه مای ظروفه بخاطر ای میتیم که جنگ تمام نشه .

یکی از زنان دیگر که لباس سیاه به تن دارد میگوید: اگه مامس های خوده بتم و اونا بتانند به کمک کالتوس هاییکه ازی مس مسای ما میسازند ، دشمن ره هرچه زودتر نابود کنند جنگ هم هرچه زود تر تمام خاد شد .

مادر: آخ . اگه آنها کالتوس داشته باشن ، هرگز جنگ تمام نخاد شد . دشمن هم به فکر جمع گدن مس و ساختن کالتوس س . پس ا هردو طرف تا وقتیکه کالتوس دارند می جنگند جنگ به این ترتیب تا ابد ادامه خاد یافت .

یکی از زنان به لوحه که بروی دروازه دفتر نوشته شده اشاره میکنند میگوید : اونچه ره بخوان که نوشته س . هر کسیکه مس را در اختیار ما بگذارد به ختم جنگ کمک میکند .

مادر : کسیکه مس را در اختیار اینها میگذارد جنگ را تمدید میکند . . . شما همه چیز را که اونچه نوشته س نباید باور کنید .

زن لباس سیاه : پس شما جرای خواهید که جنگ ادامه پیدا کنه ؟

مادر : براینکه ای جنگ بالاخره جنگ آزاد ببخش خواهد بود .

یکی از زنان: خوب گیرم که جنگ آزاد ببخش باشد . اما مجبور نیس که يك عمر دوام کنه .
مادر : چرا ؟ مرهبین که با ای کار ما جنگ دوام میکنه ؟

زن لباس سیاه: منظوری شما از مس س ؟ هر قدر که مامس بتم به همان اندازه جنگ طولانی میشه .

بقیه در صفحه ۴۵

دیدار از آسپاسی میرانه

بخش سوم

نقدی تعلق میگیرد. در سرا سر شوروی کود کان مستعد از ده سالگی یعنی از صنف چهارم مکتب در رشته نقاشی بفعالیت آغاز مینماید. و به ارزیابی استعداد هاتو جیبی شایسته میشود. هر که بخواد هد می تواند تادر جبهی لیسانس و بیش از آن در رشته نقاشی که شعبات زیادی را دربر میگیرد بتحصیل ادامه دهد.

موسیقی آهنگ سازی

هنر موسیقی بشکل و محتوی امروزین در جمهوری معاصر تر - کمونستان جوان است و چهل پیشینه دارد سازمان آهنگ سازان چهل سال پیش بنیاد نهاده شد پیش از انقلاب ملت ترکمن بموسیقی آشنایی لازم نداشت سازها بسیار ابتدایی و محلی بود واصولاً در اثر تبلیغات فتنه انگیزانه از بابان ستم مینواخت آواز میخواند با آنکه بزم های از بان را گرم میداشت مورد سرزنش و تحقیر قرار میگرفت اهل دربار که همیشه بی دردان اند با همه زمینیه های هنری برخوردی سطحی دارند. آنها برای تفتن لذت جویی وسرگرمی میخوانند و بس. آنکه استعدادی در زمینیه آواز و بازداشت آنها پنهان میگرد

بقیه در صفحه ۴۸

جمهوری نمی شد سراغ یکتن نقاش را گرفت اما اکنون درسامان نقاشان ترکمن پنجمصد نفر عضو است دارد و این می تواند نشانه ی انقلابی فرهنگی باشد.

از این شماره یکصد و چهل و پنج نفر از نقاشان شهرت و آوازه ی جهانی یافته اند از سرشنسان این رشته میتوان از آی جان خواجه یف، آنونوا را، امان مکی او ف نام برد که در همه حمان قیافه های آشنا و شناخته شده اند.

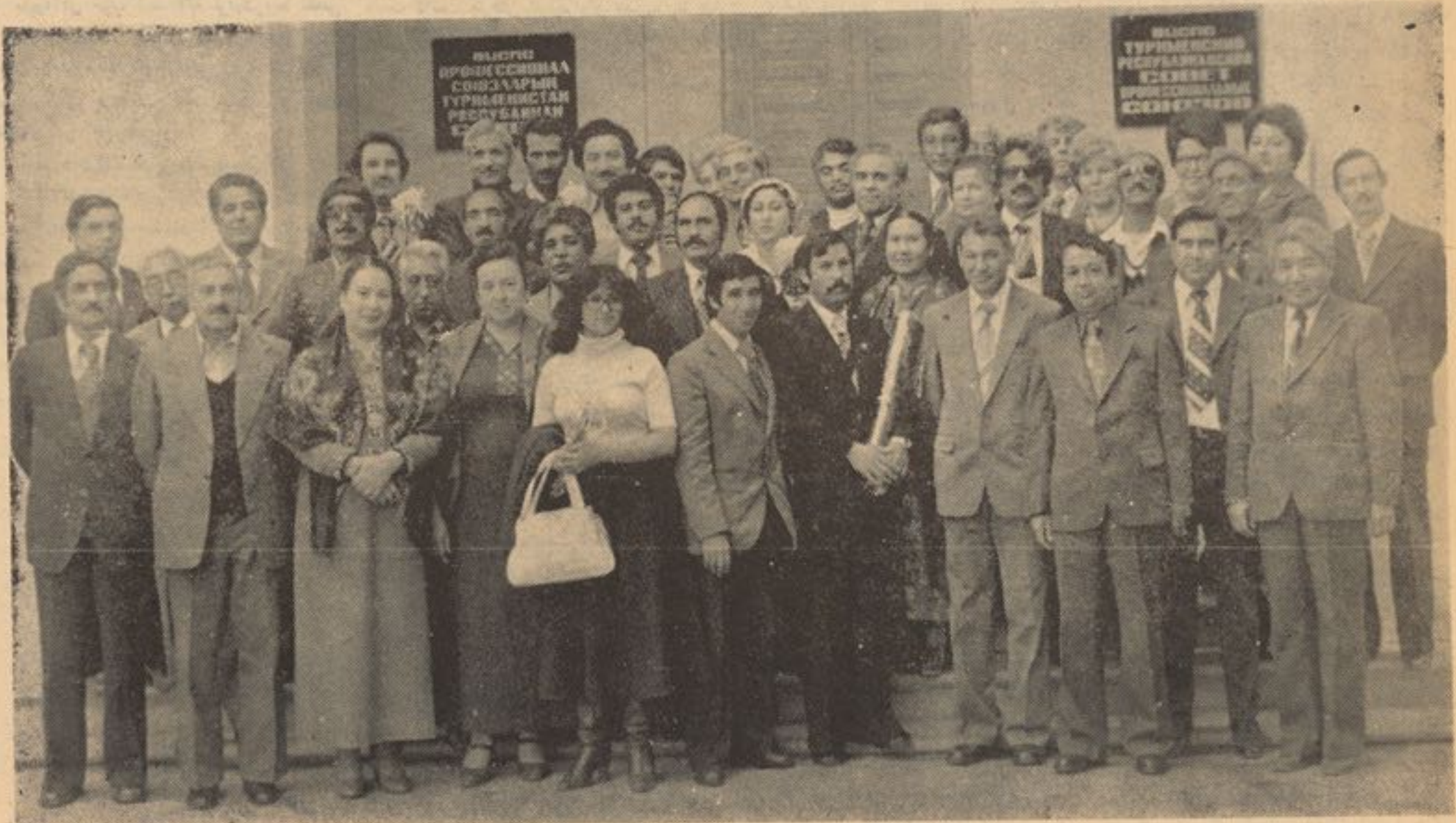
حزب و دولت از نقاشان پشتیبانی صمیمانه و بی دریغ می نماید. برای خوبترین آثار هر سال جوایز بزرگ

فرهنگی در دوران زندگیشان آنهاست. در این جمهوری برخلاف گذشته پیش از انقلاب زنان هم در فعالیت های ادبی، هنری، سپاس میگیرند و اکنون شانها را همایسی در این جمهوری حس میکنند که شعرها و سروده های شان از اقبالی تمام برخوردار است.

نقاشی:

ترکمن ها پیش از انقلاب بسا نقاشی آشنایی نداشتند و با این حساب نقاشی رشته ی جوانی هنری است که در این سازمان با گذشت هر روزی بسوی شکوفائی گام برمیدارد. بیش از انقلاب در همه ی

قربان در دی او ف هم در شمار نو پسندگان برجسته ی این جمهوری می آید که چاپ و انتشار کتابهای از زنده و سودمند باشد. ترین خدمات فرهنگی را بر زمین خویش انجام داده است، چاری - آشوراف، که اتحادیه شان نو پسندگان چندین پیشه هفتاد سالگی او را جشن گرفت و کارهای او را از چ گذاشته در شمار شان این جمهوری است که مجموعه های شعر در خشان را ارائه داده است. یکی از سنت های بندهای که در باره اهل قلم در سرزمین است. تجلیل شخصیت های



عکس یادگاری از سفر جمهوری ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی

علل کمبود و گران‌بودن مواد سوخت زمستان در شهر کابل

شاروالی کابل برای جلوگیری از بروز مشکل در سال‌های بعدی پیشنهاداتی را به وزارت مالیه وقت تقدیم داشت و بر اساس آن در سال ۱۳۵۴ با استفاده از بودجه که به صورت قرضه در اختیار شاروالی گذاشته شده بود در مواقع مناسب سال به خرید و ذخیره مقدار کافی چوب اقدام شده و بالآخر آن در زمستان آن سال هیچ مشکلی از کمبود و گران‌بودن چوب به وجود نیامد.

این اشاره را به سببی کردم که اکنون هم تا جایی که به شاروالی ارتباط میگیرد برای جلوگیری از صعود قیمت محروقاتی و کمبود آن در بازار یک راه وجود دارد و آن هم خرید مقدار کافی و مورد ضرورت چوب در فصل‌های بهار و تابستان از منابع اولی است و ذخیره آن در مارکیت‌های شهر که متاسفانه شاروالی چنین بودجه هنگفتی در اختیار ندارد و باید مقامات باصلاحیت دولتی همه ساله پول مورد ضرورت شاروالی را به این منظور بدهند.

معاون شاروالی کابل:

کمبود و گران‌بودن چوب سوخت در بازار کابل فراوانی دارد که یکی از آن‌ها موضوع رابطه معکوس عرضه و تقاضا است، یعنی به همان پیمانه که با توجه به فرارسیدن فصل سرما تقاضای مواد سوخت و خانواده‌ها برای خرید افزایش مییابد عرضه رو به کاهش میگذارد و در بلند رفتن قیمت‌ها اثر وارد میکند.

در این شکی نیست که تهیه و تدارک مقدار کافی چوب سوخت و ذخیره آن پیش از فصل زمستان به منظور توزیع در مواقعی که کمبود آن در مارکیت‌ها محسوس باشد و یا قیمت‌ها بلند رود، یکی از وظایف شاروالی است، چنانکه

یک هیات باصلاحیت برای خریداری چوب به ولایات پکتیا، پکتیکا و ننگرهار اعزام شد. ورود کاروان‌های چوب به سوی کابل ادامه دارد.

•••

یک سر آغاز باشد برای مطالعه، تحقیق و طرح‌های تطبیقی سودمند و موثر در رفع مشکلات انرژی و از روف راصع مسوول و طراح این جدل‌ها می‌خواهد که به پرسش‌های خود بپردازد.

رووف راصع:

نخستین پرسش به معاون شاروالی کابل راجع میگردد. ما از محترم محرم علی می‌خواهیم توضیح دهند باوصف آنکه همه ساله در آغاز زمستان شاروالی با

تربییون خانواده‌ها باشد و با استفاده از ارزش‌ها و آرزوهای دموکراتیک گفتنی‌ها، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای آنان را در شئون مختلف زندگی اجتماعی به طرح‌آورد که به همین اساس و با پیروی از همین مشی نشراتی میزهای گرد ما دایر میگردد و در آن مسایلی مربوط به دشواری‌های خانواده‌ها به جدل و بحث کشیده میشود.

مدیر ژوندون بعد از ورودی به محتوای بحث‌های قبلی ژوندون و بر شماری نتایج آن سخن را به مساله محروقات میکشاند که در تمامی سال‌ها گریبا نکیر خانواده‌ها بوده است. راحله خرمی چنین نظر دهی میکند که در سال‌های سیاه و نکبت اندود گذشته‌ها نگونه که در همه مسایلی اجتماعی بی‌مبالاتی‌ها و بی‌توجهی‌ها بار مشکل مردم را سنگین و سنگین‌تر ساخته و سازمان‌های دولتی جز به منافع از مندانه خود نیندیشیده‌اند در این مساله نیز **ارگانها جز به روز گذرانی اندیشه** بی‌نداشته‌اند و به همین دلیل کمترین مطالعه‌ی در مورد تعویض انرژی صورت نگرفته است.

وی خاطر نشان میسازد با توجه به اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان آرزو دارد تا به سازمان‌های به میراث مانده را به شکل بنیادی و نه رو بنایی و گذری حل کند مساله کمبود و گران‌بودن محروقات نیز نه در محدوده چوب و ذغال بلکه در تمامی ابعاد وسیع سوخت و انرژی به طرح می‌آورد و ژوندون باز هم این افتخار را دارد که گشایشگر این سلسله جدل‌ها در این زمینه باشد راحله راصع خرمی آرزو میکند که جدل ژوندون



دیپلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلو ملی موسسه

صورت قرضه در اختیار این موسسه قرار دهند و در اخیر سال به تصفیه حسابات خود پردازند و گرنه با سرمایه اندک شاروالی این مامول بر آمده نمیتواند و مشکل محروقات همه ساله به حال خود باقی میماند. (ناتمام)



محرم علی معاون شاروالی کابل

در سال‌های پیش در همین زمینه اقداماتی سودمند هم صورت گرفته است.

چنانچه در سال ۱۳۵۳ که قیمت فی سیر چوب از هشت افغانی به یازده افغانی افزایش یافت.

مشکل کمبود و گران‌بودن چوب و عدم توانایی کنترل قیمت مواد محروقاتی روبرو بوده است چرا برای حل کامل معضله راه‌های اساسی تری را به کاوش نگرفته تا از گران‌بودن خانواده‌ها در این مورد حل گردد؟

قسمت دوم

بیهوش و حیرت همه آنها را در زیر فشار خود در هم شکسته بود. بر همه احساسات دیگر آنها پیشی داشت و مانع از این بود که در این وقایع غیرمنتظره وحشتناک و کاملاً غیر ضروری که شامه ریختن خون هزاران بیگناه بود، احساسات طبیعی تروانسانی آنها بروز نماید... جوانی با حرارت فریاد کشید:

— بروید زخمیها را جمع کنید. همه بخود آمدند و شتابان بسوی معبری دویدند که بطرف رودخانه باز میشد اما در اینموقع عدهای زخمی را فرا گرفته بود همچنانکه لگات می خوردند و خود را روی برفها می کشیدند از دروازه با استقبال آنها آمدند. زخمیها را روی دست گر — فتند و بردند گامیها را نگهداشته مسافرین آنها را با بین آوردند و زخمیها را به جایی حمل کردند همه اندیشناک و تر شرو و خموش ایستاده بودند با چشمهای نگران زخمیها را تماشا میکردند. در ترا زوی خیال چیزی را وزن میکردند و میسنجیدند بادقت فوق العادهای در جستجوی جوابهایی برای آن معمای وحشتناک بودند که چون سایه سیاه و بی شکل و ناآشکاری در برابرشان بسرا افراشته شده بود. این معماسیمای قهرمانی که مدتی پیش در خیال نقش کرده بودند یعنی تزار سرچشمه فیض و شفقت و منبع الطاف و کرامت را واژگون ساخت اما فقط عده معدودی جرات میکردند با صدای بلند اعتراف نمایند که دیگر این سیما روبه نیستی و زوال گرا نیده است. اعتراف باین موضوع دشوار بود زیرا یگانه امید آنها را به یاس و نومیدی مبدل میساخت....

مردی کله تاس را که بالا پوشی با وصله قرمز در بر داشت می آوردند جمجمه تیره رنگش اکنون باخون رنگین شده، شانه و سرش را پائین انداخته بود با هایش از ضعف و بی حسی خم میشد جوانک شانه پهن با موهای فر فری و سر برهنه و ز نیکه پیرا هنش پار پار و صورتش لاغر و بیروح بود او را میبردند. زخمی زیر لب میگفت:

— میخا نیلو! صبر کن! چرا اینطوری شد؟ تیر اندازی به جانب ملت ممنوع است! میخا نیلو نباید اینکار را بکنند. جوانک فریاد زد.



نخترانوف
 اثر ماکسیم گورکی

—امادید ی که اینکار را کردند .
 زن با حالتی افسرد ه گفت :
 —هم تیر اندازی کردند و هم
 کشتند .

—میخا نیلو ! معلوم میشود
 فرمان داشتند اینکار را بکنند .
 —فرمان هم داشتند . راستی تو
 فکر میکردی با تو صحبت ومشورت
 میکنند ؟ یک کیلاس شراب برایت
 می آورند .

میخا نیلو ! صبر کن !
 زخمی ایستاد پشتش را بدیوار
 تکیه داد و فریاد کشید .

—مردم خدا پرست ! برای چه ما
 را میکشند مطابق چه قانونی ؟
 بدستور چه کسی ؟

مردم سرها را بزیر انداخته
 از پهلوی او میگذشتند .

در گوشه ای نزدیک نرد ه ها
 چهل پنجاه نفر جمع شده بودند
 و کسی از میان آنها با اضطراب
 و کینه تندتند حرف میزد ، آه می
 کشید و میگفت :

—دیشب گابون پیشش وزیر بود
 او همه این اتفاقات را میدانست
 پس او بما خیانت کرده ما را
 بطرف مرگ و نابودی کشانیده
 است .

—اینکار برای او چه سودی
 داشت ؟
 مگر من میدانم ؟

همه بهیجان آمده بودند هرکس
 خود را در برابر پرستشها بیکه
 هنوز بی جواب بود میدید اما
 دیگر همه باهمیت وعمق این پرستشها
 پی برده بودند واحساس میکردند که
 جواب آنها ضروری ، حتمی و
 جدیست . در آتش هیجان ،
 عقیده و ایمان آنها بکسک و
 پشتیبانی خارجی و امید به منجی
 اسرار آمیز بیکه احتیاجات آنها را

بر آورد در هم فرور یخت .
 زن فریبی با لباسهای پار ه
 پار ه از وسط جاده میگذشت قیافه
 اش چون مادری مهربان بود و
 چشمهای درشت و غم آلودی
 داشت . او گریه میکرد و در حالیکه
 دست چپ خون آلودش را بادست
 راست نگهداشته بود میگفت :

—دیگر چطور کار کنم . از کجا
 نان بچه ها را فراهم سازم ؟ خدا
 پرستها ! اگر تزار هم دشمن ملت
 باشد پس دیگر حای و پشتیبانی
 ملت کیست ؟

پرستشهای او که بلند و آشکار
 بود مردم را بخود آورد ، برانگیخت
 و مضطرب ساخت از هر طرف
 دو یهاند باشتاب بسوی او رفتند
 دور او را گرفتند و باقیافه های
 گرفته و دقت کامل بحر فهای او
 گوش میدادند .

—یعنی قانونی برای دفاع ملت
 نیست ؟

عده ای آه میکشیدند دیگران
 آهسته دشنام میدادند . فریاد
 های زننده و کینه جوئی از جایی
 بلند شد :

—عجیب کمکی بمن کردند با ی
 بسرم را قطع کردند .

—ایوای ! بطرف و خارا کشتند...
 بسیاری فریاد میکشیدند و این
 فریادها چون تازیانه بر گوشها
 فرود میامد انعکاس کینه جوئی
 شدید ی به وجود میاورد که
 حسن انتقام و حسن دفاع در
 مقابل آدم کش ها را در مردم برمی
 انگیخت . در چهره های رنگت
 پریده و سفید آنها رفته رفته آثار
 تصمیم و اراده نمایان میشد .

—رفقا باوجود این بشهرمی
 رویم ! ... شاید موافق شویم...
 کم کم ، دسته دسته پیشش میرویم

—آخر ما را میکشند .
 —بیا نید با سر بازها صحبت
 کنیم . شاید آنها بفهمند کسه
 برای آدم کشی قانونی وضع نکرده
 اند .

—شاید وضع کرده باشند ، ما از
 کجا میدانیم ؟

جمعیت باتا نی پیشش میرفت
 ولی دایماً تغییر شکل میدادند و
 رفته رفته بصورت ملت در می
 آمدند جوانها بدسته های کوچک
 تقسیم شدند همه آنها بیکسمت
 و باز هم به طرف رودخانه پیشش
 می رفتند همه آنها زخمی ها و
 کشته ها را میبردند بوی خون گرم
 بمشام میرسید ناله ها و فریادها
 بلند بود .

—گلوله راست به پیشانی
 یا کوف زو بین خورد ...

—از پدر تا جدازمان خیل
 ممتونیم ...

—بله خوب پذیرایی از ما کرد .
 چند دشنام سخت شنیده شد
 یکر بع پیشش شاید یکی از این
 دشنامها کافی بود که جمعیت ،
 گویند ه آنها قطعه قطعه کند ، دختر
 کوچکی میدوید و فریاد میزد .

—مادر م را ندیدید ؟

مردم بی آنکه حرفی بزنند باو
 نگاه میکردند و راه میدادند تا
 بگذرد . صدای زنی که دستش
 قطع شده بود بلند شد .

—بیا اینجا ! من اینجا هستم ...
 جاده خلوت میشد ، جوانان
 دور شدند ، مردان مسن هم باقیافه
 های گرفته بی شتاب دوتادو تاسه تا
 سه تا بسوی میرفتند و زیر
 چشمی در پی جوانان نگاه میکردند
 کم حرف میزدند فقط گاه گاهی
 کسیکه دیگر نمیتوانست خود را
 نگهدارد آهسته میگفت :

—پس معلوم میشود حالا ملت
 را بکلی دور انداخته اند .
 —آدم کشهای لعنتی !
 برای کشتگان اظهار تاسف می
 کردند و ضمناً حدس میزدند که
 يك عقیده خرافی سنگین کسه
 شایسته بردگان بود نیز تا بود
 شده است . با احتیاط در باره
 آن سکوت اختیار میکردند و نام
 گوش خراش آنها بر زبان نمی
 آوردند تا دوباره خشم و اندوه
 در قلبها بهیجان نیاید .

شاید هم با ینجبهت در باره آن
 سکوت اختیار میکردند که میترا
 سیدند مبادا بجای آن عقیده مرده
 عقیده دیگر ی مانند آن ایجاد
 کنند ...

•••

سر بازان دور مقر تزار را خط
 زنجیری ناگسستنی کشید ه
 بودند در میدان زیر پنجره های
 کاخ سوار نظام پهره میداد بوی
 پهن و عرق اسبها اطراف قصر
 را بیچیده بود .

چکا چاک شمشیرها جرنک
 جرنک مهمیزها نعره فرماد هان
 صدای پای سر بازان ، که بزمین
 کوفته میشد زیر پنجره ها طنین
 انداز بود .

توده در هم فشرد ه ای که ازده
 ها هزار مردم کینه توز وخشمگین
 تشکیل شده بود از هر سو بجانب
 سر بازان هجوم می آوردند آنها با
 آرا مش صحبت میکردند حرفهای
 خود را می سنجدند با امیدها و
 آرزوهای تازه ای حرف می زدند
 و کلمات جدیدی بکار میبردند که
 خودشانهم بزحمت مفهوم آنها
 را درک میکردند دسته ای از سر
 بازان که يك جناح آنها بدیوار
 فرسوده باغ تکیه داشت ، راه

بقیه در صفحه ۵۱



انرژی های رنگارنگ زمین

نگارش دوکتور وترنر، محمد عارف

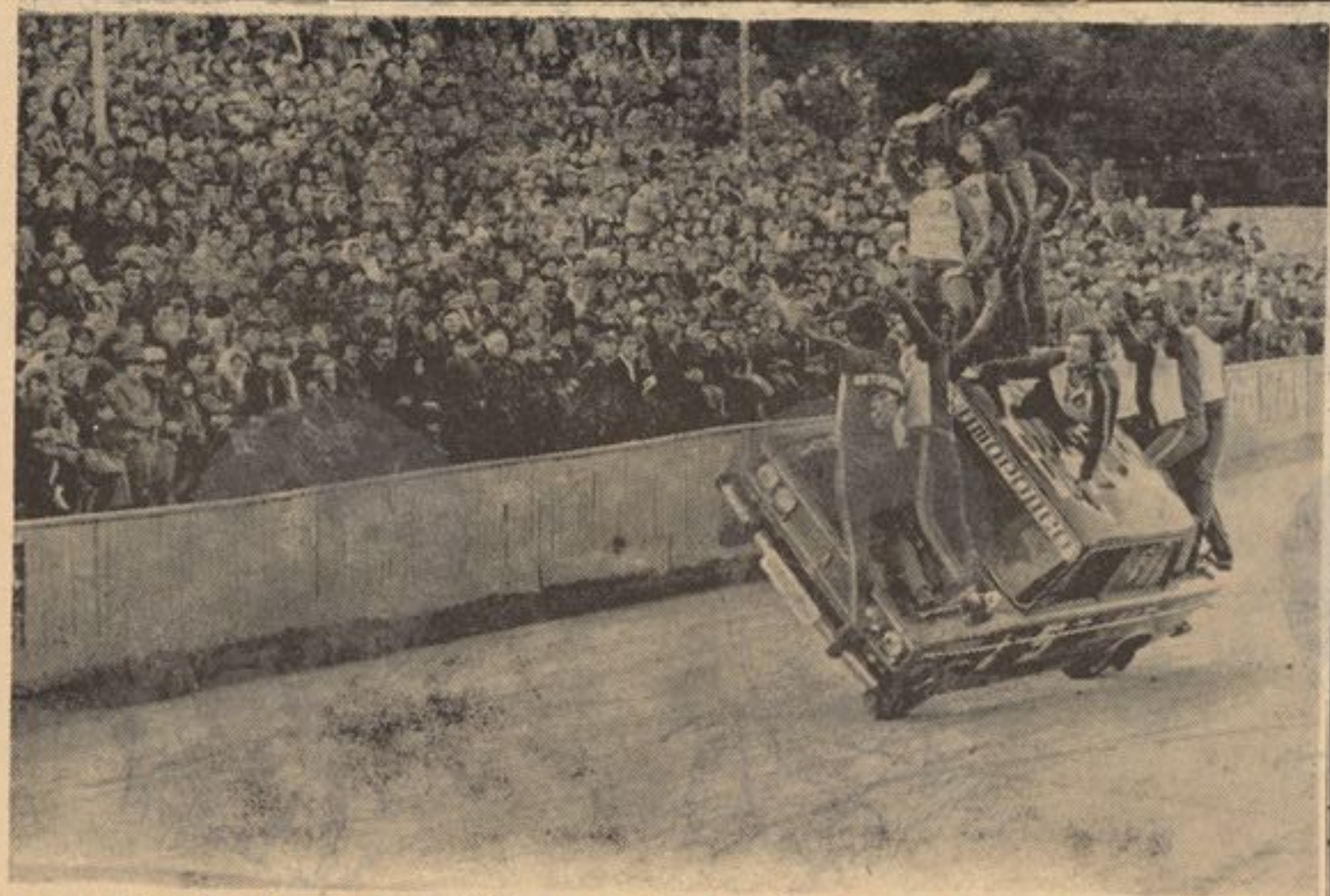
درباره اشعه زنده گی بخش آفتاب

چه میدانید؟

و یکمقدار دیگر آنرا بخارات آب که در هوا است جذب کرده و تقریباً یک بر سه آن دو باره انعکاس می یابد و متباقی آن توسط گرد و خاک و مالیکول های دیگر که در هوا است منحرف و یا جذب می شوند اگر آنها جذب و یا منحرف نشوند تمام حیات را از زمین تخریب می کنند و قتیکه نور بشکل مایسل در زمین می تابد سناحه وسیع را در برگرفته و گرمی کم تولید می کند و اشعه آن سرخ بنظر می خورد

آفتاب زنده گی بخش است و بحیث یک کره آسمانی سو زان به تمام کائنات نور می بخشد و گرمی تولید می کند اشعه خورشیدی که آفتاب آنرا بزمین می فرستد یکی از عجایب خارق العاده محیط زیست ما را تشکیل داده است. این پیکر آسمانی با داشتن یک حرارت بلند تر از (پنج هزار و پنج صد و چهل درجه سانتی گراد همیشه و بدون وقفه یک جریان از انرژی اشعه را به تمام کائنات و از آنجمله برای زمین نیز می فرستد همین اشعه های آفتاب که در زمین بحیث یک چشمه زندگی برای زنده جانها گردیده از این اشعه ها سطح روی زمین در هر دقیقه دو کالوری انرژی را می گیرد بشر طیکه اشعه هاییکه در زمین می تابد بشکل عمودی باشند که اشعه های عمودی در فصل تابستان در زمین می تابد و به این اساس انرژی اشعه را که اتمو سفر زمین از آفتاب می گیرد، یک بر سه میلیون بار حصه انرژی آفتاب می باشد و وجودیکه این مقدار فوق العاده خورد است. اما اگر همین اشعه ها بدون پوشش اتمو سفر زمین) راستاً بزمین می تابید زندگی را در زمین ناممکن می ساخت و تمام زنده جانها را محو می کرد.

اما اگر شعاع بشکل عمودی بتابد رنگ نیلگون را بخود می گیرد. چنانچه در زمستان هنگام چاشت که اشعه ها عمودی می تابد رنگ آسمان نیلگون است. در حالیکه در وقت غروب و شفق که اشعه انحنای پیدا می کند رنگ آسمان سرخ بنظر می رسد. اشعه های را که آفتاب بزمین می فرستد. چنانچه در کمان رستم یا قوس قزح دیده می شود این رنگها قابل تشخیص است. هر یک از این رنگها اشعه های با تاثیر علیحده بوجود می آورد که هر یک آن دارای وظایف خاص است. شعاعی که پیش روی سرخ می درخشد تاثیر بسیار زیاد گرم سازی دارد و تولید گرمی می نماید و دارای اثر حرارتی است در حالیکه اثر کیمیاوی در شعاع



اخیرا کارکنان فابریکه موتورسازولژاسکی در توگلیاتی (در اتحاد شوروی) با کارکنان سرکس نمایش رابراه انداخته اند که در نما یشات مذکور موتور تیز رفتار (لادا) سهم خاصی داشته است. درین عکس دیده می شود که یک موتور تیز رفتار لاداچند نفر را در بالای دوعراده برده می تواند.

شکر در زهره معیو بین محسوب است . به یقین نمی توان گفت که میگردند ولی در اکثر ممالک ملاک در نتیجه بر گزاری سال بین المللی معیو بیست جسمی و یافقدان صحت معیوین قوانین بین الدولی و پسا دماغی میباشد .

رئیس کمیته مشور تی تدویر و لی یک سنه بین المللی در مورد سال بین المللی معیوین ، ونماینده بتصویب خواهد رسید .

رئیس کمیته مشور تی سنال لیبیا در ملل متحد بناغلی منصور بین المللی معیو بین معتقد است که کیکیا اظهار میدارت : مقصود از تجلیل این سال تدوین بهترین فورمول و طرز العمل برای حل مشکلات خاصی معیو بین میباشد .

برای این منظور تجارب کشور های زیادی بایست مطالعه گردد .

قوانین مر بوطة کشور ها تحت مطالعه است . کنفرا نسبه سمیوزیم ها و سمینار های بین المللی دایر میگردد تا تجارب کشورهای مختلف بررسی گردیده و تثبیت گردد که کدام یک ازین تجارب بسوی جهان قابل تطبیق

بقیه در صفحه ۴۸



بانگاه نخست خواهد گفت که چه شادی غولپیکری است مگر استیاه تکنید که نادی نیست بلکه هیولای عظیم الجثه بی است بنام کینگ کانگ، در فلم کنگ کانگ . این فلم که چند سال قبل در نیویارک ساخته شدهای صحنه های وحشتناک و شگفتی انگیز آن همانا گرابه عیجان می آورد . وجود این هیولا از المونیم و رویه آن از پشم ساخته شده و دستگاه های مفلق الکترونیک بداخل بدن آن تعبیه گردیده و او را بحرکت وا میدارد فلم مذکور از جمله پر مصرفترین فلمهای عصر حاضر بشمار میرود .

نیز گرم می شو ند از همین سبب هر گاه روز ها گرم باشد و شبها آسمان را ابر فرا گیرد محیط نیز گرم می باشد زیرا ابر ها گرمی را نمی گذارد که بطرف بالا برود هر گاه شب سرد باشد زمین حرارت گرفتگی خود را آهسته - آهسته از دست داده و شبها سرد می شود .

تأثیرات نور بالای عضویت :

- ۱- عضویت های مهم تعادل گرمی را در انساج بالایی عضویت تعمیل می کند مفاد ذیل از آن منصور است .
- ۱- عملیه های مهم تعادل گرمی عضویت را در انساج انجام می دهد .
- ۲- انساج عضویت تحرک قوی را انجام می دهد و سبب از دیاد جریان خون می گردد ، و صعود معاوضه موادی یامیتا بولیزم بملا حظه می رسد .
- ۳- در گشت و گذار های که در ارتفاعات و تپه ها صورت می گیرد از ینکه شعاع یولتر او یولت زیاد است اشتها افروود می گردد .
- ۴- هوا را از میکروب ها پاک می کند در اثر نور روز آسمان ابر آلود اکثر میکروب ها در پنج تا شش ساعت از بین می رود ، در حالیکه از نور خورشید آسمان صاف پس از یک الی سه ساعت می میرند که این هم اثر شعاع یولتر او یولت می باشد .
- ۵- در اثر تحریک اشعه سرخ در عملیه های خونسازی در تداوی های متعدد عضویت از آن استفاده می شود .
- ۶- در لابرا توار های واکسن سازی برای تعقیم انا قها ازین شعاع استفاده می گردد .
- ۷- برای تعقیم فضای اتاق و سطح اشیا مورد استعمال دارد . چنانچه قبل از داخل شدن به اتاق های عملیات شعاع داده می شود در انتقال و نگهداری خوب
- ۸- در انتقال و نگهداری خوب در با نکهای خون ازین اشعه استفاده می گردد ، زیرا علاوه از میکرو اور گنیزم ها و پرو سبها را نیز نابود می سازد .
- ۹- در باک سازی آب های آشامیدنی مورد استعمال دارد .
- ۱۰- بعضی اوقات با اشعه دادن به مدت کم یک تغییر ارتسی در میکروب ها بوجود می آورند .
- ۱۱- زهر های باکتر یا بی که تا کیسن گفته می شود توسط این اشعه تخریب می گردد .
- ۱۲- اشعه دهی جسم سبب ازدیاد کرویات خون شده فشار با نسین و تنفس عمیق گردیده و قوای دفاعی وجود بلند می رود .
- ۱۳- در وجود ویتا مین (دی) را می سازد که برای نوزادان و جوانان درسا ختن استخوانها حتمی و ضروری است .
- ۱۶- نور آبی رشد و نمو را سریع می سازد لذا برای انکشاف جسمانی جوانها گشت و گذار در هوای آزاد مفید است .
- ۱۷- در نگهداری مواد غذایی و شیر و محصولات آن مورد استفاده قرار می گیرد .
- از دیاد آن تأثیرات ناگوار ذیل را بار می آورد :
- ۱- در روز های صاف و برف سبب برف کوری گردیده و بالای چشم تأثیر ناگوار دارد ازین عارضه می توان با پوشیدن یک عینک معمولی نجات یافت .
- ۲- جلد کم موی و صاف در یک اشعه دهی طولانی می سوزد و سبب پوست شدن و التهاب می گردد .
- ۳- اشعه دهی متناوب و طولانی بعضاً سبب سرطان و تومور می گردد .
- ۴- اشعه دهی در یک مدت بسیار طولانی مرگ آور است .
- ۵- کمی شعاع یا نور آفتاب در اطفال سبب لنگش و کجی استخوان ها شده و در کلان سنان نیز در انتقال و نگهداری خوب

چه تعداد نفر در جهان معیوب اند؟

حد اقل پنجمصد ملیون نفر در جهان ((معیوب)) اند ولی جامعه بشری در همین اواخر متوجه احوال و مشکلات ایشان گشته است . انتظار میرود که تجلیل ۱۹۸۱ بحیث سال بین المللی معیو بین توجه و آگهی جهانی رادر باره این مشکل عمده انسانی بطور قابل ملاحظه ای افزایش بخشد .

اشکال کار حتی در قدم اول یعنی تعریف حالت معیو بیست ظاهر میگردد . بطور عمومی دو گروه جلب نظر مینماید :

آنانیکه جسماء معیو بیستی دارند ولی از نظر دماغی حالت شان طبیعی است و آنها بیکه فاقد صحت دماغی و عقلی اند . در بعضی از کشور ها مریضان مبتلا به مرض

زندگی قصه می سازد :
ر . دریا

یک زن جوان و سه کودک معصوم در پر تگاه یک حادثه فاجعه آمیز

دور است سر آب از این باد به هوشدار
تا غول بیابان نفریسد به سرابت

زن جوان که اشک در چشمش لانه داشت و غمی گنگ و برا بهام در عمق نگاهش خفته بود ، در دفتر مجله رو برویم نشسته بود و از زندگی اش ، از غصه های دیر پای و کشنده اش ، از احساس کودکی آن معصوم مشی سخن میگفت و از ماجرا های درد آفرینی که قصه ساز زندگی اش بودند . همچنان که بیتابانه میگردید میگفت :

بنو پسید !
دیگر هرگز .

تخمه آرزو بی در احسا سم جوانه نخواهد زد و کبوتر امیدی در قلم لانه نخواهد گزید . من بهر کجا مینگریم ، بهر کس روی میاورم ، در حساب و در بیساری ، در میان جمع و در گوشه تنهایی همه جا .

یاس مثل یک موزیا نه سمج روحم را میگذرد و غمی بزرگ ، به سنگینی یک کوه روی دو ششم سنگینی دارد .

و تو ، تو شو هر من ، تو پدر کودک گمان من این را بدان حتی اکنون که تو به پیروی از اغوی شیطانیک زن بی قلب در بی هوس گناه آلود خودت چتر سیاه سر نوشت را به سان یک چادر ، جاودانه بر فراز زندگی ما افراشته

بی ، اکنون که ماه هاست حسی خیر نداری که کودک گانت سیرند و یا با شکم گرسنه سر به بالین میگدازند ، زنده اند و یا در گور سرد امید های شان با آرا مشی همیشه به خواب رفته اند ، یاد

ستم ها و بی مهربی های تو و خاطر بی احساسی و بی عاطفه گمی تو ، درست مثل یک سنا به همه جا با ماست و جز اشک شور و تلخی یاس چیزی بماند نمیدهد و تو ، توای مرد .
تو پدر این سه کودک به دامن سر نوشت افتاده و از مهر پدر نصیبی نبرده تو به من بگو ، گناه این سه موجود بی گنا می که تو آنان را از یاد برده بی چیست ؟ تو به من بگو وقتی آنان دیگر کودک گان را می بینند که شاندا نه در آغوش بر مهر پدر بنا جویی دارند و با چشمان اشک آلود از من میبیرند که پدر شان در کجا است به آنان چه بگویم ؟ چه جواب دهم ؟

و چه محبتی را برای شان جای نشین محبت تو گردانم ؟
بمن بگو آیا برای آنها بگویم که پدرشان مرده است ؟
آیا بگویم که او در قمار عشق همه آنان را باخت است ؟
و یا اینکه :

پدرشان موجودی بی احساس است که همه چیز را و حتی فرزندانش را قربانی عشق و هوس و اغوی جوانی خود ساخته و همه را از یاد برده است ؟

تو به من بگو ،
من به آنان ، چه بگویم ،
وقتی که ترا از من می خواهند ؟

زن در گفتن شتاب داشت ، انگار که بعد از مدت ها عقده های گلو گیر او مجال باز شدن یافته بودند و انگار که فریاد

اهای به خفه گمی کشیدند ، شد او اینک بعد از دیر مدتی را هفراز در پیش داشتند
میگفت :

میدانم این قصه و این افسانه افسانه واقعت زندگی من در شما و خواننده شما که از این مانسده قصه ها زیاد شنیده و خوانده اید تأثیری ندارد و میدانم که آن شوهر و آن پدر که اینک اشک در چشم زن و فرزندانش نشاندند ، بیدی نسبت که با این باد هابلرزد و وجدانه های چنان به خواب نرفته که با این فریاد ها بیدار گردد ، اما باز هم میگویم تا دیگر دختران نو جوان اسیر عشق های هوس آلود نگردند و میگویم تا زندگی قصه های دیگر به مانند قصه من برای دیگران هدیه ندهد و به آنان از زبان حافظ این روحانی بزرگنویس قولی لسان الغیب شاهد میکشیم که :

دور است سر آب از این بادیه سر

هوشدار

تا غول

بیا بان نفریسد به سرا بست
آن روز ها که احسا سم به تار زرین عشق بسته شد و دروازه قلبم بروی یک مرد گشود ، شد هجده بهار را دیده بودم و هنوز بائیس های بر گریز امید برایم مفهومی نداشت و در چشم اندازم قرار نکرفته بود زندگی برویم در همه لحظات خود بهار بود ، امید بود و آرزو بود و من در قصر زرین خیالی خودم جز رویا و خیال شیرین عشق نداشتم و نمی شتابم ختم .
مردی که قلبم برای او می تپید خوش تپ بود شیک پوش بود - خونگرم و خوب بیان بود و در آن روز ها این طور می اندیدشیدم که در وجود او هیچ نقص و عیبی وجود ندارد او هم مرا دوست داشت .
(بقیه در صفحه ۴۸)

استفاده از روغن کنجد به مثابه دوا

در نیبال تا هنوز هم جرب کردن کنجد در جلد رواج دارد زیرا آنها میخواهند برف باری زیاد و پرودن هوا و بیخ بندی را با جرب کردن روغن کنجد در روی جلد مرفوع سازند .
اطفال را تا یکسالگی همه روز با روغن کنجد جرب نموده و آفتاب میدهند تا در اثر نور آفتاب روغن خوب در وجود طفل نفوذ کند و بدین وسیله جلد او را از متاثر شدن از خنک و پرودن حفظ می نمایند .

همچنان مادران حامله و مادران شیرده قبل از تولد طفل و بعد از آن جلد خود را با روغن جرب خوب نموده و در شعاع آفتاب قرار میگیرند و با مساز نمودن روغن را جلد شان جذب مینمایند . اکثر خانم ها حتی روز دو بار به این عمل مبادرت می ورزند .

همچنان طفل تازه تولد شده را با این روغن جرب نموده و با مساز های طولانی جلد او را مقاوم می سازند و از روغن کنجد به طفل و مادر غذا تهیه می نمایند .

اکثر نباتات در زندگی انسان عامفید بوده و دارای خواص مختص بخودش می باشد در گذشته که هنوز طب و طبابت رواج نیافته بود مردم ادویه طبی را نمیشناختند اکثراً به همین بته پناه می بردند و بهترین دوی درد همین بته ها را می شناختند .
در شرایط کنونی هم تا حدی از این بته ها استفاده میشود اما بشکلی که عصاره آنرا گرفته و طرف استفاده قرار می دهند یعنی با بهترین شکل صحنی آن از این بته ادویه مورد ضرورت رامیسازند برخی نباتات روغنی غنادرند و برخی بدون روغن ، نباتات که روغنی انداز بعضی ایشان در غذا هم استفاده میشود که روغن آنها هم خیلی مفوی است و مفید ولذیذ .

از آن جمله می توان از روغن کنجد نام برد . این بته را در قدیم در طب یونانی بنام گرم بته یاد می کردند و به این عقیده بودند که جسم را در مقابل هوای سرد ، تاب مقاومت می بخشید ، جلد را ملایم می سازد و برای درد های روماتیسم خیلی مهم است و مجرد جرب کردن درد را برطرف می سازد .



بوده عاصی

مستم بخدازباده مستم
 می خواره و مست و می پرستم
 بادختر رزگسی بجز جام
 آگه نبود زبندو بستم
 در هجر تو ای امید جانها
 نه شکوه نموده ام نه خستم
 تازفته ی تو زخا نه دل
 این در نکشوده ام نه بستم
 ای فتنه بزم یاده نوشا ن
 برخیز زجا که من نشستم
 تا مست شدم زبا ده عشق
 ازدام غم زمانه رستم

جز حرف حقیقت و درستی
 بنهای دروغ را شکستم
 چون برده عاصیم که از دوش
 زنجیر ستمگوان گسستم
 اکنون زشراب ناب ساقی
 پرکن قدحی به مزد شستم
 ای کشور پاک راد مردان
 چون از تو شد دست بودو هستم
 گر در ره تو فدا نگردم
 نا مرد و ذلیل و خواری و بستم
 عظیم شهبال
 ۱۳۵۸

سوختن زنگار
 دامن زنگار
 زنگار دامن زنگار
 زنگار دامن زنگار
 زنگار دامن زنگار

مناجاتی

از عطار

دردیست درین دلم نهانی
 کان دردمرا دوا تو دانسی
 تو مرهم درد بیدلانی
 دانم که مرا چنین نهانی
 از من گشته آید و من اینم
 و از تو کرم آید و تو آنی

افسانه

من امشب همچو بیجانهای محروم
 بیابانها
 بدور ساقه سیرات اندام تو می
 بیچم
 و یا همچون کلاغ تشنه می آیم
 زلال چشمه سار بوسه ات را
 با تمام شوق می نوشم
 شب موی ترا که آسمان عطر
 های نا هما هنگ است
 می بویم
 من امشب با تو می مانم
 و یا تو
 تاسییده در تنور لذت گم کرده
 می سوزم

من امشب با صدای مرد بیگانه
 به گوش طفل تو افسانه نمی گویم
 و چشمان و را با خواب می بندم
 نمیدانم که فردا باز این در را
 که خوابی گوئی؟
 که فردا با صدای مرد بیگانه
 به گوش طفل تو افسانه نخواهد
 گفت؟
 که چشمان و را با خواب خواهد
 بست؟
 ولی روزی به گوش کودکت تو بی
 حساب افسانه خواهد بود
 و این افسانه ها از یکدیگر بیگانه
 نخواهد بود.

اسدالله حبیب

تعمیر

زه به بنکلی حسن شیدا شوی یم
 عشق او محبت گنمی رسوا شوی یم
 زه با نه ورک شوی تو رو زلفو گنمی
 خکه زه آخته به بلاشو ی یم
 عقل هوش او صبر طاقت هم نشسته
 بنه گنمی دیشکلو تالاشوی ی یم
 داچه یم غمو نو سره غیر به غیر
 غیر نه ده دلبرو جداشوی ی یم
 اور به مابلری لکه شمع زه
 هجر گنمی دیار به زه شوی یم
 عیش او خوشحالی می هیسوخ و نه لیده
 زه لکه چی غم ته یما شوی ی یم
 حسن دیلا او دجمال غغه
 محوه دنیا یست به زه شوی ی یم
 نشسته ای فنا ددی دنیا بقا
 دیر تسلی به مرگ دفنا شوی ی یم

دالمان ژمی

او ری دوا ورو پا غوندي پاغوندي
دور یخو لری به آسمان کی بلینی
دوتو خانکی دنیا لکیو خنی
لکه سپرلی کی غوتی سپینسی سپینی

خمکه او هسک لکه یو سپین پوپنی
به کی چی او ، چراو گوره ختکلونه
په سپین کی شین دی سینکار شوی کنه
دادی دژمی دمو سم خو ندو نه

زه چی دی بنکلی چاپیر یال تسه گورم
ماته می خپل شما یسته و طس یادیری
سپین غر ، کو نر ، دپا میر لوړی شوکی
کپ مپ ددی منظر به شانا بنکاریری

بنکلی هوا ده هر یو خیز سپیخلی
به کی دژوند تودی نغمی غریری
دطبیعت په کروړ پین زپ کی کی
دستر انسا ن دزیار دیوی بلیری

دژوند خپی لکه دسیند د چپو
نه را ستنییری خپی پر مخه درومی
هر یو مو سم له خپل خوندو نو سره
چی تیر شمی ، لار شمی ، بیر تسه نه را درو می
دسامبر ۳۰ - ۱۹۷۹ کال
وایمار ، ایلینت
هوټل دموکراتیک آلمان



چهار بیتی

مبادا چشم بیعارت بخوابد
نگاه ذوق سرشارت بخوابد
مبادا از تلاش افتی درین دست
بدان پای رفتارت بخوابد

کمی هستی ، زهردن ها نشانی است
کمی مردن نشان زندگانی ست
ندارد زیستن بود و نبود ی
دموز زندگی ، دو زنده جانی ست

رزم مشترک

همراه شورفیق ،

تنهانمان به درد !

کاین درد مشترک

هرگز جدا ، جدا

درمان نمی شود !

دشوار زندگی ،

هرگز برای ما ،

بی رزم مشترک ،
آسان نمی شود

تنهانمان به درد !

همراه شورفیق !

شکوه از عمر ...

ای آسمان ! یاور مکن . کاین بیکر
مخزون متم .
من نیستم من نیستم !
رفت عمر من ، از دست من ..
این عمر ست و پست من !
یک عمر با بغت بدش بگریستم ،
بگریستم !
یک عمر پای اندر کلم ،
باری نیرسید از دلم ...
من چیستم ؟ من کیستم ؟

اطفال بوسید و اسباب بازی پدید می آید بزرگتر همی گذارند

اطفال باید لاقبل اختیار اسباب بازی خودشان را داشته باشند و بدخواه خودشان آنها را بجا کنند.

همچنین به جایی که می خواهید اسباب بازی در آن قرار گیرند نیز باید توجه کافی کرده باشید. دوختن یک خرپه بزرگ که رویش باعکس های پارچه ها، رنگین شده باشد تهیه نماید زیرا خیلی ارزان تمام می شود و برای گذاشتن اسباب بازی ایده آل است. همچنین کارتن های مقوای پاک هم برای گذاشتن اسباب بازی مفید است و آنرا می توانید در گوشه ای از اتاق و یا هال منزل خویش بگذارید به کودک آن نظم و ترتیب یاد دهید. اطفال نظم و ترتیب را از همان وسایل و اشیاء خودشان و اینکه چگونه آنها را بجا کنند یاد

تجربه ثابت کرده است که اسباب بازی اطفال نیمه از زندگیشان می باشد. و داشتن اسباب بازی رنگارنگ از آرزوهای هر کودک و حتی نوجوان است.

اطفال بوسیله اسباب بازی پدید نیای بزرگترها می گذارند با زندگی و ادب و رسوم و آئین زندگی و نوع زندگی افراد بشر آشنا می شوند.

اما نکته ای که اکثر مادران از آن شکایت دارند این است که در خانه ها اکثرا اسباب بازی اطفال باعث برآوردگی و درهم و پره هم نشاندن و وضع خانه می شود. مادران همیشه فریادشان از این نکته بلند است که با این همه اسباب بازی چکار

کنم. اگر فرزند شما اطاقی مخصوصی برای خودش ندارد و از دهلیز منزل و یا اتاق نشیمن برای اسباب بازی خود استفاده می کند بهتر است که یک پارچه بزرگ را روی زمین هموار کنید تا کودک شما در روی آن بازی کند و بعدا هم شما براحتی و سریع بتوانید آنرا جمع کرده در گوشه ای بگذارید.

برخی از مادران دوست دارند که اسباب بازی قشنگ و گران قیمت اطفال را دور از دسترس آنها در آلماری و یا رفک ها برای تماشا بگذارند این عمل خیلی غلط است و باعث بوجود آمدن عده در کودک می شود



می گیرند از آنجا که کودکان از سن سه ماهگی الی ۱۵ سالگی از اسباب بازی خوششان می آید بنا بر این در تهیه اسباب بازی هم به سن و سال و شرایط زندگی کودک توجه کنید.

مسلما برای یک پسر ۱۲ ساله را در جای پاکیزه ای نگهداشته و اگر در روز فرزندانشان شما در محوطه حیاط بازی می کنند پس از بازی حتما اسباب بازیها را شسته و در جای پاکیزه ای نگهدارید. هرگز آلات برنده و اسباب بازی خطرناک نظیر تفنگ و تفنگچه بادی را در اختیار اطفال قرار ندهید و اصولا در بازی اطفال و خرید اسباب بازی آنها توجه کنید اطفال را طوری بار بیارید که بمسائل طبیعی و طبیعت و شناخت عالم و حتی تاریخ و جغرافیا علاقمند شوند رازهای طبیعت را اگر کودکان یاد گیرند دیر از خاطرشان می رود و برای زندگی روزمره شان هم مفید است به اطفال اجازه داده شود که اسباب بازی خود را خودشان انتخاب نمایند مثلاً اگر دختری میخواهد برای خودش گلدی بخرد و والدین نگویند دخترم بهتر است این موتر که را که خیلی مقبول است و



نظراصلاحی داشت و معقول بود عملی کند
 آنرا بید پرید و عملی کنید بدین نکته دوم اینکه اگر میخواهید
 ترتیب کودک می آموزد که چطور طفل شما کار را یاد بگیرد باید این
 نظم و ترتیب را در کارها پیش خواست را از کم شروع کنید



هم تازه به با زار آمده و تا اکنون
 هیچکس دیگر آنرا ندارد باید بخری.
 یا اگر بسری می خواهد برای
 خود ما شیندار ثقیل و یا تفنگچه
 بخرد و والدین آرزو دارند تا
 بسر شان یک قطار ترین و یا موتر
 بخرد بکلی خواست غلط و نا-
 بجا ست بگذا رید اطفال با زیچه
 های مورد علاقه شان را خود
 شان انتخاب نمایند.

از جا نبی اگر کودک کی از آغاز
 زندگی استقلال نداشته باشد
 به یکبارگی نمی تواند نظم و
 دسیسین را فرا گیرد. اگر دایما با
 او برخاش کنیم و دستورات کلسی
 بدیم که این اسباب و وسایلی
 را بخر و آن دیگر را نخر گویا
 اطفال متکی به خود بسازند
 و هر آن متوجه فرمان و امر و نهی
 خواهند بود.

همچنان در جمع و جور کردن
 اسباب بازی به اطفال
 موقع داده شود تا خود ایشان
 سازمان بازی خویش را در جای
 معین جا به جا نمایند و هر آن
 گفته نشود زودتر سامانهای
 بازی را برداشته بدروس مکتب
 رسیدگی کن و یا گماشتن آنها به
 کارهای دیگر دقت و توجه زیاد
 بکار دارد یعنی هر لحظه انجام
 کاری را بالای اطفال تاکید نکنید.

اگر طفل شما نمی خواست و یا
 نمی توانست سامانها پیش را به
 جای مخصوص جا به جا کند
 شما ناگزیر هستید چندین بار
 این عمل را انجام دهید تا کودک
 آنرا بیاموزد و بتدریج خودش
 این کار را انجام دهد و برای پیش
 عادت شود که همیشه اینکار را
 بکند.

به کودک اجازه داده شود که
 نظریات خود را ارا به کند اگر

مثلا در اول از او بخواهید
 تا اسباب بازی اش را جمع نماید
 و روز بعد به او یاد بدید که
 آنرا میان الماری و جای مخصوص-
 ص بگذارد سامانها پیش هر
 جا تیت و پراگنده نباشد و هم به
 اطفال بگوئید و به تکرار گوشزد
 نمایند که ترتیب و نظم کارها را
 آسان می سازد منافع زیاد دارد
 و برعکس بی نظمی وقت را تلف
 نموده و ناچارا حتی ها را خلق

می کند در مورد آموزش نظم
 و ترتیب به اطفال به هیچ وجه
 آنها را تهدید و سرزنش نکنید
 و به آن متوسل نگردید.

جای شک نیست که برای فرا
 گرفتن این نکات مهم و اساسی
 کودک احتیاج به وقت و زمان دارد
 همچنان ما باید بدانیم که نظم و
 ترتیب در طبیعت هیچ کودک کسی
 نیست و یا هم بی انضباطی و بی
 بندوبازی، بلکه همه آنکسانی
 است و باید فرا گرفته شود و
 پدر و مادری اگر میخواهند طفل
 منظم و مرتب داشته باشند لازم

است که در مرحله اول خودشان
 به نظم و نسق زندگی اعتماد
 داشته باشند و واقعا بدانند
 که نظم و ترتیب به غیر از آنکه
 وقت انسان را صرفه جوئی
 و کارها را آسانتر می سازد، یک
 حس اعتماد به نفس نیز به انسان
 می بخشد که در سایه آن هر کاری
 را بهتر و مطمئن تر می تواند
 به انجام رساند.

بدین ترتیب اطفال که به نظم
 و ترتیب عادت می کنند در پر تو
 اعتماد به نفس که دارند آینده خیلی
 روشنتر و درخشانتری می تواند
 داشته باشند.



سینمای شوروی همیشه گو شمیده است تا خصوصیات همه فر هنگ هار سوم و شیوه های زندگی رادر روی پرده سینما انعکاس دهد.



لیما ییت اولف سالک هنر پیشه معا صر شو روی

معتبری از گذشته به روی پرده کشور رشد کرد که در رو ندر ساز -
بیا ورد - سینمای شوروی به ندگی سو سینا لیسیم بود و مردم
عنوان بخشی تا گسستنی از سینمای جهان و هنر جهانی
پیدا ییش و تکامل یافت هر چند هنر نهاد ه بودند مبارزه در راه پی
شرایط ر شد آن خاص و ریزی جامعه بی طبقه سو سینا -
استثنایی بود در حالی که سینما ایستی نو بین ایفای نقشی فعال
درفرانسه ، ایالات متحده امریکا در آموزش توده های کار و رز
آلمان ، ایالتی و سایر کشور های ا لقای نو و تازه ای از اخلاق
عمده نو لید کنند ه فیلم در مرحله و ترویج جهانی بینی جامعه
امیر یا لیستی نظام سرمایه داری بدون طبقات این و ظایف و هدف

نگرش به سینمای شوروی این سینما انسانی



صحنه د یگری از فلم های شو روی

ها ، رسوم و شیوه های زندگی را اشکار سازد بدین
سنان سینما علاوه بر نمایش
تصورات و وقایع زندگی معا صر
به خوبی قادر است به عقب
برگردد و تصویری را ستین و
زندگی از مردم و رویداد های
زمان های گذشته را ارائه دهد
سینما پیروزی های دانش تاز -
یحی رابه نمایش در می آورد
ا کتشافات باستانی و یافته
های موزه ای رابه کار می گیرد ، از
تجربیات تیاتر و هنر های
تجسمی و به ویژه ادبیات کلا -
سیک بهره می برد این واقعیت که
سینما و سانیل بیانی همه هنر
ها را یک جادر بر دارد به آن کمک
می کند تا تصویری روشن و

هنر سینما در اتحاد شوروی
از قدرت بیانی ای برخوردار است
که می تواند زمان های حال
گذشته و آینده را با اعتبار و نیروی
مجاوب سازی یکسانی ترسیم
کند حوزه های فعالیت بشری را
منعکس نماید خصایص طبیعی همه
قاره ها را نشان دهد فضای زندگی
گی تمام ادوار تاریخی را باز
آفریند خصوصیات همه فرهنگ و

رو سیه سفید ما و رای قفقاز
 جمهوری های سا حل با لتيك و
 آسیای مرکزی است در حقیقت
 تمام خلق های سا کن اتحاد
 شوروی به این هدف است که فیلم
 های تاریخی شوروی ا بعد بین -
 المللی و روحیه دوستی میان
 خلق ها می بخشد .

نقش ویژه فیلم های تاریخی:

مفهوم سینمای تاریخی هم
 پیچیده و هم چند گانه است و از
 تاریخی دال بر چیزی است که
 گذشته است بیا نگر آن روند
 های اجتماعی است که اکنون به
 انجام رسیده اند و تصویر ساز
 موقعیتی است که دیگر وجود
 ندارد اما در عین حال هنر -
 مندانی که با اسناد گذشته سرو
 کار دارند، نمایندگان
 دوران خود هستند
 وزیر نفوذ اندیشه ها و علايق
 زمان حال می باشند و طبعاً
 بنا بر جهان بینی معیارها و
 ارزش های امروزی خود به گذر
 شته می نگرند و بدین گزینش

رو یادها و سیمای تاریخی
 و شیوه بر خورد هنر مندانی با
 آن ها شکل می گیرد کاملاً طبیعی
 است که پسران و دختران کشوری
 که از میان تو فان انقلاب اکتر
 گذشته سو سیالیسم را به
 با ساختند و از آن در بی رحمانه
 ترین و خونین ترین جنگ هادر
 برابر فاشیسم دفاع کردند
 اینک در درجه اول بر تاریخ جنبش
 انقلابی و جنگ داخلی تکیه
 کنند ، و سپس بر دوره های
 جدید تری که یادگر گونی های
 عظیم اجتماعی که به شکل بندی
 دولت آنجا میدو با نبرد های
 آزادی بخش ملی جهان مشخص می
 گردد کلیه فیلم های تاریخی
 شوروی از هر دوره ای که
 باشند از روح عصر انقلاب کبیر
 و نبرد در راه استقرار جامعه
 کمونیستی الهام گرفته اند
 فیلم های تاریخی شوروی به خاطر
 پرداختن به رو یادها مراسم
 ، شیوه های زندگی ، روابط
 تولیدی و شرایط طبیعی بسیار
 زیاد ، از نظر شکل بسیار متنوع
 اند حتماً های تاریخی
 نمایش های تاریخی ملودرام ها و
 کمیدی ها بر حسب دوران های
 مورد تفاوت اساسی دارند
 (باقی دارد)



هنر سینما در اتحاد جماهیر شوروی از قدرت بیانی برخوردار است.

های اخلاقی هنر سینمای شوروی
 سرشت فیلم های تاریخی شوروی
 را تعیین کرد در حالی که اکثریت
 غالب فیلم های تاریخی بورژوازی
 وایی با وجود کیفیت هنری عالی
 بعضی از آن ها عمدتاً برای سر-
 گرم سازی تهیه می شوند و لذا
 صرفاً به زندگی خصوصی
 شخصیت های تاریخی می پردازند
 و برداشته های آزاد و علت
 گمراه کننده ای از واقعیت
 عرضه می کنند فیلم های تاریخی
 شوروی تحت تأثیر فلسفه
 مارکسیستی-لنینیستی و ماتریالیسم
 لیسم تاریخی روند های اساسی
 پیشرفت جامعه بشری و فعالیت
 مترقیانه چهره های برجسته
 را بر پرده سینما بازمی آفریند
 یکنند فیلم سازان شوروی با درک
 تفاوت های اساسی میان تمدن
 پیر علمی و تاریخی و هنری گذر
 شته و باتکیه بر تخیل خلاق، آثار
 خود را بر حقیقت و مقیاس
 تاریخی و بر ترسیم با اجتماعی
 حوادث و شخصیت های تاریخی
 متمرکز نموده اند .

سرشت چند ملیتی سینمای
 شوروی را نیز باید در نظر داشت
 هدف این سینما نه تنها تصویر
 سازی مسیر تاریخی خلق روس
 بلکه همچنین خلق های اوگر این



یکی از هیروئین فیلم های اتحاد جماهیر شوروی

عشق او بنکلا پیر ند نه

صوفی هم کله له خانه پردی شی او د حق به ویلو بی دغه تنده خرگند پیری.

زموږ د دوران څخه لږ د مغه یو متفکر د عشق په باره کي وایی :

عشق د انسان د معنوی فعالیت د تکامل یوه اوچته مرحله ده. هیکل د ژوند په معجزه کي لیکي چي : «وستر مارک د انسان دوا ده په تاریخ کي څرگنده کړه چي څرنگه د غیر مدنی او بدوی خلکو د واده ډیر وروسته پاتې او پاتې احساسات په کمراره ، کمراره په لطیفو او نرمو روانی زړه خوږیږي ، مینی ته اوچت سول او اخیر عشق چي له هغو یی هم زیات ارزښت درلود ، منځ ته راغی او د انسان د معنوی فعالیت خورا ستره سرچینه شوه او په خاص ډول په تجسمی هنر ونو لکه موسیقي او شعر کي یی څرگند پیری .» او دلته جوته پیری چي د عشق داسي احساس دی چي د انسانی تاریخ د ټول اوږده تکامل محصول دی . او په دی برخه کي موږ ته داهم جوته پیری چي د انسان سره نسی عواطف او احساسات هر دم ملگری نه وو .

بلکي د ژوندانه په یوه خاصه مرحله کي رامنځ ته سول ، تکامل یی وکړ ، او د عشق سطحی ته ورسیدل . نو پدی لړ کي داهم سرورده چي ووايو چي د عشق هغه ساده سړی دی چي د نور و عالی عاطفی مراحلو څخه ورو پدی چي د عشق څکه ساده بریښي چي انسان د پنه هیکل ، جونی ، او اندام په درلودلو د مخالف جنس خوښیږي او په مخالف جنس کي د غوښتنی یوه انگیزه را ولاړ وی .

داسي عشق نه دی لکه د یوه زلمي عشق دیوی بملگی سره ... بلکي هغه یو ډول خاص جریادی داسي چي ؟ خپل وجود او هویت له لاسه ورکوي او بوبل څه کي پایله دوینا کي ځان وره کوي او هلته خپله تجلی وینی .

د مثال په ډول هغه صوفیان چي پخپل صوفیت کي له خانه بی خانه شوی دی د عفو په برخه کي عشق یو داسي مفهوم دی چي هغه څخه په یو پردی شوی قدر ت کي «خپل وصل مومي» او خپل عشق کامل بولي . منصور ولی دومره مشهور شو چي ان په پښتو لنه یو کي یی کوټکوسی راځي لکه چي وایی :

د زه کي حال ویلی شوم منصور درونو حال وایا چي په دار سوتا .

بایی رحمان باباله اورنگ زب او ساه جهان چي دوخت شاهان وو هم پورته سولس چي :

شاه جهان او اورنگ زب غوندي اشراق ، صدقه شه تر منصور غوندي نفاق

د تصوفی عشق څرگند سمبول همدا منصور دی چي د «سمندر» په څیر هر چاته معلوم شو داچي هغه په دی لار کي دومره ځان څرگند کړ چي د پرمختو فرهنگ کي ځای نیسی ، ټول یو مطلب دی . او هغه داچي : په تصوف کي هم د صوفی او یا پیر ناپایه اونه خلاصیدونکی مینه تنده او داسي تنده چي په تنده کي یی خوند زیات پیری ، د افراط مرحلی ته رسیری او عاشق له خانه پردی کیری .

الاطلون کلکه عقیده درلوده چي هر هغه څه چي ښکلی څیره لری دلومری ښکلا یوه خاصه خوا را نیسی ، چي دغه فکر اوس خاص ارزښت لری . سقراط به هم ویل چي : «ښکلا داسي نیسی نه دی چي انسان په زوهارو وښیان د هغه صفت پوری ونړی ، بلکي د ښکلی نیسی څخه اخواته یوه فی نفسه یا په خپل ذات یوه ښکلا شته دی .» خو د الاطلون په عقیده مطلقه ښکلا د نیانو څخه وپاندي شته والی لری ، او دغه ښکلا د هغه تلپاتی ښکلا اړخونه څرگندوی . عشق د مطلق ښکلا پوری اړه لری او ددی له پاره چي د څمکي په سر په ټولو ښکلو نیانو په ماهیت او جوهر وپوهیری نو خپل ذهن باید له هرڅه پاک او سوچه کړو . او داسي یو لومړنی ذهني حالت تر لاسه کړو چي هوبله خوانه دی . پدی صورت کي انسانی ذهن دی ته تیار پیری . چي ښکلی وپیری ، د الاطلون عشق سرچینه هم دلته ده . یاداسي یو ترکیبی کیفیت دی چي خپله هستی نفی کوي یعنی داچي موږ نه یو موجودیت نه لرو ، ددی هیلې درلو دل چي هستی نه شته دا ټول عشق د ناامیدی څخه یو ډول ډکا امید او هیله وه . داسي رغبت او دتندی نه دکه غوښتنه ده لکه دوی او پدی دښتی جل وهلی یاد داسي سکروټی مثال لری چي په ایره بدلیږي او بیرته له ابرو څخه زرغون پیری په میتولوژیک او فوکلوری لحاظ دغه ډول تنده زیات سمبولونه لری . لکه د سمندر چنچي چي په اور کي ژوند کوي یا لکه شمع د پتنگ په وپاندي لیل او مجنون ، یوسف او زلیخا د ختیځ ادب سمبولونه دی . خو الاطلون عشق یوه نه خلاصیدونکی تنده ده ، داسي چي هډونه تر سره کیری . بلکي پورته ځي ، او کمال مومي .

د الاطلون څخه وروسته د عشق په باره کي پوهانو او صوفیانو په بیلا بیلو ډولونو خپل نظر بیان څرگند کړی دی . د صوفی عشق

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی . چي به اوسنیو وختو نو کي دومره زیات په واقع مانانه کارول کیری . عشق په تیرو پیریو کي د بیلا بیلو پوهانو ، صوفیانو ، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کي د عشق د مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنی او تعایلات دری اساسی منبع لری چي له ساه ، عقل او بدن څخه عبارت دی :

چي روح مینه زیږوي ، عقل د درناوی سرچینه ده . او د وجود غوښتنی ، رغبت او هیلی ایجادوی . تر زیاتی انمازی ، د عشق په باره کي د نظر دو مړه بی ځایه نه دی خو پاتې دی نه وی چي دغه مفهوم دیو سوسیا لوچست په نظریو څه نیسی دی او د فلاسفه وپه نظر بل . او دیو صوفی په نظر بل څه دی . خود دوی ټولو په نظر کي یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چي سره ورته والی لری چي د یو انسان د نسی خصلت څرگند وی .

د عشق او ښکلا پیژندنې داپیکو په حساب باید ووايو چي عشق د انسان د عاطفی اروانی نړی یو حالت دی او ښکلا پیژند نه هم داسي پوهنه ده چي د انسان د خورا ظریفو طبعو او ارزښتی غوښتنو د احساس په باب بحث کوي .

خو کله چي په ژوره توگه موضوع څیړو ، نو په لرغونی فلسفه کي مو د الاطلون نظر په فکر نه راځي ځکه الاطلون د نیایی نیانو ته په یو ډول جمال او ښکلا قایل دی نو د هغه په نظر دغه نیان پخپل ذات کي ښکلی نه دی بلکي ددی د ښکلا منبع او سرچینه بله ده چي هغه لومړنی واحد واقعیت دی او د هغه واقعیت (د الاطلون په نظر) انعکاس او څرگندیدنه په نیانو کي د نیانو د ښکلا سبب کیری .

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی . چي به اوسنیو وختو نو کي دومره زیات په واقع مانانه کارول کیری . عشق په تیرو پیریو کي د بیلا بیلو پوهانو ، صوفیانو ، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کي د عشق د مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنی او تعایلات دری اساسی منبع لری چي له ساه ، عقل او بدن څخه عبارت دی :

چي روح مینه زیږوي ، عقل د درناوی سرچینه ده . او د وجود غوښتنی ، رغبت او هیلی ایجادوی . تر زیاتی انمازی ، د عشق په باره کي د نظر دو مړه بی ځایه نه دی خو پاتې دی نه وی چي دغه مفهوم دیو سوسیا لوچست په نظریو څه نیسی دی او د فلاسفه وپه نظر بل . او دیو صوفی په نظر بل څه دی . خود دوی ټولو په نظر کي یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چي سره ورته والی لری چي د یو انسان د نسی خصلت څرگند وی .

د عشق او ښکلا پیژندنې داپیکو په حساب باید ووايو چي عشق د انسان د عاطفی اروانی نړی یو حالت دی او ښکلا پیژند نه هم داسي پوهنه ده چي د انسان د خورا ظریفو طبعو او ارزښتی غوښتنو د احساس په باب بحث کوي .

خو کله چي په ژوره توگه موضوع څیړو ، نو په لرغونی فلسفه کي مو د الاطلون نظر په فکر نه راځي ځکه الاطلون د نیایی نیانو ته په یو ډول جمال او ښکلا قایل دی نو د هغه په نظر دغه نیان پخپل ذات کي ښکلی نه دی بلکي ددی د ښکلا منبع او سرچینه بله ده چي هغه لومړنی واحد واقعیت دی او د هغه واقعیت (د الاطلون په نظر) انعکاس او څرگندیدنه په نیانو کي د نیانو د ښکلا سبب کیری .

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی . چي به اوسنیو وختو نو کي دومره زیات په واقع مانانه کارول کیری . عشق په تیرو پیریو کي د بیلا بیلو پوهانو ، صوفیانو ، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کي د عشق د مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنی او تعایلات دری اساسی منبع لری چي له ساه ، عقل او بدن څخه عبارت دی :

چي روح مینه زیږوي ، عقل د درناوی سرچینه ده . او د وجود غوښتنی ، رغبت او هیلی ایجادوی . تر زیاتی انمازی ، د عشق په باره کي د نظر دو مړه بی ځایه نه دی خو پاتې دی نه وی چي دغه مفهوم دیو سوسیا لوچست په نظریو څه نیسی دی او د فلاسفه وپه نظر بل . او دیو صوفی په نظر بل څه دی . خود دوی ټولو په نظر کي یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چي سره ورته والی لری چي د یو انسان د نسی خصلت څرگند وی .

د عشق او ښکلا پیژندنې داپیکو په حساب باید ووايو چي عشق د انسان د عاطفی اروانی نړی یو حالت دی او ښکلا پیژند نه هم داسي پوهنه ده چي د انسان د خورا ظریفو طبعو او ارزښتی غوښتنو د احساس په باب بحث کوي .

خو کله چي په ژوره توگه موضوع څیړو ، نو په لرغونی فلسفه کي مو د الاطلون نظر په فکر نه راځي ځکه الاطلون د نیایی نیانو ته په یو ډول جمال او ښکلا قایل دی نو د هغه په نظر دغه نیان پخپل ذات کي ښکلی نه دی بلکي ددی د ښکلا منبع او سرچینه بله ده چي هغه لومړنی واحد واقعیت دی او د هغه واقعیت (د الاطلون په نظر) انعکاس او څرگندیدنه په نیانو کي د نیانو د ښکلا سبب کیری .

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی . چي به اوسنیو وختو نو کي دومره زیات په واقع مانانه کارول کیری . عشق په تیرو پیریو کي د بیلا بیلو پوهانو ، صوفیانو ، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کي د عشق د مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنی او تعایلات دری اساسی منبع لری چي له ساه ، عقل او بدن څخه عبارت دی :

چي روح مینه زیږوي ، عقل د درناوی سرچینه ده . او د وجود غوښتنی ، رغبت او هیلی ایجادوی . تر زیاتی انمازی ، د عشق په باره کي د نظر دو مړه بی ځایه نه دی خو پاتې دی نه وی چي دغه مفهوم دیو سوسیا لوچست په نظریو څه نیسی دی او د فلاسفه وپه نظر بل . او دیو صوفی په نظر بل څه دی . خود دوی ټولو په نظر کي یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چي سره ورته والی لری چي د یو انسان د نسی خصلت څرگند وی .

د عشق او ښکلا پیژندنې داپیکو په حساب باید ووايو چي عشق د انسان د عاطفی اروانی نړی یو حالت دی او ښکلا پیژند نه هم داسي پوهنه ده چي د انسان د خورا ظریفو طبعو او ارزښتی غوښتنو د احساس په باب بحث کوي .

خو کله چي په ژوره توگه موضوع څیړو ، نو په لرغونی فلسفه کي مو د الاطلون نظر په فکر نه راځي ځکه الاطلون د نیایی نیانو ته په یو ډول جمال او ښکلا قایل دی نو د هغه په نظر دغه نیان پخپل ذات کي ښکلی نه دی بلکي ددی د ښکلا منبع او سرچینه بله ده چي هغه لومړنی واحد واقعیت دی او د هغه واقعیت (د الاطلون په نظر) انعکاس او څرگندیدنه په نیانو کي د نیانو د ښکلا سبب کیری .

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی . چي به اوسنیو وختو نو کي دومره زیات په واقع مانانه کارول کیری . عشق په تیرو پیریو کي د بیلا بیلو پوهانو ، صوفیانو ، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کي د عشق د مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنی او تعایلات دری اساسی منبع لری چي له ساه ، عقل او بدن څخه عبارت دی :

چي روح مینه زیږوي ، عقل د درناوی سرچینه ده . او د وجود غوښتنی ، رغبت او هیلی ایجادوی . تر زیاتی انمازی ، د عشق په باره کي د نظر دو مړه بی ځایه نه دی خو پاتې دی نه وی چي دغه مفهوم دیو سوسیا لوچست په نظریو څه نیسی دی او د فلاسفه وپه نظر بل . او دیو صوفی په نظر بل څه دی . خود دوی ټولو په نظر کي یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چي سره ورته والی لری چي د یو انسان د نسی خصلت څرگند وی .

د عشق او ښکلا پیژندنې داپیکو په حساب باید ووايو چي عشق د انسان د عاطفی اروانی نړی یو حالت دی او ښکلا پیژند نه هم داسي پوهنه ده چي د انسان د خورا ظریفو طبعو او ارزښتی غوښتنو د احساس په باب بحث کوي .

خو کله چي په ژوره توگه موضوع څیړو ، نو په لرغونی فلسفه کي مو د الاطلون نظر په فکر نه راځي ځکه الاطلون د نیایی نیانو ته په یو ډول جمال او ښکلا قایل دی نو د هغه په نظر دغه نیان پخپل ذات کي ښکلی نه دی بلکي ددی د ښکلا منبع او سرچینه بله ده چي هغه لومړنی واحد واقعیت دی او د هغه واقعیت (د الاطلون په نظر) انعکاس او څرگندیدنه په نیانو کي د نیانو د ښکلا سبب کیری .

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی . چي به اوسنیو وختو نو کي دومره زیات په واقع مانانه کارول کیری . عشق په تیرو پیریو کي د بیلا بیلو پوهانو ، صوفیانو ، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کي د عشق د مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنی او تعایلات دری اساسی منبع لری چي له ساه ، عقل او بدن څخه عبارت دی :

چي روح مینه زیږوي ، عقل د درناوی سرچینه ده . او د وجود غوښتنی ، رغبت او هیلی ایجادوی . تر زیاتی انمازی ، د عشق په باره کي د نظر دو مړه بی ځایه نه دی خو پاتې دی نه وی چي دغه مفهوم دیو سوسیا لوچست په نظریو څه نیسی دی او د فلاسفه وپه نظر بل . او دیو صوفی په نظر بل څه دی . خود دوی ټولو په نظر کي یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چي سره ورته والی لری چي د یو انسان د نسی خصلت څرگند وی .

داتیک (اخلاق) او استیتیک (بشکلا بیژندنې) په

برخه کې رول لري .

عشق د کلمې په نوي مانا دا مفهوم لري

چې د انسان سره مرسته کوي چې د انساني

احساساتو څخه د انساني مرحلې په لا پورته

پیلو کې مرسته وکړي .

زموږ د زمانې په هنر او ادبیاتو کې د عشق

انساني اغیزه څرگنده ده .

نو پدې اساس : داسې ډیرې بیلګې وینو

چې په هنر کې د انساني اوچتو احساساتو

څپې کښته پورته کېږي، او انسان ته نوي

دروای اخلاقي سپیڅلتوب ورپه برخه کوي . د

پیسو په دام کې نښتي عشق دانساني عشق

څخه ځانګړې نښې احساسات، عواطف او معنوي

شعري او اخلاقي ارزښتونه چې د عشق له مخې

منځ ته راځي داراښي چې عشق په کومه اندازه

زه یوه داسې سپینه زېږم لکه د توري پر لکه چې

له لیرې وځلیري ، هغوی چې زما دستر گو

بندیان دی په غلطی می په خوله راځي

ددغه وخت انسان د منځنیو پیړیو ټولې

هنکړې غورځوی او ځان خپلواک بولي . ان ښځه

لادکرګواو بدبینیو څخه ځان زغوری او وایی

چې عشق باید یو سپیڅلی او مقدس احساس

وی، عشق او هوس باید یو شی نه وی .

په منځنیو پیړیو کې جنسي عشق فردی خوا

درلوده او په لرغوني دیناکی دواډه کولسو

جنسي عشق ذهني غوښتنه نه ده بلکه یوعیني

وظیفه ده دواډه بنسټ هم نه وو . بلکې دواډه

په اړیکو کې یې یوه منښته اغیزه درلوده . په لرغوني

زمانو کې دغه عشق یوه خوا درلوده . هغه هم د

نارینه په خوا ښځه پدې برخه کې ډیره

سپکیده . . . زموږ د زمانې جنسي عشق د پخوا

وختونو سره توپیر لري ، ځکه چې دنن ورځې

نوي انساني عشق د دواړو خواو خوښی او

رغبت ته اړه لري . پدې اساس چې ښځه هم د

نارینه سره یو شان وبلله شی .

په منځنیو پیړیو دشوالیه وعشق ددی

سبب شو چې د هغه وخت په هنر کې وځلیري .

د منځنیو پیړیو شاعر د هغه وخت دشوالیه

څیره او بشکلا تر سیموې او د بل چاد ارتیني

سره د هغه عشق داسې نښې چې دنورو منځنیو

په ادب هم اغیزه کوي .

په رنسانس کې دجنسي عشق تر ازیدي

عسټی شوی رمټوژولیت دشکسپیر شاهکار

دهغې یوه نښه ده . درومټوژولیت شاهکار داسې

هنري تخلیق دی چې د رنسانس د زمانې د ښځې

اونارینه د عشق خورا گرمی او تودی خبری

دی هغوی د خپل چار په باب په ډیر غرور او

ویاړ سره څرگند ونه کولی . او له هیڅ ډول

خطر څخه ډډه نه کوي . او له دې مطلب څخه

دا هم بریښي چې درنسانس د دورې ښځه

عشق په واقعي مانا پوه شوی وه . او د عشق

مفهوم یې زور درک کړیدی د لرغوني یو نان

دښځې برتله چې هغې یواځې په خوب کې

لیدلای شول دا وخت یې عملا وینی او کوی

یې .

دساری په توګه د هغه وخت په یوه اثر کې

دیوی ښځې له خولی خپل عاشق ته داسې ویل

کیري چې : «زه دوینا ته خپلواکه راغلم ، اوله .

دغه خپلواکي څخه د ګټې اخیستو په خاطر می

ددغه کروندوی شپې ورځې غوره وګڼلې ، ددغه واده

ونې زما ملګری دی . ماته ددی خوږ پارچا وونووونو

درنو ویالو څخه بله غوره هنداره نشته . زه خپل

فکر او بشکلا په دغه ونو او پارچاوونو ویشم



برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

پیشه‌تاز

ایکه آرمان وطن داری بسر
نیست بالا از مقام تو دیگر
ما خروشا نیمو یکجاگردم
پیشتا زان و شتا بان ظفر
دوستان تاریخ رابرگشت نیست
گرچه ره دشوار هست و پرخطر
راه ما کار و شعارماست صالح
هیچ نیست از دشمنان ما را حذر
کارکن و این مملکت آباد کن
تا نیا شی مفت خوار و دریدر
کاروان پیشرو را در سفر
سد نسازد خار و خس در رهگذر
از بهار فیض آزادی نگر
بشکفت گلها به هنگام سحر
بهر آزادی سرو جانم صدا
من کیم؟ پورا صیل کارگر
می نمایم نغمه مستانه سر
می ستایم دهقان و کارگر
این همه آبادی «عادل» از کجاست
جملگی محصول دست کارگر
از: حبیب «عادل»

بوگ پائیز

بر ک پائیزم که از شاخ چنار افتاده ام
شاخه خشک کتونی از برگ و بار افتاده ام
نقد هستی داده ام از کف ز دست روزگار
در میان مردمان از اعتبار افتاده ام
حسن او جوش بهار است، لعل او آب حیات
لیکن دور از همان لعل و بهار افتاده ام
اشکها از دیده حسرت بدمان ریخته
تا که در کوی فراغت بفرار افتاده ام
شعله شمع که سوزانم وجود خویش را
قطره اشک ز چشم انتظار افتاده ام
بر امید آنکه تا برکف بگیرم دانش
در مسیر جلوه گاهش چون لیل افتاده ام
کس بکف آسان نیارد موهو نایاب را
زین سبب در بحر عشقش بفرار افتاده ام

دستگیر نایل

شعر و معنی کهنه

ارمان مردم است

شعر و شاعری نیز مانند بخشهای دیگر هنر
ها مراحل گوناگون تکاملی خویش را پیموده
و ادوار بدوی و انسانی خود را پشت سر
گذاشته و تا مرحله کنونی که بغاظر بر ملا
سا ختن واقعیت ها جان گرفته ، رسیده است
قبلا چنین پنداشتمو گفته میشد که استعداد
شعر گوئی از جانب طبیعت بمشابه تحفه
بی برای انسان اعطا می گردد ، بوجه خاطرنیوت
این ادعا استدلال میشد که یک شخص به یک
روز شاعر نمیشود و حتی مدت زیادی نیز
مشاهده شده است همان شخص با سرودن
شعر چندان علاقه هم نداشت مگر وقتی که
صبح از بستر خواب بر خاسته نه تنها با
سرودن بکنوع از شعر بلکه با ساختن و گفتن
انواع از اشعار آشنایی حاصل نموده است .
عبارت متذکره فوق تا مدت زیادی برای انسان
فناعت بخش بود که البته توام با تکامل و
بیشرفت بخشهای دیگر هنر ها در زمینه یی
شعر نیز نظریات رشد نمود و خود را به
مراحل نو کنونی رساند .

هر آن چیزی را که ما از مشاهدات زندگی
روز مره خویش و یا از تجارب دانشمندان
دیگر آموخته ایم این حرف را تائید میکند
که مردم معمولا در مرحله جوانی خود با
سرودن شعر علاقمندی نشان میدهند ، البته
منظور از سرودن شعر آنجا تنها این نیست
که خویشتن را سر گرم نگه دارند و در قصر
تخیل برای خود مشغولی بی پیدا کنند بلکه
این خواست درونی اوست : چنین مردمانی
زیاد به چشم خورده اند که قبلا نه تنها اینکه
با سرودن شعر بلکه با شنیدن آن نیز علاقه
نمیگرفتند ، لیکن بالاخره تحت تاثیر یک
قوه ناگهانی (که البته آن هم علت خاصی
دارد) می آیند و با نوشتن ابیات دست میزنند
حر فها و کلمات شان وزن پیدا
میکند و حتی گاه ، گاه در جریان صحبت
های عادی خود تفسیر لہجه را احساس میکنند.
شاعر نو نیز نمیداند که تحت تاثیر چگونه
قوه بی در آمده و هدفش از نوشتن شعر
چیست ؟ خود را از مردم نسبتا نا آروم احساس
میکند به این تر تیب در چهار چوب خویش

برای خود یک روش و راه خاص را انتخاب
کرده میباشد ، این حالت بلا وقفه او را
تحریک میکند تا از مردم تجرید و جدا باشد.
برای نو شدن اشعار در دل شب تاریک از
خواب بر میخیزد که این حالت در شعری بزرگ
جهان بنحو خوبی مشاهده میگردد .
باید متذکر شد که در انای نو شدن
اشعار ، در احساس شاعر بکنوع عشق و
محبت عمیق و پایدار خفته میباشد که در
الفاظ عادی و معمولی ارائه شده نمیتواند .
«چایننگ» میگفت (شعر محبت طبیعت را برایم
باز گو میکند تازه می احساسات جوانی را می
ستاند ، تشنگی با شتاب و جدی موسم بهار
را آرام میکند که بالاخره بوسیله احساسات
پساک انسان را بسر آیشده خود
امینوار میسازد، چایننگ که خود یک شاعر
بزرگ بود عقیده داشت که تحریک مهر و
محبت در حرفهای عادی و روز مره افاده شده
نمیتواند بلکه حتی بعضی اوقات ابیات بسیار
جالب و پر از مبالغه نیز نمیتواند که احساس
محبت را به نحو احسن ترسیم کند. چایننگ
متذکر میشود که هیچ کاری مشکل دیگر از
این نیست مثل اینکه یک عاشق برای معشوقه
خویش احساسات خود را تو فصیح میکند .
همین علت است که انسان برای اظهار
نمودن محبت خود به شعر و شاعری روی
می آورد و عشق بغاظر داشته اش او را در
اوقات معین به سرودن اشعار وادار میسازد.
حالت مر موز شاعری در تله دل ریشه های
عمیقی دوانیده و در وقت تسبیح محبت آنرا از
دل بدر میکند .

ولی به سبب اینکه تمام مردم برای شعر گوئی
و آواز خوانسی و نوازندگی و
سقی آواز خوب و استعداد مناسب ندارند
لذا در کار خود پیشرفت نمیتوانند و آهسته
آهسته از آن دست بر میدارند .
از بحث فوق به این نتیجه میرسیم که
شعر زاده محبت و خواست پایدار طبیعت است
که تشریح عالی روحی مو چودات زنده بشمار
میرود .

مژده

ای چلچراغ شرف
ای آسمان صاف
ای خالک مرد خیز
ای توده های پرغم و پررنج و پر امید
دیگر تمام شد
دیگر تمام شد
دیگر طلسم ظلمت شبها شکست

وباز

دنیا برای مردم ما گلستان شد
این مژده بشنوید
که آغاز زندگیست
آغاز تاب نا کتر از صبح نوبهار
آغاز نور بیز
آغاز روشنی
آغاز انقلاب
آغاز با صلابت و سنگین و پر وقار
آغاز کار زارشر یفانه و شدید
برضد فتنه گر
برضد زور گوی
برضد بهره کش
برضد آنکه بود به خالق همچو

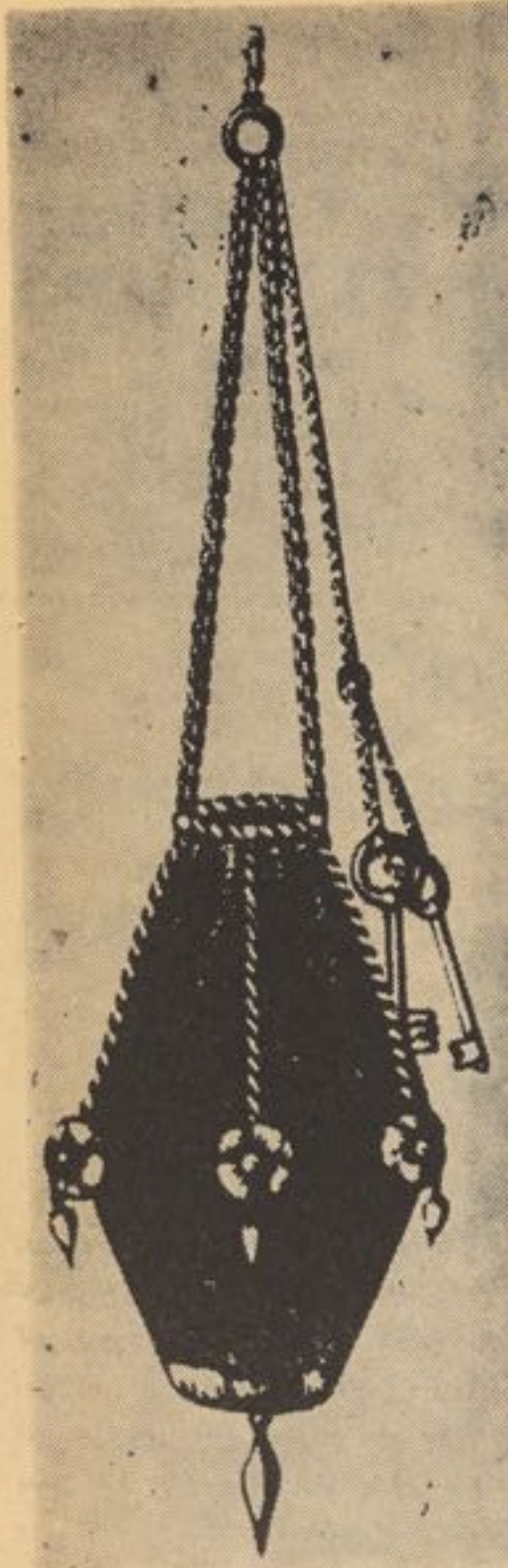
اژدها

این مژده بشنوید
ای مردمان شهر
ای ساکنان ده
در ژرف دره ها
دیگر تمام شد
دیگر تمام شد

وباز

دیگر طلسم ظلمت شبها شکست
دنیا برای مردم ما گلستان شد.

آیا میدانید که دستکول از کدام زمان رواج داشته است؟



هاتوجه خاص مبذول میشد و به همین خاطر این نوع انبیا از جمله اجناس قیمتی و باارزش شمرده میشد که مورد علاقه ی زیاد زنان قرار داشت . از همین رو وقتی مردی به زنی هدیه و تحفه گرانبهایی میداد حتما در پهلوی آن یک یا چند دستکول می بود و این خود می رساند که در آن روز کار این نوع دستکول ها چقدر با ارزش بود . بهر حال این دستکول های این خورچین ها آرام ، آرام نظریه شرایط وقت و زمان شکل و فورم خود را تغییر داد و بیشتر به ظرافت و زیبایی آن افزوده گشت که مورد علاقه ی و پیسنده خاطر زنان قرار گرفت ، همین امر باعث شد که دستکول ها از شکل مردانه آن خارج گردید و بیشتر فورم زنانه یافت که زن ها لوازم آرایش و پول و بعضی جواهرات خود را در آن می گذاشتند . که البته امروز هم زنان به همین منظور از دستکول استفاده میکنند .

در آن روز کار عده از زن ها که می خواستند از سواپله های مورد علاقه و نظر شان ابراز قدرانی نمایند با دادن خورچین بصورت هدیه و تحفه ابراز محبت میکردند . بهر حال این خورچین ها در طول مدت زمان نسبتا درازی انکشاف قابل ملاحظه یافت و از شکل کلاسیک و قدیمی خویش که بیشتر برای مردها مورد استفاده بود خارج شد و یکی از وسایل ضروری زن ها قرار گرفت .

این تحول باعث شد که مرد ها دیگر کمتر از دستکول یا خورچین استفاده کنند و جای آنرا جیب های بزرگ و فراخ گرفت که معمولا در لباس های آن وقت جاداده میشد . اما برعکس خانم ها از دستکول های کوچک و خیلی ظریف دستی که بیشتر برای نگهداری پول و جواهرات بکار می رفت استفاده میکردند .

در قرن ۱۸ و ۱۹ باز هم تغییراتی در ساختمان

دستکول های ظریف و زیبا که در آن عصر رواج داشت استعمال کنند . در همین آوان که بازار دستکول ها رونق فراوان داشت یکنوع دستکول های یونانی رواج پیدا کرد و هر خانم در آن روزگار بخاطر اینکه زن مشخص وزن روزمره می شود . حتما از این نوع دستکول با خود حمل میکرد ولی عمر این دستکول ها کوتاه بود ، و جای آنرا انواع دیگر دستکول ها گرفت . پس از سپری شدن قرن ۱۹ تغییراتی زیاد در ساختمان درونی و بیرونی دستکول ها رونما گردید این تغییرات نه تنها در شکل ظاهری آن محدود نمائند بلکه در جنسیت آن نیز تحولاتی پدید

بقیه در صفحه ۴۴



دستکول ها رونما گردید و انکشاف بیشتری یافت . این باعث گردید که زن ها به آن علاقه ی زیادی نشان بدهند و بیشتر از گذشته به آن تمایل کردند اما با آنهم دستکول های گذشته از چشم نه افتاد و ارزش سابق خود را از دست نداد دستکول های که در قرن ۱۸ و ۱۹ رواج پیدا کرد نسبت به گذشته ظریفتر و گشتگر گردید . این امر باعث شد که زن ها در پهلوی لباس های فیشنی آن وقت حتما



کدام بهتر نیست و از شما هم نخواستیم ایم که در این باره جواب دهید ، در این جا مقصد از معلوماتی است درباره سیر تحول و انکشاف دستکول ، خورچین ، توبره و یا هر نامی که داشته است میباشد .

تاریخچه دستکول یا سببه آن یعنی چیزی که خانم ها ضروریات شان را در این آن می گذارند از خیلی قدیم یعنی تقریبا از هزار سال قبل از امروز رواج داشته است . سواپله های اروپا که خیلی توجه در قسمت لباس خود داشتند و دایم میکوشیدند تا لباس های زیبا بپوشند آنها در پهلوی این لباس های زیبا معمولا خورچین یا یک نوع دستکول با خود حمل



میکردند . البته باید متذکر شد که دستکول و یا خورچین که آنها بکار می بردند به شکل دستکول های امروزی نبوده . این دستکول ها توام با یکنوع کمر بند که در آن شمشیر و یا بعضی آلات دیگر آویزان بود مورد استفاده قرار میگرفت اما زن ها در آن زمان یکنوع دستکول را با خود حمل میکردند که بیشتر به خورچین های امروزی شبیه بود در همین آوان بود که رقابت میان سواپله ها هم چنان میان خانم ها برای داشتن دستکول بالا گرفت و هر یک میکوشیدند که دستکول بهتری نسبت به دیگری داشته باشند . برای سواپله ها مردان جنگی این دستکول ها بیشتر حیثیت یک آله حربی بشمار میرفت و از همین رو در بین این نوع دستکول ها انواع کارد ها ، قلم ها ، چاقو ها و بعضی دیگر از آلات حربی آن وقت دیده میشد . در این زمان در قسمت ساختن این نوع خورچین ها و دستکول

بنظر شما کدام یک راحت تر و بهتر است ، داشتن یک جیب فراخ و آزاد و یا دستکول و خورچین و یا امثال آن ؟ شاید بحث و مناقشه روی این موضوع بیپوده باشد . ممکن است مردها بگویند که جیب فراخ و آزاد بهتر از یک دستکول باشد شاید خانم ها عقیده غیر از این داشته باشند و در نظر آنها داشتن یک دستکول بهتر از یک جیب است و ممکن حق بجانب هم باشند زیرا خانم ها چیزهای با خود حمل میکنند که از گنجایش یک جیب بدور است . بهر حال موضوع این نیست که کدام یک بهتر است و

کمبایی جهت حفر چاه های عمیق مهارزدن دریا های خروشان، پلاک کاری چاه ها و کاریز ها جهت توسعه بسترسیز و انکشاف و توسعه زراعت و همچنان تهیه آب آشامیدنی برای مردمان کنار سبزه ها و روستاهای دور در کشور های عقب نگه داشته شده نموده اما با آنهم باسیطره نظامهای غیر انسانی، کمک های ملل متحد نقش بر آب گردیده است .

مکروبها و اختراع ادویه ضد آنها بوجود آمده است ، به شناخت مکروب های عدیده ای که در آب آلوده زندگی میکنند آشنایی کامل پیدا نموده و تدابیری نیز برای جلوگیری از نشو و نمای مکروبها و پلاک سازی آب اتخاذ شده و در کشور های مترقی چنین پرابلم حل گردیده است ولی در معالک عقب مانده که هنوز اکثریت مردم از نعمت سواد محروم اند و در جاهایی زندگی



اینهمه طریقه دیگری از استحصال آب در یکی از محلات بنگله دیش .

پرابلم های عدیده در سر راه زندگی مردم این کشورها هنوز قرار دارد که هر کدام عوامل پرتاثير در عقب مانگی آنها از کاروان

می کنند که یا اصلا کم آب است و یا آب آلوده میباشد که نسبت مشکلات اقتصادی ناشی از استعمار و امپریالیزم غرب و بغاوت رفتن سرمایه های ملی آنها بدست امپریالیزم ، حکومت های آنها توفیق نیافته اند تا پرابلم کمبود آب نوشیدنی و حفظ الصحه محیطی را حل نمایند در این کشورها اطفال از فقدان آب و غذا تلف می شوند و خانواده های زیادی دچار مشکلات ناشی از کمبود آب میباشد که متاسفانه موسسه ملل متحد نیز نتوانسته است مشکلات مردم را از ناحیه آب مشروب صحی ، و حفظ الصحه صد فیصد حل نماید ، زیرا تا وقتیکه خود مردم این کشورها از نعمت سواد برخوردار نگردند و به پای خویش نایستند و عوامل عقب مانگی را از میان نبردارند هیچ قدرتی نمی تواند که بصورت کامل وفوری توده ها را مستضعف جهان را از فشار های ناشی از کمبود آب و غذا نجات دهد .

موسسه ملل متحد و موسسات خیریه جهانی در راه توسعه کشور های عقب مانده طی تقریبا ربع قرن اخیر بتقاضای کشورهای مترقی جهان



در گذشته ها که تعداد نفوس جهان کم بود و چشمه ها، کاریز ها، آب دریا ها و حتی آبهای زیرزمینی بحالت طبیعی بودند برای نوشیدن بشر آنها را متکا تف ساخته بود برای نوشیدن مطمئن تر از آبهای جاری امروز بودند .

در عصر حاضر که بشر به ترقیات مزیدی نایل آمده و ماشین های خورد و پزرد جهت تشخیص آب عنصر با ارزش است که نه تنها برای آشامیدن قابل استفاده است بلکه برای شست و شو نیز از آن استفاده ۱۹۴۰ میل می آید .

آب یازندگی؟! از : قسیم رهروان

چگونه میتوانیم از آلودگی آب

جلوگیری کنیم؟

چرا آنها کثیف میشوند؟

تک-اثف نفوس و مساله آلودگی

آب ... ؟

در سطح پایین قرار دارد . امروز اگر از یک طرف نود و ستان کشور های پاسدار رفاه و سعادت توده های محروم و عقب مانده برای بلند بردن سطح زندگی جوامع عقب نگه داشته شده که نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی آنها میراث شوم امپریالیزم جهانی است ، می کوشند از سوی امپریالیزم جنگ طلب با اختراع و بمیان آوردن سلاح های پیشرفته کیمیاوی و اتمی در بحر و بر باعث آلودگی آب و محیط زیست می شوند که حتی برای ماهی ها و سایر حیوانات آبی در ابحار عرصه زندگی تنگ شده می رود .

تهیه آب برای تنظیف محیط زیست و پلاک سازی آب از آلودگی ها برای نوشیدن ، مساله ای است که از بدو پیدایش بشر بر روی زمین در سر راه انسان قرار داشته و انسانها همیشه کوشیده اند تا از آب پاک و صاف استفاده نمایند ولی پاک و نا پاک آب تنها به بسی بویی رنگ و بوی بدهد و انسان تشخیص نداند نمیتواند و تجربه نشان داده که در هر لیترا پلاک هزاران مکروب زیان آور موجود بوده و نوشیدن چنین آب باعث بروز امراض و حتی سبب تباهی انسان ها می گردد .

در گذشته ها که تعداد نفوس جهان کم بود و چشمه ها، کاریز ها، آب دریا ها و حتی آبهای زیرزمینی بحالت طبیعی بودند برای نوشیدن بشر آنها را متکا تف ساخته بود برای نوشیدن مطمئن تر از آبهای جاری امروز بودند . در عصر حاضر که بشر به ترقیات مزیدی نایل آمده و ماشین های خورد و پزرد جهت تشخیص

آب سبب ادامه زندگی حیوانات و نباتات در روی زمین است و بدون آب هیچ زنده جانی نمی تواند زنده بماند ، آب در طبیعت با اندازه کافی موجود است و از قدیم آب با اندازه ای در روی زمین از ترکیب دو عنصر آکسیجن و هایدروجن بوجود آمده است مقدار آب سالانه در بعضی نقاط جهان بیشتر بمشاهده می رسد و در برخی نقاط هم خشکسالی هایی رونمایی گردد ولی همانطوریکه کثیف مقدار آب در طبیعت نه کم می شود و نه زیاد بلکه بشکل بخار و ریزش باران در بعضی سالها منطقه ای را سیراب می کند و گوشه ای دیگری را دچار خشکسالی های طاقت فرسای می سازد که حیات را برای انسان هادشوار می گرداند .

نباتات و اکثر حیوانات از هرگونه آبی که شور نباشد برای دوره حیات شان می توانند استفاده نمایند ولی استفاده انسان از آب با انفجار نفوس در جهان مشکل تر شده می رود یعنی همانطوریکه آب باعث ادامه زندگی انسان است گاهی خطرناک ناشی از آلوده بودن آن جان انسان را می گیرد و باعث شیوع امراض گوناگون در بین توده های وسیع متوطن در منطقه می گردد :

باید گفت که انسان خود باعث آلودگی آب در روی زمین شده است و با انفجار نفوس و فابریکات تولیدی متنوع و توسعه شهر ها امروز در کنج و کنار دنیا آب آلوده شده می رود و پلاک سازی آن پرابلمی است که در کشورهای عقب نگه داشته شده حل آن فعلا مشکل است و در پلاک کشور های عقب مانده با آب کافی بدسترس مردم قرار ندارد و یا اگر دارد، آلوده است که در چنین مناطق مرگ و میر زیاد بوده و عمر افراد



بتوانند مشکلات عدیده صحتی شانرا بر طرف سازند.

بر مردمان محروم کشور های امپریالیستی و مردمان عذاب کشیده سراسر جهان است تا بیش از پیش متحد گردند و راه را برای بهتر استفاده کردن از آب و هوای محیط زیست شان هموار گردانند. مردمان کشور های روبه انکشاف که سالیان متعادی مورد تجاوز امپریا - لیزم قرار داشتند اکنون حق دارند که بقایای امپریا لیزم را از عرصه کار و پیکار انقلابی شان برای رسیدن به زندگی بهتر که آب آشامیدنی صحتی و آب کافی برای زراعت و سرسبزی است نابود سازند و خود با دست خویش و به مساعدت دوستان واقعی شان نیاز مند یهای شانرا بر آورده سازند که موسسه ملل متحد طی ده سال آینده بهترین مشوق و کمک کننده آنها در بر آورده شدن این مامول بزرگ خواهد بود. مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و به ویژه مرحله نوین و تکاملی آن موانع را از سر راه پیشرفت و انکشاف شان برداشته اند و در روشنی انقلاب ملی و دموکراتیک خویش در پیروی جیش های اقتصادی دیگر بسوی آبادی و سرسبزی کشور و تهیه آب آشامیدنی صحتی به پیش میروند طی ده سال آینده مشکلات ناشی از کمبود آب آشامیدنی صحتی را که میراث شوم نظامهای فرتوت گذشته است رفع می سازند.

از آنجا که مردم کشورها آرزوی آبادی و رفاه و سعادت مردم آنها دارند از انقلاب ثور که متضمن و پاسدار این آرزو مندی شان است چون مردمک چشم حراست بعمل می آورند و موانع را از سر راه خویش بدور ساخته در تامین نیاز مندی مردم خویش از ناحیه آب-آشامیدنی صحتی و تامین حفظ الصحة محیط، همت می گمارند مادر حالیکه پروگرامهای نافع و سودمند موسسه ملل متحد را در زمینه تهیه آب برای ده سال آینده بدریده فراموش نگریزم امیدواریم تا این پروگرام موسسه جهانی جامعه عمل ببوشد و نیاز های عدیده مردمان گنج و کنار جهان را از این ناحیه بر آورده گرداند.



در کشور تا یلیند مساعی زیادی در جهت تهیه آب آشامیدنی بخرچ داده میشود.

ترقی و تحولات اجتماعی جهان می باشد. از آنجا که آب در حیات انسان نقش بزرگی دارد و رعایت حفظ الصحة محیطی و پاک سازی آب از میکروبها طول عمر و نشاط انسان را تضمین می کند.

موسسه ملل متحد دهه بعد از سال ۱۹۸۰ را بنام تهیه آب آشامیدنی برای مردم نامیده و این اقدام نیکوی ملل متحد یکبار دیگر این یگانه مرجع اعمال و آرزو های مردمان عذاب کشیده را در برابر یک آزمون بزرگ تاریخی قرار میدهد که موسسه مذکور ناچه حد می تواند در پروژه های آب آشامیدنی و توسعه بستر سبزی در کشورهای عقب نگذاشته شده و بلند بردن عمر وسطی در کشور های روبانکشاف به پیروزیهای نایل آید. جای تردید نیست که بیشتر از همه جهان ما امروز به صلح نیاز دارد، هرگاه تجاوزات امپریا لیزم جهانی بر کشورهای عقب مانده جهان قطع گردد و امپریالیستان چشمان آزمند شانرا به نروتهای طبیعی این جوامع نموزند و اسب لجام گسیخته امپریالیزم توسعه طلب مهار گردد، کشورهای ضعیف به کمک موسسه ملل متحد جهان مترقی و دیگر موسسات خیریه می توانند مشکلات ناشی از کمبود آب صحتی را نیز برای ادامه حیات و زندگی بهتر حل سازند:

امروز از طرف کشور های امپریالیستی بلیارد هادالر صرف تسلیحات ستراژیکی و اسلحه ذروی می گردد و ملیارد های دیگر را برای تجاوز به خاطر تامین منافع امپریالیستی شان در نظر میگیرند که هرگاه توسعه طلبان و سلطه جویان این مبالغ هنگفت را در راه تامین رفاه مردمان محروم خود شان و مردم عقب مانده کشور های روبانکشاف صرف نمایند بدون تردید پول و دارایی که ثمرکار ملیون هازمکتش است در راه تامین رفاه و سعادت انسان بمصرف میرسد.

امروز دگر وقت آن نیست که مردمان کشور های عقب مانده و مردمان تحت ستم متوطن در کشور های امپریالیستی لباس قناعت را در بر کنند و بلعین لروتهای شانرا از طرف انحصارات امپریالیستی تماشا نمایند. اکنون وقت آنست که موسسه ملل متحد صلح جهانی را تامین کند و نظم نوین اقتصادی را جاگزین نظم کهن و پوسیده گرداند تا مردمان تحت ستم

خطوط
و چو
سا
که
نظر
بشنا
آورد
مندا
مقام
ا
نگاه
زیبا
می
آن

خط دوری جزء مهمی از فرهنگ ملی ما محسوب میشود و به همین سبب است که در این باره جرو بحث ها و گفتگو های زیادی با استادان فن صورت گرفته و هر يك به نوبه خود نظریات مختلفی ارایه کرده اند . و در مورد تاریخچه و زیبایی خط ها مخصوصاً خط نستعلیق که زیاد طرفدار دارد صحبت کرده اند . اینبار بد نیست از جوانان ، از آنانیکه در آغاز کار قرار دارند نظر بخواهیم و بینیم این قشر دینامیک و فعال جامعه ما چه گفتنی های در این باره دارند از شفیق یما عاقل محصل صنف دوم پو هنخی انجنیری پو هنتون کابل که در هنر خطاطی ذوق و مهارت دارد و نمونه های خطش از بختگی و زیبایی زیادی برخوردار است می پرسیم

استاد میر عماد خط نستعلیق را بسط و توسعه بیشتر داد و در این قسمت او شیوه بخصوص را تعقیب میکرد و در زمان همین استاد بود که خط نستعلیق را عروس خط ها میداند نهند . در همین اوان بود که آوازه و شهرت او نه تنها در کشور ما پیچید ، بلکه در بسیاری از ممالک اسلامی پخش گردید ، امسرا و صاحبان ذوق با داشتن يك یا چند قطعه از خط این استاد افتخار میکردند و آن را به منزله گنج گران بهای نگهداری می نمودند .
* آیا خطاطی را هنر میدانید ؟
چرا ، نه ، بنظر من خطاطی همیشه و در همه حال يك هنر بوده و در آینده نیز خواهد بود ، وقتیکه ما بسیاری چیز های دیگر را هنر میدانیم و سازنده آنها هنرمند خطاب میکنیم

خط با تکامل بشر انکشاف یافت و از حالت ابتدایی بیرون گشت

خط زیبای دوری با تمام اساسات آن مرهون خطوط گذشته است

خطاطی ، يك هنر است ، هنر والا و باارزش .

هر چیز يکه زیبا باشد و طرف قبول مردم ، هنر است

خط های مدرن امروزی بیشتر مخلوطی از نقاشی و خطاطی است

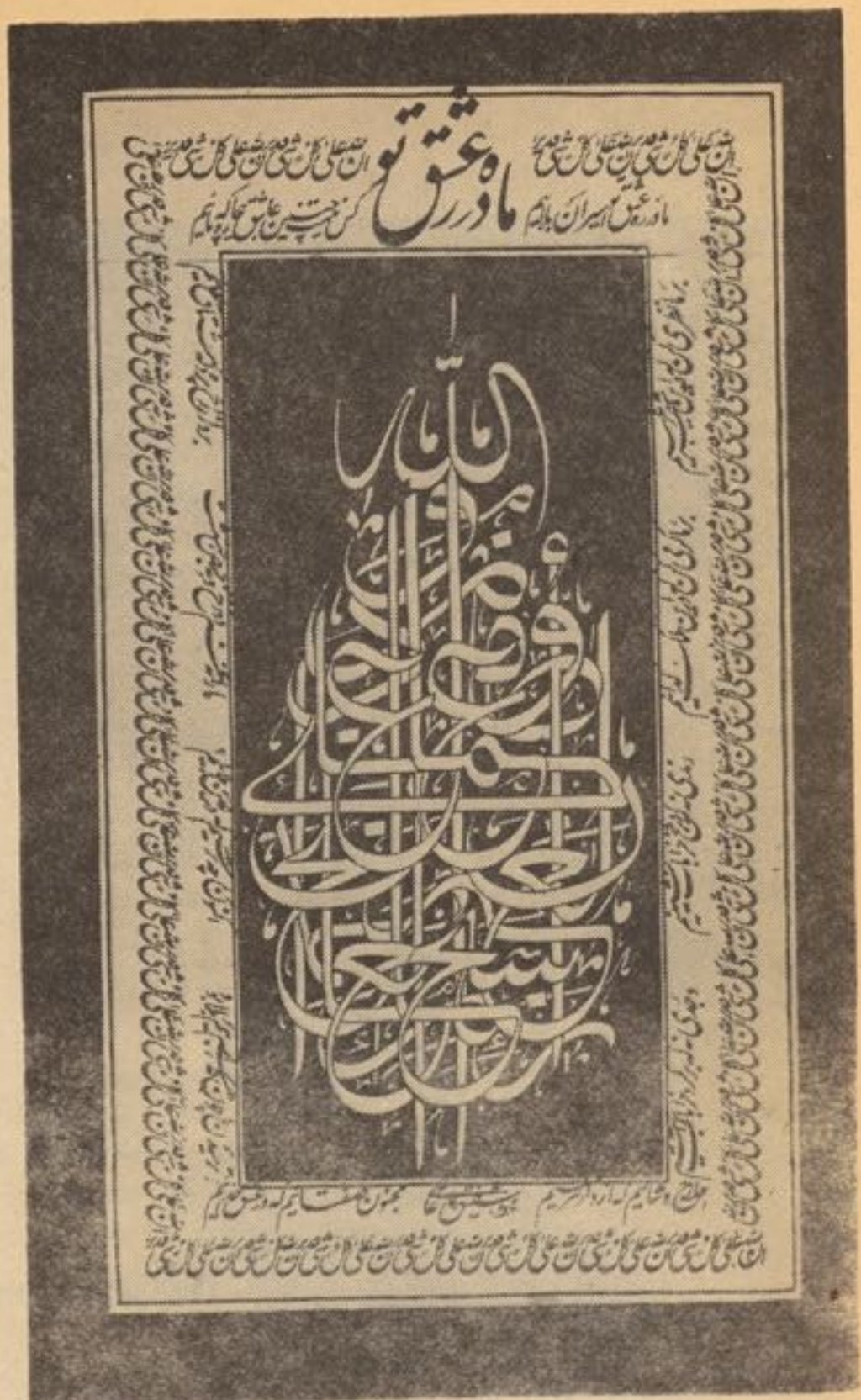


و اولین سوالم را در مورد تاریخچه این هنر دیرپا از او میکنم ، میگوید :
اگر استنباط نکنم خط با پیدایش بشر ایجاد گشت ، اما آن خط به شکل خط امروزی نبوده بلکه صرف خطوط و اشکالی بود ، که بشر آن وقت یا بهتر است بگویم جامعه آن زمان با آن سر و کار داشتند .
اما از این حقیقت نباید بگذریم که اساس خطوط امروزی همان خط های کج و معوج و اشکال دیروزی است پس خط زیبای امروزی با تمام اساسات آن مرهون خطوط گذشته است ، و در اثر تکامل بشر خط نیز انکشاف یافت و تکامل نمود و از حالت ابتدایی بیرون گشت .
و اشکال مختلف خط بو جود آمد ، که هر کدام آن در جایش بر خور دار از زیبایی است .

شفیق یما خطاط جوان و با استعداد .

چرا هنر خطاطی را که واقعاً هنر ارزنده و گرانبهائی است هنر تکوینیم ، باید بگویم که غیر از این که خط برای نوشتن و کتابت بوده ، همیشه قطعائی زیبای از خطاطان زیبا و زینت منزل بوده است و بسیاری از کسانی که این قطعات را داشته اند با آن میا حات میکنند .
شما شاید آبادات قدیمی و تاریخی را در هرات و غزنی و بلخ و در دیگر شهر های کشور مان دیده باشید ، چرا در این ساختمان ها خطوط بکار رفته ؟ ، آیا بکار رفتن ایسن قانون خاص در آمد .

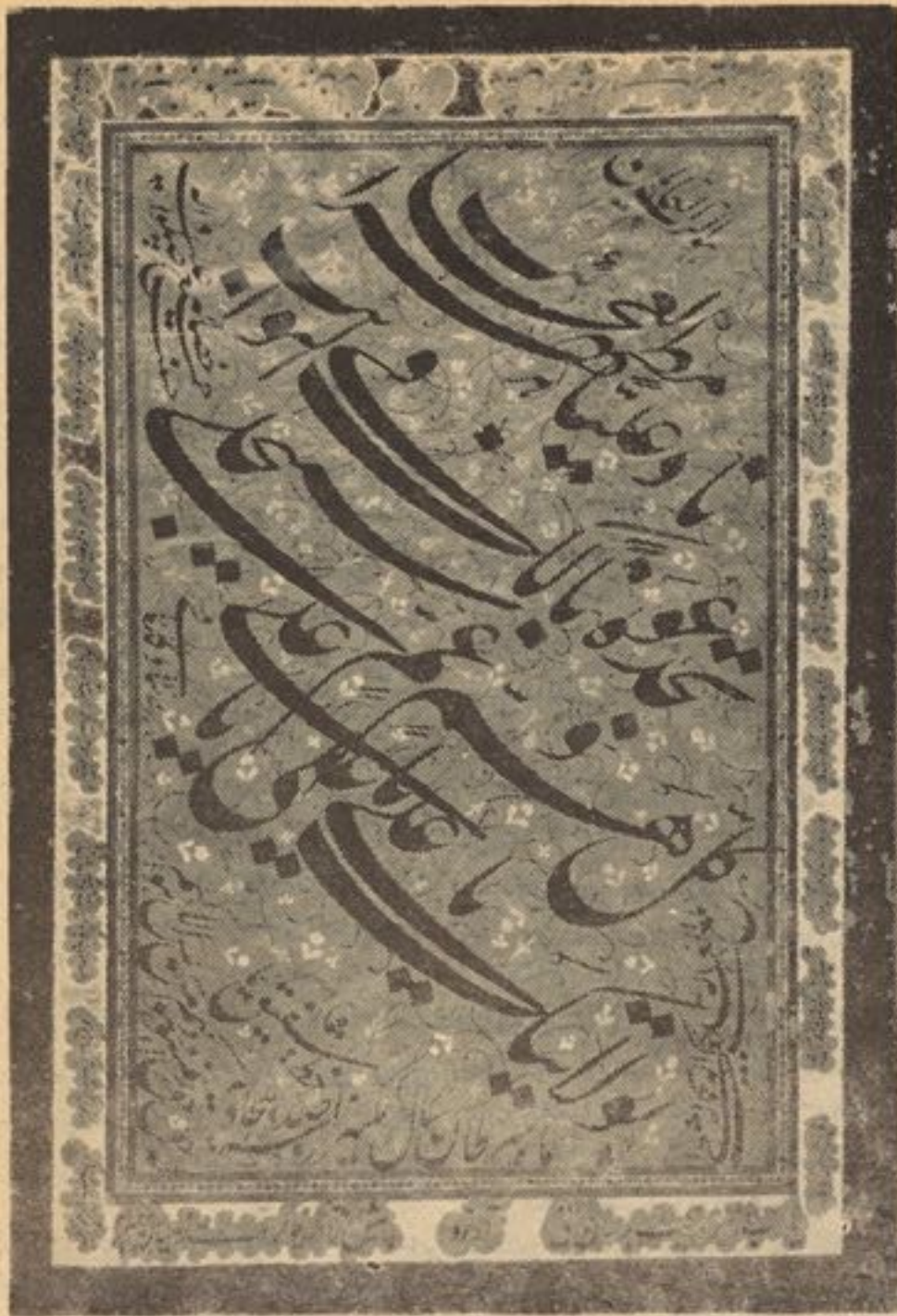
* اولین خط که دارای قاعده کلی بود ، کدام خط بوده است ؟
اولین خط ، خط کوفی بود که دارای اسلوب خاص و قواعد خاص بخود را داشت . بعداً خط تعلیق و خطوط دیگر مانند خط نسخ ، ریحان ، محقق ، مشجر ، توامان و غیره بوجود آمد ، پس از مدتی استادان آن زمان از یکجا نمودن خط نسخ و تعلیق ، خط زیبای نستعلیق را بو جود آوردند . این خط ابتدا توسط میر علی تبریزی به میان آمد و بعداً میرعلی هروی آن را انکشاف داد و تحت قاعده و قانون خاص در آمد .



نمونه یی از خط یما



این هم نمونه یی از خط شفیق یما که به شیوه خاص نوشته شده است .



قطعه خط زیبای به شیوه نستعلیق .

خطوط حتمی و لازمی بود . من میگویم که خیر وجود این خطوط صرف بخاطر تزئین و زیبایی ساختمان بکار رفته ، پس این می رساند ، که خط از خود زیبا بی های دارد که در یک نظر انسان میتواند آن زیبایی ها را ببیند و بشناسد . و آنایکه این خط ها را بوجود آورده اند و زاده اند کی ها اند ؛ طبعاً هنرمندان ما نند سایر هنرمدان و شاید هم مقام بر جسته داشته اند . امروز اگر شما به کتاب های خطی قدیمی نگاه کنید درحواشی این کتاب ها نقاشی های زیبای از هنرمندان ورزیده آن روزگار را می بینید که دربین آن ها قطعه خط ، ازخطاط آن وقت در آن درج است .

هما نظریکه دیگر هنر ها با هم مر تبطاند . خطا طی و نقاشی نیز با هم ارتباط نزدیک دارد .

* آیا يك نقاش خطاط خوب شده میتواند ؟

بجواب این سوال باید بگویم که بلی يك نقاش خطاط خوب شده میتواند اما نه خطاط خوب و ورزیده که کارش از یختگی و زیبایی دلالت نماید .

در مورد خط های مدرن چه نظر داری ؟

بهر است نام این نوع خط هارا نقاشی بنامیم زیرا این خط ها بیشتر رسم میشوند تا خطاطی . اما نباید منکر زیبایی بعضی از این نوع خط ها باشیم زیرا نیاززمانه است و اجتماع ما نیز تنوع پسند اند .

* آیا این نوع خط ها را هنر می نامی و



نمونه بی از خط سیاه مشق .

بعیث هنر میشناسی ؟ هر چیزیکه زیبا باشد و طرف قبول مردم بنظرم هنر است . پس هر چیزیکه مورد پذیرش باشد هنر است ؟ من این طوری نگویم ، هر چیزیکه زیبا باشد و طرف قبول باشد هنر است .

نمو نه خط بنام سیاه مشق وجود دارد که بسیاری آنرا فاقد زیبایی میدانند ، نظرت در این مورد چیست ؟

آنایکه این طور تصور میکنند اشتباه می نوبند ، برای يك خطاط سیاه مشق همان

* در بعضی از نمو نه های خطا طی ، یکنوع

بقیه در صفحه ۴۴



چرا آن نقاش ، این همه زحمت بسرای کشیدن اطراف خط کشیده است ، بخاطراینکه آن خط واقعا زیبا بوده و نقاش دانسته است که چقدر اثر با ارزش و گرانبهای میا شد . شاید کسانی که برای اولین بار این اثر را می بیند بیرسد این قطعه را ، یا این کتاب را کی نوشته است اما نمی پرسد که اطراف آنرا کی نقاشی نموده ، و این خود می رساند که چقدر زیبایی در خط در می وجود دارد . پس خطا طی يك هنر است ، هنر والا و با ارزش و خیلی هم با ارزش .

* در مورد ارتباط خطا طی با نقاشی نظرت چیست ؟

موضعگیری زنان

اساس عمده در آن میناق درج شد که عبارت است از :

- ۱- پرنسیپ رضایت جانبین در ازدواج.
 - ۲- حداقل سن ازدواج.
 - ۳- ثبت ازدواج از طرف مقامات ذیصلاح.
- همدین سال در ورای گزارشات و تصامیم مورد نظر شورای اقتصادی و اجتماعی سه موضوع آتی که مسایل ارتباطی را با حقوق و موقف زنان مرتبط و منسجم می ساخت تحت مطالعه و مذاقه قرار گرفت :

- ۱- موقف زنان .
 - ۲- معاونت های ملل متحد جهت ترقی زنان در کشورهای روبه انکشاف و عقب نگه داشته شده.
 - ۳- مسایل مربوط به تکثیر و ازدواج نفوس .
- این سه اقدامات به خاطر آن صورت گرفته که در بسیاری از کشور های جهان زنان در امور خانوادگی مثل مردان حقوق مساوی ندارند و در عده از مالک هم وقتی زن ازدواج کرد حق کنترل و تملک را بر ملک و دارایی شخصی خود ولو که محدود و ناچیز هم باشد از دست میدهد و حتی نفسی هم بر راحت نمی تواند کشید .

مزید بر آن تحت چندین نظام حقوقی در اکثر کشورهای زن در حصه تربیت فرزند خود حق اظهار رای و نظریه را ندارد و حتی بعد از مرگ شوهر هم حق و صایت طفل خود را نمیدانسته باشد و از حق مسکن و مالکیت خانه نیز محروم می گردد. لذا « کمیسیون مقام زن » بعد از مطالعه وسیع و عمیق مقام زن ، تحت قوانین خانواده و تملک چندین مملکت توصیه نمود که باید حکومتها بکوشند تا حقوق مردوزن طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر مساوی گردد .

مساله حمایت طفل و مادر:

در زمره سایر اقدامات دستجمعی بسوبه جهانی ، موضوع حقوق اطفال و مادران در سرتاسر دنیای ما از نظر اتخاذ تجاویز ملل متحد نیز مکتوم و مستور نمانده و بدان طور نظری و عملی ارج گذارده شده است چنانچه در رساله ای که تحت عنوان « ملل متحد و آنچه درین باره باید دانست » و در سایر نشرات آن سازمان بین المللی چون آمار ارزنده ای که برای مردان ، زنان و اطفال نوشته و منتشر شده است ، تذکر یافته است که : تصویب کنوانسیونها و سفارشات هابه سال ۱۹۵۳ راجع به حمایت مادران ، دنباله کنوانسیون های سال ۱۹۵۲ بشمار میرود ولی

در حقیقت موسسه حمایه طفل و مادر (یونیسف) یک موسسه بی بود که در مرحله نخست برای برآوردن احتیاجات فوری اطفال اروپایی بعد از جنگ عمومی دوم طور اضطراری بوجود آمد . ولی بعدا بصورت یک موسسه دائمی به نفع همه اطفال و مادران دنیای معاصر تشکیل و تبارز کرد . سرمایه این موسسه از مدرك پرداخت سهمیه دول عضو ملل متحد بوجود آمده و اهداف عمده و وظیفوی اش عبارت از امانت داری و معنوی برای کلیه اطفال جهان ارزیابی شده است .

بنحویکه تمام امور مربوط آن تحت نظر مجلس اقتصادی و اجتماعی تحقق می پذیرد و هر سال برای بیش از هفت میلیون طفل و مادر کمک و مساعدت های مقتضی را بعمل می آورد .

سال بین المللی زن:

طی سالهای اخیر یکی از اقدامات موثر ملل متحد آن بود که با انعقاد بیست و چارمین جلسه مجمع عمومی در سال ۱۹۷۲ « کمیسیون بررسی حقوق و مقام زن » با مطالعه پس منظر موضوع و رعایت این مساله که از نخستین برگزاری جلسه آن در سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۷۲ بیست و پنج سال می گذشت و هم سال ۱۹۷۵ نقطه عطفی وسط دهه دوم انکشاف بین المللی ارزیابی و تثبیت شده

بود ، لذا سال ۱۹۷۵ بحیث « سال بین المللی زن » تشخیص گردید و بسه اساس صدور قطعنامه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۲ این مراسم در سال ۱۹۷۵ بسوبه بین المللی در سراسر جهان (بشمول افغانستان) تجلیل گردید .

و شعار « برابری ، انکشاف و صلح » اساس و سالوده پروگرامهای مطروحه آن سال قرار داده شد و پیرامون اهداف و نکات آنسی مباحث جامعی تحقق پذیرفت و تصامیمی اتخاذ گردید .

الف - تسویق اصل برابری و مساوات بین زن و مرد .

ب- سهمگیری کامل زنان در فعالیت های انکشافی .

ج - شناسایی نقش و اهمیت زنان در تقویت صلح جهانی کمیسیون مذکور که تا سال ۱۹۷۵ دارای سی و دو عضو بود و مرکب از نمایندگان کشور های افریقایی ، آسیایی ، امریکای لاتین ، اروپای شرقی و اروپای غربی می باشد و از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای یک دوره چهار ساله برگزیده میشوند وظایف خود را به همکاری دول جهان موفقاته بسر رسانید ولی با آنهم میرمن « هلوی ال ، سیلا » معاون منشی کمیسیون رشد اجتماعی و مسایل انسانی موسسه ملل متحد ضمن صدور و ارسال پیام فوق العاده به خاطر سال جهانی در ۱۹۷۵ موضوع عدم تساوی موقف زن و مرد را از نگاه جهانی بینی واصل پرنسیپهای مرتبط آن چنین تحلیل و انتقاد کرد که :

« سالون شکوه مند مجمع عمومی ملل متحد

همیشه جای برگزاری دیدار های متعددی به خاطر گفتگو و بحث روی مسایل مهمی که طی آن راه دشوار گذار رسیدن با اهداف و اصلهای سازمان ملل متحد هموار گردیده بوده است . اما در زیر سقف آن نمایندگان فلیلی از زنان حاضر بوده اند . ولی امسال این حادثه بسیار مهم و براننده ایست که گروهی از زنان برای اولین بار زیر سقف سالون مجمع عمومی در ماه فبروری برای گفتگو در مورد نقش زن پیرامون رشد نفوس گرد آمده اند . هرچه این جلسه شکل یک جلسه سیاست سازی را نداشته ولی برای اولین بار در تاریخ بشری زنان از طرف یکصد و هشت حکومت مختلف جهت و رودبه موسسه ملل متحد و مباحثه و ساختن توصیه نامه ها روی مسایل بسیار عمده آینده بشریت ، نامزد شدند .

سیس میرمن « هلوی ال ، سیلا » میسرده که چرا زنان در جلسه های پیشین شرکت ندا شتند ؟

آنگاه خودش حقایق را چنین ارزیابی کرده و با سخ میدهد که :

« طی سی سال گذشته در ترکیب هیاتهای شرکت کننده دگرگونیهایی چشمگیری پدید آمده که این امر راه پیشرفت را در مورد تطبیق پرنسیپها و اصل های منشور آن سا زمان که حقوق مساوی و مساوی لیتسای مساوی همه افراد را بدون در نظر گرفتن اختلاف ، خواهان میباشد ، به میان آورده است . وی می افزاید که :

« افزایش در تعداد اعضای آن سازمان از (۵۱) به (۱۳۵) ، بکار بردن پنج زبان که در آینده یکی دیگر بر آن اضافه می گردد و همکاری نژاد های مختلف در سازمان ، نمایشگر این واقعیت است که مردمان جهان گامی بلندی را جهت به میان آوردن امکانات مساعی برای همگان بدون در نظر گرفتن اختلاف نژاد ، زبان و ملیت برداشته اند . »

برگزاری « روز بین المللی زن » که هر سال عیسوی بتاریخ هشتم مارچ تجلیل می شود . معثل بر جسته دیگری در جهان معاصر است که ارزشمندی و برجستگی منزلت زن این یاران دلسوز مردان و بازوان نیرو مند پیکر اجتماع را نمایانگر می شود و یاد و بود های گذشته آن در مسکو ، برلین شرقی و دیگر مناطق جهان ، درخشند گیهای خیره کننده را بسوی آینده تابناک و شگوفان تری مژده رسان می شود و رفاه عمومی را در جهت سعادت حال و آتیه زنان متضمن می گردد .

در زمره چهره های درخشان زنان معاصر که نقش او نه تنها در جهان کیهان نوردی برانندگی خاصی دارد بلکه در مجامع بین المللی همردیف مردان مبارز از کلیه حقوق زنان بحیث عنصر سرسپرده دفاع کرده است یکی هم میرمن « والتینا تریشکوا » نخستین و یگانه زن قهرمان و فضا پیمای است که در



میرمن والتینا تریشکوا نخستین زن کیهان نورد و قهرمان در جهان ، فعلا عضو کمیته مرکزی و عضو شورای عالی اتحاد شوروی و رئیس سازمان دموکراتیک زنان آن کشور که بارها در کنفرانس های بین المللی نیز اشتراک ورزیده است (نفر سوم از طرف راست) وی میان عده از زنان قهرمان کشور خویش قرار گرفته و مصروف صحبت است .

د کارابین د سمندر کی اوسنی سیاسی او اقتصادی حالات

د کارابین د سمندر کی او ستر حالات چی په هغه کی د امریکایي متحده ایالاتو سیاسی او پوځی علی خلی روا نی دی . پدی وروستیو ورځو کی یی د نړی مطبو عا تو جو جه خا نته را اړ و لی ده . د لاتینی امریکایي دملی آزا دی بختیو نکو جنبشو نو غنبتلی طو فان د پیر پیر پیرو زوړ استعماری حکو مست بنیادونه پرتک کړل د ۱۹۶۲ څخه تر ۱۹۸۰ پوری اتو تا پو گا نو د کارابین په سمندر کی اودوه هیوادو په جنوبی امریکای کی خپلوا کی تر لاسه کړه چی تر قو لو وروستی نوژ آزاد شوی هیوادو نه یی دوی بنسنت او کرینادا په نامه یادیری . داستعمار دله منځه وړ لو عملیه لاتر او سه پای ته نده رسید لی ځکه چی څو تا بو گان اوسیمی لادبر تا نینی فرا نسی او هالند تر لاسو لاندی ژوند تیروی چی د هغو څخه د مثال په توگه کوراگوا ، گوادیلوپ ، مار تینیک ، او بیلیمز یادو لی شو . نوی خپلواک شوی هیوادو نه د پیرو سختو ستونزو سره چی داستعمار دوری نه ور ته پاتی دی مخامخ دی لکه: وروسته پاتی اقتصاد ، فقر بیکاری ، بیسوادی او نوری سختی تو لیزی او سیاسی ستونژی .

د کارابین د هیواد واقتصاد د پیر مختیا له نظره بیلی بیلی سطحی لری اود اقتصاد په یو یا دوه شاخسو باندی ولاړ دی چی د لسکو نو گلو نو دپاره دپانگوا لی بازارو نو غوښتنو اوبدلو نو نو بوری تر لی ساقل شو . پدی پدی سیمه کی اصلی او عمده پانگه اچوو نکی د امریکای متحده ایالات ، کانا دا او بریتانیه دی چی دشمالی امریکای شرکتونه تولو بهرنیو

پانگوپ برخه تشکیلوی . داستعمار گرو هیوادو استعماری سیاست چی اکثری به یو د بل سره په جگړو بوخت و د کارابین د پو گانو او سمندری سیمو د مصنوعی جلاوا لی او تجرید سبب شو . خو او س ددی سیمی نوی خپلواک شوی هیوادو نه د سیاسی او اقتصاد دی خپلواکی ، د گډی هیلی په اساس سره یو موقی شویدی . دا هیوادو نه به نپ یوال دگر کی یو د بل سره اړیکی ټینگوی اود لاتینی امریکای

بول دسو لی اودیتا نت دگر کیسج کمینت ، پر خواود نوی استعمار او نژاد پرستی پر ضد ولاړ دی .

د پیر مختیا دلاړو لټول :

د کارابین سیمی دو لټو نه د پیر مختک دپاره د خپلو خاصولاړو لټونه کوی چی ددوی دملی مشخصا تو ، محلی شرایطو او عنعناتو سره تو افق ولری . دمو کرا تیک قوتو نه هم د نورو هیوادو او سیمو دتجر بو څخه کار اخلی ، د مثال په ډول گینا سیا او جامائیکا سو سیا لیستی جهت غوره کړیدی او د خپلو خلکو په گټه تو لنیز او اقتصاد دی اصلاحات ترسره کوی . په گینا نا کی د اقتصاد دی تنظیم اصلی لارښو د نه د حکو مت په لاس کی ده ، د هغو بهر نیو شرکتونو شتمنی یی چی د هیواد اصلی ثروت یعنی با کسایت په معد نوتو کی لگیا دی ملی کړه . د پیر تا نینی دشرکی فابریکی او تصفیه خانی هم په عامه ملکیت پوری مربوط شویدی .

په جا ما نیکا کی دو لټت دباکسایت پر صادر ولو لوړ ټکس لگو لی اود بهرنیو پانگوالو د معدنونو د تسایسیساتو په سلوکی یو پنځوس برخه داسپام ، یی اخستی دی . همدارنگه محلی صادرا تسویو مهم جهز یعنی

دورو سته پاتی والی او فقر پر ضد اود بهرنی پانکی د تسلط دپای ته رسولو دپاره یو پروگرام تنظیم او پکار واچوه . په گرینا دا کی د صنعت بنسنت کینشو دل شو ، د کور چوړو نو کار پراختیا مو می اودنو وکارونو دپیدا کو لو دپاره هخی روا نی دی . نوی حکو مت دمحلی فیو ډالا نو او بهر نیو مالکا نو د مخکو ویش ته پیل کړیدی .

د کارابین د سیمی هیوادو نو که څه هم د خپلواک پر مختک لارغوره کړیده خو تر اوسه لاجبور دی چی د ځینو ستونزو سره جگړی ته دوام ورکړی . دسی لاس قو تو نو خپلی وسلی ندی ایسی اودامپریا لیزم په مرسته هغه کوی چی د لاسه و تللی مواضع لاس ته راو لی .

پدی سیمه کی د ځینو هیوادو رهبران نو لکه دپار با دو س ، ترینیداد او تو با گو چی د پرتیل لری او د صنعت دپیا ژوندی کو لو نینی نیانی پکی لید لای شو . د کارگرو پر گنو په گټه هیخکار ندی شوی انفلاسیون مخ پوزیا تیدو دی او ورځ په ورځ خلک خپل کارو نه د لاسه ور کوی . دانارو غی د کارابین د سیمی به پیرو نورو هیوادو کی هم لیدل کیدایسی .

سیاسی طو فانو نه :

که څه هم استعمار گرا نو خپلی پخوانی شتمنی د لاسه ور کړیدی خو بیا هم د پیره هغه کوی چی هغه ټولنیز اوسیاسی نظامو نه چی ددوی په گټه تما میری وساتی او هغه سیاسی رهبران او گوندو نه چی باور ور با ندی لری بر قرار وساتی اوبندی ډول د انحصار اتو د گټو څخه ساتنه وکړی . دوی ونشو ای کړای چی د زاړه نظم پر ضد د غنبتلو ولسی او توده ای اقداما تو مخو نیسی . ددی جگړی په بهیر کی نوی هیواد پال اوملی قوتونه د سیاست دگر تسایراوخی .

دومینیکا چی ۱۹۷۸ کال په نوامبر کی یی خپلوا کی تر لاسه کړه پیرو سیاسی طو فانو نو سره مخامخ شو . ۱۹۷۹ کال په نیما یی کی ددی کو چی هیواد خلک دپا تر یک جان د حکو مت نظا لما نه سیاست او دجنو بی افریقی نژاد پا لو نکی رژیم سره دهغه د اړیکو پر ضد وپاریدل او په نتیجه کی صدر اعظم استقفا ته مجبور شو او دهغه پر ځای او لیور سیرافین کیناست .

(نور پیا)



د کارابین د سمندر کی سیاسی نقشه

پانا نیا کیله تو لید او خر څلاو هم دولتی کنترول لاندی راو ستل شوی ستی بریا لیتو بو نه دپرا گت په ښار دی . ددی مقصد لپاره د جامائیکا دپانا نیاو د فتر یا کمیته جوړه شویده . یو کال اوڅه موده پخوا دگرینادا به کوچنی ټاپوکی انقلاب وشو چی د امپریالیستی انحصارا تو د لاسس بوخی (اریک گیری) دیکتاتوری یی وپرزوله . اونورو سو سیا لیستی هیوادو سره

یکی نورو جمهوریتو نو سره هم اړیکو ته پراختیا ور کوی . په ۱۹۷۴ کی د کارابین د سیمی ځینو هیوادو د کاریکوم په نامه خپل گډ بازار تاسیس کړ اود لاتینی امریکای دیووالی په خاطر د لاتینی امریکای اقتصاد دی سیستم سره یو ځای شول . دی هیوادو که څه هم د خپلو کورنیو ستونزو دحل دپاره بیلی بیلی لاری ټاکلی دی خو په نپ یوال سو موضوعا تو کی اکثری نپ دی یا سره ورته دريځونه لری . د هیوا دو نه

«آی خانم» یکی از شهرهای

بی نظیر باستانی

پیوسته بگذشته

یونانو باختری زاده رابه بودیزم ثابت میسازد و سکه های آن از اکثر ستوپه های بودایی بدست آمده همانطور در سکه های مکتوفه اگاتو - کلس ای خانم میتوان مجسمه از ربالنوع (ویشنو) هندی را که با گرزو چکره مزین شده و به رسم الحظ خروستی نیز نام آن ثبت است. موجودیت ارتباطات کلتوری و مدنی بخصوص دریای خانم توسط اهالی باختر و یونانی هارادر هندوستان و مرادوات تجارتنی آنبارابه هندوستان و از هندوستان به باختر داست گویا آی خانم در واقع بهترین منطقه ویا مرکزیت سایر مناطق تغارزمین بوده و منطقه مهمی استراتژیک نظامی و مدنی در تنگه رود دریای خروشان باختر به شمار میرفت و از اینجا است

که حدود قلمرو آنرا تا ساحات ۸۰۰-۱۰۰۰ کیلومتر غرب و شمال غرب گسترده دانست زیرا سروری تحقیقات اخیر یعنی از سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۸ در ساحه چپ کوچکه - شپروان دشت ارچی امام صاحب که در این مناطق اتارو علام نفوذ و تاثیرات یونا باختری. و سبب

بود این مراکز مذکره جزء از قلمرو شهر ای خانم به شمار رفت بطور مثال تپ بعضی ساختمان های دفاعی ای خانم - زیر ستون ها - ستون های به تکنیک معماری - باختر و بخصوص ای خانم کشف گردید و خوبتر اینکه بعضی مشکلات ساختمانی را بین دوره های کوشانی و یایونابودی های بعدی و یونانو باختری حاصل مینماید. اتشکده های گو چکی که بعضا در اتاق های رهایش و هم خوابگاه باشد دریای خانم کشف گردید و نظیر آن را

میتوان در حفاریات ساحه اتحاد شوروی سو سیا لیستی و عدد هم مربوط به ساختمانهای دوره هخامنشی مقایسه کرد . با نظر داشت اینکه آی خانم صرف مربوط به یک دوره تاریخی نیست بلکه در اثر استیلای امپراتوری هخامنشی هابعد هایونانو باختری ها و در مرحله اخیر کوشانی های اولیه - نشیب و فرازی زیادی را گذرانده کنون به حیث یکی از شهر های معروف یونانو باختری در جهان معرفی گردیده است .

در این شهر باستانی یعنی ای خانم میتوان بهترین نمونه های مواد معماری قدیم و همچنان بزرگترین ساختمانهای را مشاهده کرد. بطور مثال وقتی دیوار های حیطة قصر و معبد بزرگ بانی شهر یکی (کی نیاس) را ملاحظه نمود، میتوان گفت که تاکنون هیچ يك از معابد - ساختمانهای تاریخی مان به آن منوال نبوده و در واقع ابتکاراتی بود که به اساس شرایط محیطی و اقلیم منطقه بوجود آمده است .

تکنیک هنر موزائیک که در کشور سابقه

شده است چیزی مهمتر ای که مارابه یاد سیستم بخصوص ابرسانی ساختمانهای (کانتوم) دوم باستان می اندازد و در یونان قدیم قبلا به آن مبادرت ورزیده اند - در شهر ای خانم بوسیله لوله ها و بلور های انتقال آب توسط بلور های تیکری ساخته شده و از زیر ساختمانهای شهری ای خانم میگذاشت و تعداد آنها از اندازه زیاد بوده و یگانه روشی است که در این آبدی قدیم بمشاهده میرسد .



بلورهای تیکری آبرسانی شهر ای خانم .

دو هزار و سه صد ساله دارد توسط یونانو باختری ها در بهترین موقعیت از ساختمانهای شهر یعنی مربوط به ساختمانهای حکمرواها ساخته شده است - قدیمترین ماهی افسانوی دولین که یونانیان آنرا حتی به منابهای ازیحوانات مقدس میسر دهند و با انسانها خوی و عادت همیشگی میگرفت و معبد دلف یونان به مناسبت آن ساخته شده بود. در شهر بزرگ ای خانم منابه مجرای آب این شهر ساخته

برای بانی شهر که هویت آن بوسیله کتیبه ظاهر شد و در آن هم همانا کرنی اس میباشد، معبدی درست نموده اند. و این معبد در حصه وسط شهر جاه بجه شده است که توسط حفاریات و کاوش طبقات باستانی یعنی استراتیگرافی بدست آمده است .

کتیبه های که در آن نصایح ذکر شده و عین نقل از کتیبه معبد دلف است و شاید متن آن

بوسیله کدام عالم ویا تاجری انتقال داده شده نیز دارای اهمیت بوده و از این شهر باستانی یعنی ای خانم کشف گردید که در تاریخ و کرونولوژی این شهر تاجای میتواند کمک زیادی نماید

طوری که قبلا هم گفته آمدیم در این عصر معماری و مهندسی ساختمانهای بزرگ به حد اعلی اش پیش رفته بود چنانچه که وقتی ما زیر پایه ها و یازیر دل های ستون پایه های بزرگ راحتی اگر توسط دستگاه تکنیکی مهندسی مدرن امروزی مانند (لیول) اندازه گیری نماییم موازنه سطوح بیش از ۲۱ سانتی متر در آن فرقی ملاحظه کرده نمیتوانیم و بهترین خصوصیت اعمار ساختمانی یونانی و یونانو باختری در این جاست که قبل از اعمار ستون پایه های منازل بخصوص قصرای خانم مهندسی و معماران قسمت پایین و یازیر این زیر دل ها را که معمولا از سنگ چونه و یا بعضا مرمر مانند به صورت چهار گوشه ساخته میشد ، سنگ های دریایی و یا سنگ های پر خچه شده را طوری استحکام می بخشیدند تا مقاومت و فشار عمومی پایه ها و ساختمانهای بالایی رابه صورت متعادل حفظ نماید . همانطور یکه در اعمار دیوار ها نیز سعی بعمل میاوردند .

چالب اینکه ستون پایه های یکدست نبوده از بند های متعدد ساخته میشدند و توسط چنگک های فلزی باهم پیوست داده میشدند . دو طرف هر بند این ستون ها سوراخ های داشت که در حین بالانمودن آن کدام مشکل احساس نشود و به صورت متوازن بالای هم قرار گیرند .

اندازه های بند ها از هم متفاوت بودند آنقدر ستون های که ارتفاع آن زیاد بوده در ساختمانها بند بندهای ستون ها ارتفاع مراعات میشده و بعضی از این ستون ها منظور از بند عابث از ۴۰-۵۰ سانتی متر ارتفاع نمیداشت و بعضا از ۱۲۰-۸۰ سانتی متر ارتفاع آن میگذاشت

بعضی از بند ها ارتفاع آن به اندازه قدیک انسان ای که قد آن ارتفاع نورمال میداشت ، تجاوز نمیکرد . و البته این موضوع وابسته به طرز العمل و معیار ساختمانی است . که در این شهر باستانی مورد اجرا قرار میگرفت . در مورد آثار منقول این شهر باستانی باید گفت که تاکنون تعداد زیادی از سکه ها و آثار از قبیل مجسمه ها و بخصوص قاب رب النوع سیل بدست آمده که در مورد آن شرحی را لازم خواهیم دانست .

تمامم
ژوندون



غفار «عریف»

پیوسته گذشته

زندگی چه دلپسند کلمه ایست. استقلال، عدالت، رفاه، ترقی، صلح، آرامش، سلامتی، برادری، برابری، همکاری، غمخواری، دوستی، اعتماد، صمیمیت، دلگرمی، تقوی، صفای معنوی... اجزای لایتجزای آن است.

تأمین زندگی سعادت‌مند، پیشرفت اجتماعی، عدالت واقعی، رفاه مادی و معنوی خواست نخستین و عادلانه انسان‌های مولد و همد فمند رامی‌سازد. افسوس که در خیمن ستمگر با جنگال‌های پلنگ گونه و دندانه‌های زهر آلود خویش راه زندگی را دردناک و متشنج می‌سازند، یابنه کتمان واقعیت هابناه می‌برند و با خاینانه در برابر واقعیت زندگی اغماض می‌کنند اکثریت محروم سازندگان واقعی تاریخ و وارثان حقیقی ثروت‌های مادی و معنوی اند. راه زندگی را تضمین مینمایند و شکوفایی زندگی را تأمین میدارند.

اقلیت‌های طفیلی در فرجام سخن دورا ز راه زندگی میشوند دیر یا زود سقوط میکنند و معدوم میگردند و دیگر جایی در پروسه زندگی به آنها نخواهد ماند.

راه زندگی دفتر خاطرات انسان‌هاست از بدو پیدایش تا کنون مد و جلد، خم و بیخ، شکست و پیروزی، قاطعیت و نرمش، تعرض و عقب نشینی... صفحات آنرا می‌سازد.

نوشته ((راه زندگی)) که همین‌اکنون دوستان ارزشمند و گرانمایه خواهران و برادران مطالعه می‌فرمایند حکایتگر کلیه جوانب و پهلوهای زندگیست.

نوشته ((راه زندگی)) هنگام سلطه خونین ددمنشان امینی در شرایطی که خون پاک انسان‌های شریف و وطنپرست کشور نقش سنگفرش جاده‌های میگردید، مخفی‌گاه‌ها، شکنجه‌گاه‌ها، قتلگاه‌ها، پولیگون، زندان، دشت و دمن، کوه و برزن بیاد انسان‌ها همد فمند جامعه مافریاد میکشید، به اداره‌های مطبوعاتی اطلاعات و کلتور تسلیم داده شد و در یکی از بخش‌های جوائز سال (۱۳۵۷) گانید و بصورت اتفاقی مستحق جایزه مطبوعاتی گردید.

نویسنده

و. غول سرمایه، کارگر مایان کوچک‌دور شکست میکند... ارتش بیکاران را زیاد و سرانجام، در زندگی بورژوازی، تیوری بحران، تیوری ورشکستگی، تجمع و تمرکز تولید، هرج و مرج تولید طرح شد... و بالاخره، عدم تأمین پروتاریا... تشدید فشار سرمایه داران، بحران عمومی مالی... حدت دهشتناک بیکاری... بیار آورد... و سرانجامش در الابس شد.

و توسط انسان زحمتکش، فضای آن تحلیل شد... نوید زندگی سازی پروتاریا را در سر زمین واحد و جداگانه سرمایه داری داد. سر مایه داری داد. ولی، استثمار کنندگان... دموکراسی پیش کش میکنند...

کدام دموکراسی؟ سرودم بریده، حافظ منافع خودش. اما، بورژوازی باز هم، سیمای نو با لنده زندگی جهان را مات داد.

«جنگ عمومی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸»

و، ناهدودی سد پیشرفت راه زندگی شد. ولی، این سد دیری نپایید.

سازمان متشکل ستم‌دیده‌گان (بلشویک‌ها). قصر تزار را شکست... غلاب بلند پرواز قدرت زمان را بال‌برید، زنگ خطر را بصدا آورد و غار تگران را هو شیارانه اخطار داد تا بساط ستم‌گستری را با خود یکجا به گورستان تاریخ برند.

اکتبر پیروز شد و نامش سوسیالیسم (۱۹۱۷) و، مفهوم دیکتاتوری پروتاریا، سیادت سیاسی پروتاریا، اسلوب سرتگونی سرمایه... شکل خاص اتحاد طبقاتی پروتاریا عالیترین شکل دموکراسی... و، مفهوم سیاست اقتصاد نوین.

تسلط پروتاریا بر صنایع، زمین، حمل و نقل، بانک... قایم کرد.

و، مفهوم جامعه کامل سوسیالیستی، «پیوند صناعت با اقتصاد دهقانی» و، انقلاب سوسیالیستی، دهقانان را کشاند از طریق کوبراسیون به مجرای ساختمان سوسیالیسم. رهبری مؤزون پروتاریا.

بر تو ده‌های زحمتکش شهر و ده یکسان امعای استثمار فرد از فرد را... تأمین کرد.

و امروز: با شصت و یکمین سال خود، بسوی مرزها وافق روشن راه زندگی با قوانین معینی را می‌پیماید.

بسوی زندگی از هر کس طبق استعدادش بپرکس بنا بر نیازش... از آنروز (اکتبر)، همه بپا خاستند... مشت‌ها را پیوستند، بتک و داس را یکی غمشریک گفتند.

بخاطر دفاع از راه زندگی، با پیوند خوسه‌ها، یکجا به پیکره کزیف و لاشه متعفن استثمار و استعمار ناخن زدند.

اکتبر درس عبرت شد. لحظه‌های غم‌انگیز در گوشه‌های از راه زندگی رنگ و خون انسان هدفمند را جوشاند.

ولی:

در هیجان پرسروصدای دفاع از راه زندگی شیوه‌های متنوع دفاع پیش کش شد.

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

انسان‌زندگی ساز حالات محرومیت را بسا

عواطف و احساسات شریفانه با سایر پهلوهای زندگی اجتماعی تحلیل کرد.

از آنروز (اکتبر)، دو گرداگرد گشتی زندگی.

قیام هاوچ گرفت... آزادی بالید... دموکراسی نقش فعال بازی کرد... استقلال سیاسی سر زمین‌های آسیا - افریقا و امریکا لاتین حصول شد، استعمار چهره مسخ کرد، استثمار تپ جدید گشت، دهقان آزاد شد، کارگر آگاه... البته یاران همسنگر در یافت... درکنج و کنار تاریکی‌ها را شکست، روشنائی‌ها را به بار آورد.

انسان هدفمند:

با جنب و جوش شگرف صفوف نجات خود را فشرده ساخت... مدافعین خلق سه تن واحد شدند (همبستگی پروتاری، سیستم جهانی سوسیالیسم، جنبش‌های آزادیبخش ملی) در نقاطی از دنیا، حملات خیال‌پردازانه اقلیت با مقاومت اکثریت خنثی پذیرفت.

در جایی:

اکثریت زحمتکش زندگی را با سکوت دلغراش و تنهایی خسته‌کن میگذراند، در حالیکه همه نعم و احتیاجات را می‌آفریند، ولی خویش بهره‌بخشود آنرا نمی‌بیند.

در گوشه دیگر زندگی، هیاهوی و کشمکش شادی‌گرانه گروه اقلیت زندگی اکثریت را شکنجه میدهد.

در حالیکه زندگی برای همه عزیز و گرامی است.

همچنان:

در هیجان پرسروصدای دفاع از راه زندگی شیوه‌های متنوع دفاع پیش کش شد.

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام

صلح پاریس (۱۹۱۹)، جامعه ملل... خلع سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زده خورد بود بالای تقسیم جهان، تا تمام



نمونه یی از خط سیاه مشق

بقیه . صفحه ۳۹

خط با تکامل بشر...

قیمت و ارزش را دارد که یک اثر دیگری دارد در سیاه مشق زیبایی های وجود دارد که صاحبان نظریه پتر آن را درک میکنند حالت های که در یک اثر سیاه مشق دیده میشود و دوش قلم و دیگر زیبایی ها در این نوع خط وجود دارد که برای خط شناسان همان لطف را دارد که یک خط زیبای داشته باشد .

برای خطاط نیز این نوع خط و روش خالی از دلچسپی نیست و شاید دیده باشید که بسیاری از خطاطان در پای سیاه مشق شان امضاء میکنند که این امر می رساند چقدر یک سیاه مشق برای خطاط با ارزش است . در یک اثر سیاه مشق انتخاب یک بیت شعر

و تکرار نمودن حرف همه و همه برای خطاط زیباست و برای خط شناسان نیز . در این

جا شما به سیاه مشق خوب دقت کنید ببینید شکل (ی) را که چقدر زیبا و همه بیک تناسب خطا طی شده که همه این ها بر پختگی و زیبایی یک سیاه مشق دلالت میکند .

«وقتیکه ما شین طبعات بوجود آمد ، آیا بنظرت بازار خط و خطاطی را تحت تاثیر خویش قرار نداده است ؟

چرا تا اندازه ما شین طبعات تاثیر بر روی خط گذاشته است ولی آنطور که شما فکر میکنید نیست ، خط ، همیشه جای خود را داشته است ، و امروز از روی همین خطوط

است که حروف ریخته میشود . پس در هر صورت خط جای خود را دارد . ولی بازار خطاطان را چه عرض کنم در گذشته یک اثر خوب و زیبا از یک نو یسنده و یا از یک شاعر برای خطاط آورده میشد تا آن را با خط زیبای خویش خطاطی کند ، این امر از یک طرف باعث تمرین و مشق خطاط میشد که طبیعی بود خطاط از خود شامگردانی میداشت و هم چنان روز بروز این هنر انکشاف می

* آیا کدام اثر خطاطی ات حایز جایزه شده است ؟

بلی ، در سال ۱۳۵۸ برای اولین بار چهار اثرم را به جایزه مطبوعاتی گذاشتم نه اثر نستعلیق ام حایز درجه اول شد و مستحق پاداش گردیدم .

یک اثر دیگرم که تقریباً یک ماه روی آن کار کرده بودم یکی از ذوقمندان آن را به مبلغ بیست و پنج هزار افغانی خرید ، بعد ها خبر شدم که این اثرم به مبلغ پنجاه هزار مارک بفروش رسیده است .

* فکر نمیکنی که فرهنگ غرب تأثیری بر این هنر ما گذاشته باشد ؟

مانسین را نیز غربی ها اختراع کرده اند ، و این خود می رساند که چه تأثیری بر این هنر ما گذاشته و قبلاً در این باره تذکر دادم اما هیچ وقت بصورت کل نمیتواند فرهنگ غرب به این هنر اصیل و سنتی ما تأثیر وارد کند . امروز بعضی از نقاشان و برخی از خطاطان از روش های مدرن استفاده میکنند که آثار آنان بیشتر نقاشی است تا خطاطی ، اگر منظور تان این نوع خطاطی ها است که بیشتر ریشه غربی دارد ، باید بگویم هیچگاه این نوع خطاطی ها جای خط زیبای و کلاسیک ما را گرفته نمیتواند . و نخواهد گرفت .

* برای زنده نگه داشتن این هنر چه باید کرد ؟

خط زیبای دری همانطوریکه ، سالیان دراز و حتی قرن ها مورد توجه بوده ، باز هم مورد توجه خواهد بود .

هیچگاه این هنر اصیل ما از بین نخواهد رفت و برای شگوفان ساختن هر چه بیشتر آن باید کارهای کرد و انجام داد .

از آن جاییکه این هنر در پهلوی سایر

هنر های کشور ما مقام والایی داشته باید برای هر چه شگوفان تر شدن این هنرگالری های خطاطی بوجود بیاید ، خطاطان تشویق گردند ، هنر آنان قدرگردد ، تا جای امکان زمینه پرورش علاقمندان این هنر فراهم گردد تر تیب نمودن معانی هنری ، به جوایز گذاشتن آثار آنها همه و همه در امر شگوفانی این هنر دربریا نقش قابل ملاحظه دارد .

اگر به تاریخ این هنر زیبا نظر بیاندازیم می بینیم که یگانه علت شگوفایی این هنر در ادوار کهن و گذشته ما تشویق از این هنر و هنرمندان بوده است .

ما تاریخ روشن و خیلی گویای از این هنر داریم ، پس برای حفظ و نگهداشت این هنر سعی و تلاش زیاد بخرج بدیم تا باشد که روزی باز هم هنرمندان مانند میر علی هروی میر عماد و امثال آن داشته باشیم .

* خوب در اخیر می خواهم اگر پیامی داشته باشی میتوانی بگویی ؟

پیام من به جوانان و نو جوانانی که علاقمند این هنر اند و می خواهند در آینده این هنر را پیش ببرند اینست که بگویند تا این هنر اصیل و باستانی ما را زنده نگه دارند و این ما مول زمانه بر آورده میشود که مشق و تمرین نمایند و بکار خویش ایمان داشته باشند .

تکته را که می خواهم تذکر دهم اینست که مبتدیان این هنر و نو آموزان باید از روی یک اثر زیبا و پخته تمرین و مشق نمایند ،

فرقی نمیکند که این اثر از خطاط هم نام و یا مشهوری نباشد .

اسلوب خط را و شیوه نوشتن را بدرستی بیاموزند و در این راه زحمت فراوان بکشند زیرا بدون زحمت و تلاش هرگز نمیتوان بجای رسید .

بقیه صفحه ۳۵

آیا میدانید...

آمد . بدین معنی که در ساختمان داخلی آن تحولاتی پدید آمد که بیشتر برای نگهداری پول وجواهرات تسبیلاتی فراهم گردید که تا امروز این ساختمان ها تا اندازه حفظ گردیده است .

داشتن دستکول یا چیزی شبیه به آن ، در آن زمان از جمله لوازم فیشن و یکی از علائم مشخص بودن زن ها بود . بدین لحاظ هرزنی که استطاعت مالی نسبتاً بهتری داشت حتماً یکی از این دستکول ها را میداشت و البته نظریه شرایط اقتصاد خانوادگی آن وقت ، هرزنی به اندازه توان مالی خویش دستکول حمل میکردند و استفاده می نمودند .

از شروع قرن بیستم تا امروز که در اواخر آن قرار داریم اکثریت زنان از دستکول استفاده

میکند و امروز یکی از خصوصیات زندگی زنان داشتن دستکول است . وقتی امروز زنی دستکول نداشته باشد فکر میکند که چیزی را کم کرده و شاید برایش مشکل باشد که بدون دستکول به جای برود . البته باید متذکر شد که باز هم در ساختمان دستکول ها تغییراتی رونما گردید اما نه به آن اندازه که در اوایل صورت میگرفت . این تغییرات و تحولات که زاده شرایط عصر و زمان است و با مدرنیزیشن زندگی طبیعی است که در تمام شئون حیات زندگی تحولات پدید آمد ، که لباس و دیگر لوازم زن نیز از این تحول بدور نماند و انکشاف یافت . نمانده نماند که مانند اوایل یعنی در اوایل

قرن یازدهم که زنان و مردان دستکول استعمال میکردند امروز نیز عده از جوانان از دستکول استفاده میکنند . اما بسد یسن تفاوت

که امروز جوانان ما این دستکول ها را بطور گذاشتن کتاب و لوازم درسی استعمال میکنند حالیکه در گذشته بطور حمل سلاح از آن استفاده می نمودند .

دستکول های که امروز جوانان از آن استفاده میکنند بیشتر شکل خورجین را دارا است اما بزرگتر از خورجین های زمانه گذشته .

بهر حال با این مختصر گزارش در مورد سیر تحول و انکشاف و تاریخ دستکول بیک مطلب بی می بریم و آن اینکه دستکول و یا چیزی شبیه آن از هزار سال به این طرف مورد استعمال داشته و تقریباً از همان روزیکه مورد استفاده قرار میگرفت تا امروز برای یک منظور قابل استفاده بوده است و آن هم برای نگهداری اشیای مورد ضرورت خانم ها .

مادر

مادر: بلی اینهاخواهی مسره مفت و رایگان میگیرند و از اوکالتوس ساخته به عساکر میتن و آنها هم تاحدی که دارند آتش میکنند، بروی هر که که پیش آمد.

زن لباس سیاه: شوهرم به همین ترتیب کشته شد و فرزندم ره هم برده اند... طرف خوده نمی تم... خانه میرم.

زنک کلیساها به صدادر میاید یکی از زنان میگوید: رنگ پیروزیست.

مادر: بلی، ما پیروزمیشیم... ما قندانی، دولچه و لکن چه خوده می تم و پیروز میشیم... (با صدای امرانه) شما باید تصمیم بگیرین با طرفدار شکم و لباس و خانه و گارتان هستین و یا طرفدار پیروزی تزار؟

یکی از زنان: توجه پریمیگی؟ بیشتر یکی ره تحریک کنی که دولچه خوده گرفت و رفت... مقصدت چیس؟ چی می خواهی؟ آیا شما نمی... همین که ما بالای ظروف خوداژ میهن خود دفاع میکنیم؟

مادر: ظروف های شما (می بغضین) بی معنی س: شما می همین که جنگ به نفع شما نیس... فقط موقف شما، شماره به چاپلوسی مجبور کنه... شما با ایستاده شدن تان دری قطار و آوردن ظروف خود یکبار دیگر می خواهین وفاداری تانه به غلامی تزار ثابت کنه باشین... کدام مقصد دیگه ندارین... خطاب به زن کارگری که نیز در قطار ایستاده است میگوید: اینجا جای شما نیس... برین ده فابریکه و اونچه صف شوهر و دوستان و همکاران تانه محکم تر بسازین ای چاپلوسی ها بدرد شما نمی خورد... شما چیزی ندارین که از دست برین... زن کارگر به شهر آمده از جایش برخاسته از صف خارج میشود و بطرف فابریکه میرود.

زن سومی خطاب به زنان دیگر: ای کیست که ایفه بر عیقه و عاره هم یاد میته؟ زن دیگری: نمی فهمی که ای کیست؟ ای یکی از زنان انقلابی س... همه زنان دیگریه یک صدا: چی، انقلابی؟ بعدا یکی ای دیگری میگویند: ازی زن احتیاط کتین، خطرناک س... زن مکار نیست... از او احتیاط کتین.

مادر از قطار خارج شده در مقابل آنها میایستد: بلی، ما انقلابی هستیم... اما شما قائلین هستید و با این عمل تان در جنایت تزار سویم میشین... فرزندان شما از آغوش شما رنگ خواهند داشت شما جان ها...

یکی از زنان: همه حالی حق تره می تم، تو انقلابی انقلابی...

مامور: لطفا همراهی ظروف خود داخل شوین... یکی از زنان قبل از اینکه داخل شود با طرف

مسی دست داشته خود بفرق مادر میگوید... زنان دیگر تف بروی او میاندازند و داخل دروازه میشوند... یک زن جوان که بجایش ایستاده است بطرف مادر آمده میگوید: اینها واقعا ناپیم و وحشی هستند... ما متاسفم اما راست بگویم نمی فهمم که حال ما چه کنیم... که مه ای طرفه تم، به چی کسی کمک کردیم؟... ما کاهلا راهره هم کردیم.

مادر: توبه تنهایی هیچ نمیتانی... امشب (به گوشش آهسته آدرس را میگوید) بیا... دیگر کارگران هم آنجا هستند... همه با هم مشوره خواهیم کرد که چه باید بکنیم... اما مدرسه برای هیچ کس نکوی... سال ۱۹۱۷

صفوف اعتصابیون و تظاهرکنندگان در فابریکه

ویتنام در قلب ما

ویتنامی خود اعطاء نموده اند... ملوانان اتحاد شوروی با تمام وسایط لازم جهت اعمار زندگی جدید و مقابله با تجاوز به بنادر ویتنام اعزام گردیدند.

اطفال و متعلمین اتحاد شوروی کاغذ های باطله و آهنپاره هارا جهت بسته بندی کتب و ادویه و ارسال آن به جوانان ویتنام جمع آوری نمودند.

تاریخ ویتنام با خون آن کسانی نوشته شده که بغاطر استقلال وطن جنگیدند و احترام تمام جها تیان را نسبت به وطن خود کمایی کردند... ما در اتحاد شوروی احساسات مردم ویتنام را خوب درک می کنیم، زیرا ما هم مانند آنها مجبور بودیم اعمار نمایم و بجنگیم احیاء نمایم و دو باره از سر بناء کنیم... رهبران و خلق جمهوری سو سیا لیستی ویتنام همیشه اظهار نموده اند که دوستی با اتحاد شوروی و معاهده سال ۱۹۷۸ تضمین امنیت و پیشرفت ویتنام می باشد.

در حال حاضر باز یکن می خواست ویتنام را تهدید نماید و بترساند.

این روز ها دو باره ویتنامی ها در باره قهرمانی های نیا کان خود به مبارزه آن ها علیه اشفا لگران فیودال چین، به مبارزه که در قرن ده میلادی با ظهور دولت مستقل ویتنام به اوج خود رسید، اول می خوانند... کسی می تواند ملتی را که استعمارگران ارتش امریکا را مغلوب نموده بترساند؟

منطق جنایتکارانه، هژ مو نیست های یکن را به سادگی در اعمال شان چنان مشاهده نمود... آنها با جلو گیری از ارسال کمک های اتحاد شوروی و دیگر کشور های دوست از طریق خاک چین، به مردم ویتنام به خیانت آغاز نمودند، بعد آن ها به تجاوز آشکار

عاجز است که ترمیگرود... خانم والسوا نیز در بین اعتصابیون دیده میشود.

ایوان: وقتیکه از جاده (لی) میگذشتیم، چندین هزار نفر بودیم... کارگران پنجاه فابریکه تاحال به پشتیبانی به اعتصاب دست زده اند... همه مخالف جنگ و دولت تزاری هستند.

واسیل: در زمستان گذشته دو صدو پنجاه هزار کارگر اعتصاب کرده بودند یکی در زمان دیگر: ماشعار های نقل میدادیم که روی آن نوشته شده بود:

مرگ بر جنگ و جنگ طلبان، زنده باد انقلاب...!

درفش انقلابیون رازن نصبت سازه بنام مادر بدوش دارد.

یکی از کارگران میگوید: بیرفه به مه بته شاید بری تو حرکت باشد... مادر حرف اورا قطع کرده میگوید: نی،

هنوز مانده نشیدیم هر وقت مانده شتم، پوت می تم... به گرچه که بیرشده ام ولی فراموش نکند که زن یک کارگر هستم و بغاطری بیایستم که شکم یگانه فرزندام ره سیر نمیتانستم... فرزندی ره که قهرمانانه از ماوداع کند... در اوایل مه بریش میگفتم: ای کارها اصلا فایده نداره... بعدا خودم بریش سبتنامه بخش کردم... و امروز بعضی اوو بغاطر حقانیت جنبش، درفش آزادی ره به افتخار به شانه دارم... به صفوف گسترده و عظیمیکه در دنبال ما ست نگاه کنید... دیدن آنها در شریان های

پاعای پیرو ضعیف مه، حیات خسته گسی ناپذیری ره دوباره خلق میکنند... ما مبارزه میکنیم و باز هم مبارزه میکنیم و پیروز خواهیم شد... قدرت دولتی از آن ما کارگران س... به این اعتماد داشته باشین... به پیش... حرکت... به پیش... تمام

مخا برای یک قهر مصنوعی (یکی از پروژه همکاری شوروی - ویتنام) مردم ویتنام به تما شای پرواز مشترک کیهانوردان در صفحه تلویزیون قادر گردیده و بازی های اولمپیک مسکو را تماشا نمودند.

وظیفه که اکنون در برابر سازمان ما، انجمن دوستی اتحاد شوروی و ویتنام، قرار دارد عبارت است از انکشاف موثر همکاری بین کشور هایمان در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی... ماه دیگری از دوستی ما، مر بو ط سی و پنجمین سال تاسیس ویتنام سو سیالیستی آغاز شده است.

سی و پنجمین سال تاسیس ویتنام چیزی بیشتر از یک حادثه صرفا ملی میباشد... ما در اتحاد شوروی به شجاعت و کار مسردم ویتنام افتخار می نمایم... مطمین هستیم که آینده روشنتر خواهد بود... رشته دوستی ما هیچگاه از هم نخواهد گسست... اعضای انجمن دوستی شوروی - ویتنام تمامی مردم اتحاد شوروی سی و پنجمین سالگرد ویتنام را قلبا تبریک می گویند و برای آنها دارای بهترین تمنیات می باشند.

هرضعگیری زنان

به نفع حقوق کلیه زنان افغانستان و سراسر دنیای امروز بیانیه ایراد کرد و مصاحبه مطبوعاتی بی راهم انجام داد.

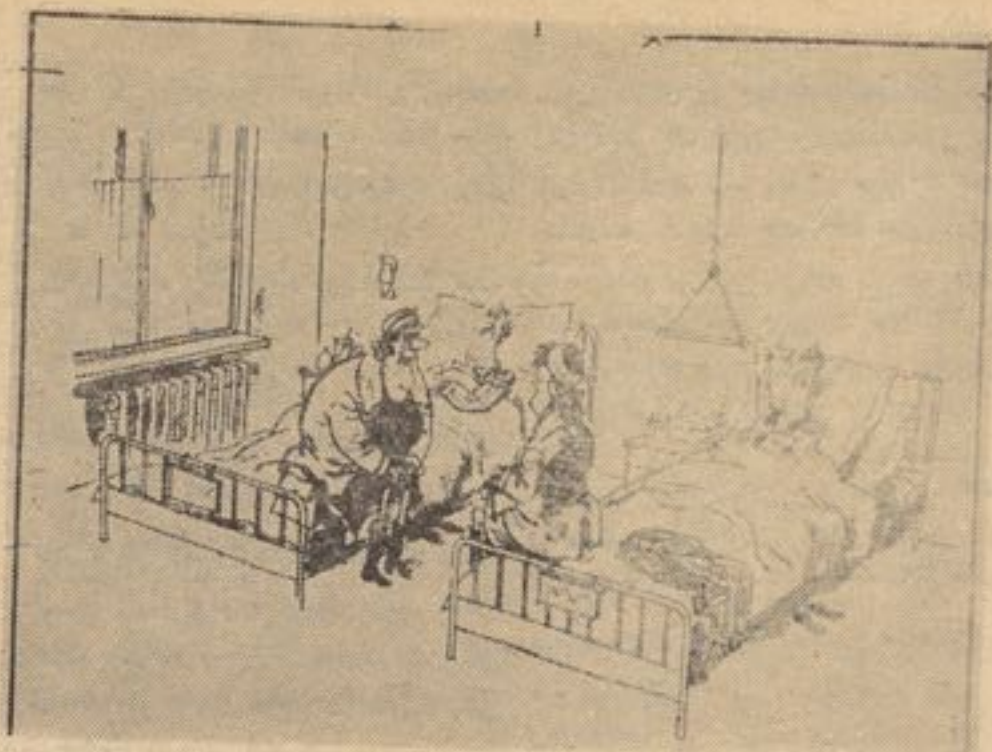
برخی زنان مشاور و متخصص در بعضی اییته ایسن مبحث نمودند... ارگانیک ملل متحد طور مثال چند جبره در

به ارتباط سهگیری زنان در فعالیت های ارگانهای ملل متحد:

سال ۱۹۶۳ چهل و هشت بار دو رادور کره ارضی رادر نوردینو درین فاصله کیهانی دو میلیون کیلو متر فاصله را موفقانه پیمود.

موصوفه که بار ها در کنفرانس های صلح و همبستگی بسویه بین المللی شرکت کرده است چندی قبل در کنفرانس سرتاسر زنان

افغانستان منعقد روز جمعه هفتم ماه قوس ۱۳۵۹ (مطابق ۲۸ نومبر ۱۹۸۰) در کابل نیز



زن اولی به دومی: خواهر جان شما فردا هم به عیادت شوهرتان می آید؟
بلی: زیرا حرف ای امروز تمام نشده است.



شماره انشائی دیدگانه

وقتی که موقع انجام مراسم ازدواج از عروسها و دامادها کسی جدا جدا سوالاتی میکنند میگوید:
چند وقت است که با هم آشنا شده اید؟
از ده مرد ۹ نفرشان جواب میدهند:
یکی دو سال. ولی عروسها میگویند: دوسه سال.
این میرساند که دخترها پسرها را درست یک سال پیش از آشنائی رسمی زیر نظر میگیرند و برای بدام انداختن نشانی میکنند.

رئیس صاحب اشتباه میکنی

گرفته ام.
- چطور میکی شش نفر را ..
در بین دو سیه ات نوشته
هفت نفر!
- بلی قاضی صاحب باید توضیح
بدهم. آخر من یک نفر از آن هفت
نفر را که میکی دو بار زیر موتر
گرفته بودم!

را نده بی را به محکمه جلب کرده بودند ...
رئیس محکمه دوسیه را ورق زد و سری تکا داد.
- واقعا باعث تا سف است در عوضی یک نفر تو خودت
شش نفر را زیر مو تر گرفتایی ...
را نده با عجله حرف رئیس محکمه را قطع کرد.
- بیخشین قاضی ... اشتباه میکنی من فقط شش نفر را زیر



بدون شرح

خط سفید برای

چیست

بویس ترا فیک خانمی را که
پشت مو تر نشسته بود و به آرامی
مو تر را در جهت مخالف خیا بان
میراند متوقف ساخت و از او
پرسید:
- خانم مگر نمیدانی که خط
سفید و سب خط خیا بان برای
چیست؟
- خانم را نده با دقت نگاه می
به خط و سب خط خیا بان انداخت
بعد گفت:
چرا نمیدانم، بسیار هم
خوب میدانم که این خط مخصوصی
شور بایسکلهاست!



بدون شرح



بدون شرح



وقتی که هنرمند استراحت طلب
میشود.



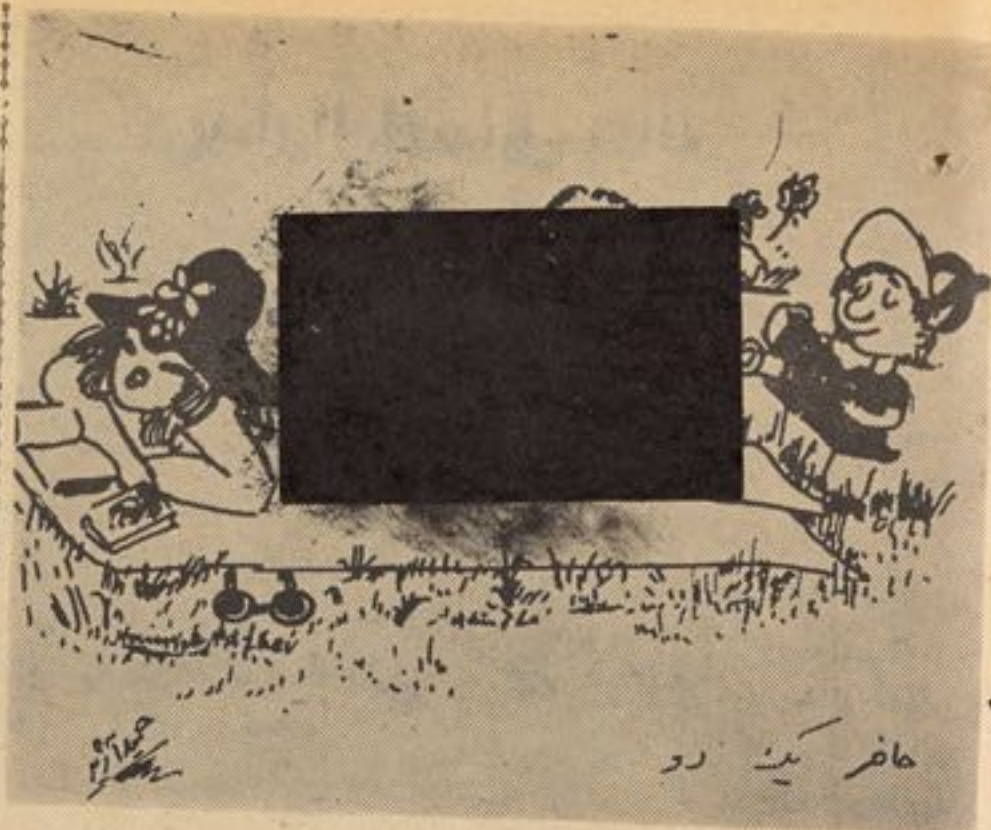
بدون شرح

شاگرد بهانه گیر

معلم یکی از شاگردان را صدا کرد و گفت:

- چرا درست را نخوانده ای مگر پدرت وقت ندارد شب ها کمی بتو درس بدهد:

- نی آقای معلم. پدرم شبها بسیار مگر فتاری دارد... چون مدتی است که پیشخدمت ما قهر کرده و او مجبور است ظرفها را بشوید!!



حاضر کیت رو

یک دو

من کاملاً بی گناه

هستم

مردی را به جرم سرقت گرفتند... آقا و خانم صاحب خانه هم برای دریا رفتن اموال مسروقه نزد رئیس محاکمه رفته بودند ناگهان بین آقا و خانم دعوی سختی در گرفت و مرد رو به زنش کرد و پر خاشاکان گفت!

زن احق... تمام تقصیر تو بود که غفلت کردی و دزد انا لیه را برد

زن با عصبانیت فریاد کشید هرشب، نیمه های شب مست به خانه بر میگرددی.

در این موقع دزد از موقع استفاده کرد و گفت:

- آقا رئیس محاکمه ملا حظه فرمودید که بنده در این میان کاملاً بی گناه هستم!!



بدون شرح

نامزدی ام

برو هم خورد

دودختر با هم گرم گفتگو بودند...

یکی از آنها رو بدیگری کرد: خوب تو خو قرار بود با امرت ازدواج کنی و گفته بودی که نامزد هستی... پس چی شد؟ دختر دو می آهی کشید.

- بلی... ولی یک هفته قبل نامزدی خود را با آن بهم زدم. دختر اولی با حیرت پرسید:

- چرا... برای چه؟

- برای اینکه هر موقع که یک چند دقیقه دیر تر سرو طیفه میرفتم برا یم می گفت با یید نوشته بی از پدر و مادرت بیاری که بگویند عذر تو معقول است!!

زن: الله خواهرجان زود حرف خود را تمام کنی زیرا در بیرون نفر زیاد استاده، اگر نمی قصه جنگ بی بی خورد و شیرین گل را برت می کردم.



بدون شرح

مشتری بی ادب

مردی وارد رستوران مجلسی شد که مدیریتش سخت پای بند اداب و رسوم بود او سر میزی نشست و دستمال سفره را بجای اینکه روی پای خود قرار دهد، بگردن بست و با فریاد صدا زد:

- هی... پیشخدمت... بیای اینجا!

مدیر رستوران برای اینکه مشتری بی ادب را گوشمالی دهد چند دقیقه بعد با تفاق یک سلیمان نزدش رفت و گفت: - ببخشیم قربان... سرتان را اصلاح میکنیم یا ریشتان را میتراشیم!؟



بدون شرح

چه تعداد نفر...

در کشور های انکشاف یافته يك سلسله مو سساتی ایجاد گردیده تا به وضع معیو بین رسیدگی گردد ولی این طرز بر خورد منحیث يك بر خورد خشك، رسمی، ومیخانیکى مورد اعتراض قرار گرفته است. در کشور های روجه انکشاف رشتة محکم خانواده گمی و تماس انسانی حفظ گردیده ولی به تاسیس و تدویر مو سسات شدیداً احتیاج حس می شود.

اکثراً معیو بیت زاده اختلالات جنتیکی می باشد و لی عوامل تصادف در اننای کار، و تصادفات ترافیکی و جنگ نیز مهم اند. ازین رو پیش گیری از وقوع حوادث و تدابیر وقایوی اهمیت زیادی دارد. معالجه مریضان و تهیه خدمات مکفی صحنی برای ناداران و اطفال نیز داری اهمیتی بسزا است.

مشکل دیگر تهیه وجوه برای مو سسات مخصوص معیو بیسن برای تربیه پر سوتل مورد ضرورت و برای معالجه است. مطالعا تیکه تا حال بعمل آمد حاکی از آنست که منابعه صرف وقایه، معالجه و یا کمک به معیو بین می گردد، از نظر اقتصادى مخصوصاً در دراز مدت موجه است.

برای بهبود موقعیت معیو بین در جامعه ابتکار و سهم گیری شخصی و خصوصى نیز يك عنصر لازمی

جبهه ملی...

کارگران و دهقانان تشکیل می دهد و تمام طبقات و اقشار و گروه های ملی و دمو کراتیک، همه نیروهای اجتماعی و مذهبی وطن پرست را برای همکاری به خاطر منافع مان افغانستان انقلابی متحد می سازد.....

آری جبهه ملی و وسیع پدر وطن در شرایط خاص جامعه ما ممکن ترین و عاملانه ترین راه اتحاد و بسیج مردم در راه دفاع از وطن و دفاع از دست آورد های انقلاب و دفاع از منافع توده های ملیونی مردم می باشد. درین جبهه همه

است. بناغلی منصور کیکیا اظهار میدارد: (بنده) علاقمندی اشخاص را به این مشکل در کشور های انکشاف یافته قابل تعریف میدانم. چنین ابتکار در کشور های مادر دنیای روجه انکشاف زیاد بنظر نمی خورد.

امید ما اینست که در کشورهای روجه انکشاف چنین علاقمندی تعمیم یابد، نه تنها علاقمندی موسسات و خانواده های معیو بین، بلکه علاقمندی عامه مردم! در قسمت یافتن کارکنان متعدد و با کفایت ختی موسسات دارای سابقه طولانی در کشور های پیشرفته دچار مشکل اند. این مشکل در کشورهای روجه انکشاف طبعاً حاد و گسترده تر است. تربیت پیشرفته و تخصصی در علوم مستلزم کوششهای وسیعی است که بایست به مساعی حکومت برای انداخته شود چون در چوکات سال بین المللی معیو بین درین زمینه مستقیماً اقدام شده نمی تواند.

یکی از مشکلات دیگر عدم انسجام در مساعی موسساتیست که وظیفه کمک با معیو بین را بدوش دارند. این موسسات در مواردی بایست دیگر رقابت میورزند.

در کشورهای مختلف مراجع و ادارات مختلف در ساحات مختلف صحت، فعالیت های اجتماعی، تعلیم و تربیت و استخدام فعالیت دارند. یکی از اهداف سال بین المللی معیو بین را تشکیل يك سازمان واحد و عمومی برای تامین ضروریات و حل مشکلات معیو بین تشکیل میدهد.

مردم اعم از کارگران، دهقانان روشنفکران انقلابی و وطن پرست تجار و سرمایه دار ملی روحانیون وطن پرست، اهل کسبه و غیره تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در دست هم کار و پیکار انقلابی و سازنده را برآه می اندازند مردم دلاور و صلحجوی افغانستان که سال های متمادی رنج، استبداد و استثمار را کشیده اند با تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن به همه آن رنج ها و آلام برای همیشه پایان می دهند و آینده تا بناك و عاری از همه انواع ستم و استثمار را استقبال خواهند کرد. به پیش در راه تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن این متحد کننده همه مردمان کشور ما.

دیدار از آسیای میانه

بدینسان هنر موسیقی در چار دیواری تنگ خانه ها زنده نمی گزید. ملت ترکمن تاپیش از انقلاب فقط چند تا ساز ساده و محدود را می شناخت که آنرا گروهی دل به دریا زده می نواختند. امروز از فیض انقلاب، ایرا، بالت سمفونی را دارد و می شناختند. و این می تواند نشان شکوفائی و گسترش فرهنگ باشد. و این همه تغییر و دگرگونی بنیاد یسن در چهل سال بدست مردم رزمند و ترکمنستان پدید آمد.

از آهنگسازان این جمهوری که شهرت جهانی یافته است می توان چاری نوری موف نام برد بسیاری از آهنگسازان، آوازخوانان این جمهوری ری دیگر سرود انسان، اتحاد و صلح را می خوانند. آهنگهای مبتذل و بازاری اکنون در جمهوری نر کمستان جایس را بسرود های انقلابی و میهنی داده است و یلیم خاتوف یکی دیگر از چهره های با استعداد این جمهوری است که بسیاری از سمفونی ها و آهنگ های مشهور را اوساخته است.

پرتگاه يك حادثه

دختری حاضر است باتو از دواج کند و او هم همه این سخنان را به پذیرش می گرفت و با من به رفتاری آغا ز می کرد.

به رودی دیر آمدن ها شروع شد و بعد هم شب نیامدن ها، هوس در قلبش لانه کرده بود تا آنجا که هیچ نیروی نمیتوانست و سوسه های اغوا آمیز شیطان را از احساسش بیرون کشد و او را برآه راست آورد. دوسال به همین شکل سپری شد، در این مدت چقدر عذاب کشیدم و چقدر رنج بردم فقط خدا میداند! همه نگونه که از اشك ریختن های پشمانی و شب زنده داری ها و بی آرمی هایم جز خدا نمیداند.

این وضع نمیتوانست دوام آورد و دوام هم نیاورد موضوع جدایی مابه طرح آمد و بالاخر هم عملی شد در حالیکه دو کودک معصوم حاصل این پیوند زنا شوی بد فرجام بودند.

دست کود کانم را گرفتم و با دلی خاصی از هر آرزوی بی به خانه پدر رفتم، او وعده کرده بود که مخارج زندگی ما را بپردازد اما بی احساس تر از آن بود که چنین کند و نکرد و ما ماندیم دست خالی و مخارج زنده گمی.

باآنکه پدرم ماموری بود متقاعد و جز معاش سالانه تقاعدی اش

برای عاشقانه ز من می کرد، شعر می خواند، از آینه سخن می گفت و روزها وسایل های شادی را در کنارش برایم نو میداد.

به زودی تصمیم به از دواج گرفتم و با آنکه فامیل او دختر دیگری را برای ازدواج با او در نظر گرفته بودند حلقه های نامزدی را بدل کردیم و سر نوشت هایمان را به هم گره زدیم که ای کاش هرگز چنین نمیشد و من در ناکامی و دوری از او می سوختم اما این روزها را نمیدیدم.

اندک مدتی از پیوند زناشویی ما گذشته بود که اختلافات خانواده گمی شروع شد، مداخله های خسرو و خسر و خواهران شوهرم به شکل پایان ناپذیری ادامه پیدا کرد آنان که از نخست با ازدواج من با پسرشان ناراضی بودند اکنون فرصتی یافته بودند که بهر عنوان و وسیله مورد اذیت قرار دهند تو همین کنند، اهانت نمایند، بدو بیراه بگویند، تهمت و افترا بزنند، کنایه بگویند و نیش کلامشان همیشه متوجه من و فامیل باشد.

شوهرم خیلی زود زیر تاثیر این گزافگویی های بسی اساس قرار گرفت همه به او می گفتند تو زیبا یسی، تو خوش تیپی، و چنانی و با این شرایط هر

بقیه در صفحه ۵۱



بيرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان . رئيس شوراي انقلابي و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان مو قعيكه با احساسات مشايعت كنندگان در ميدان هوايي بين المللي كابل پاسخ ميدهند.

بقية صفحه (۹)

يكسال دريك هفته

جمهوري دموكراتيك افغانستان كه روز عظيم ۱۳۵۹ با بيان بريك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان رئيس شوراي انقلابي و صدر اعظم جمهوري

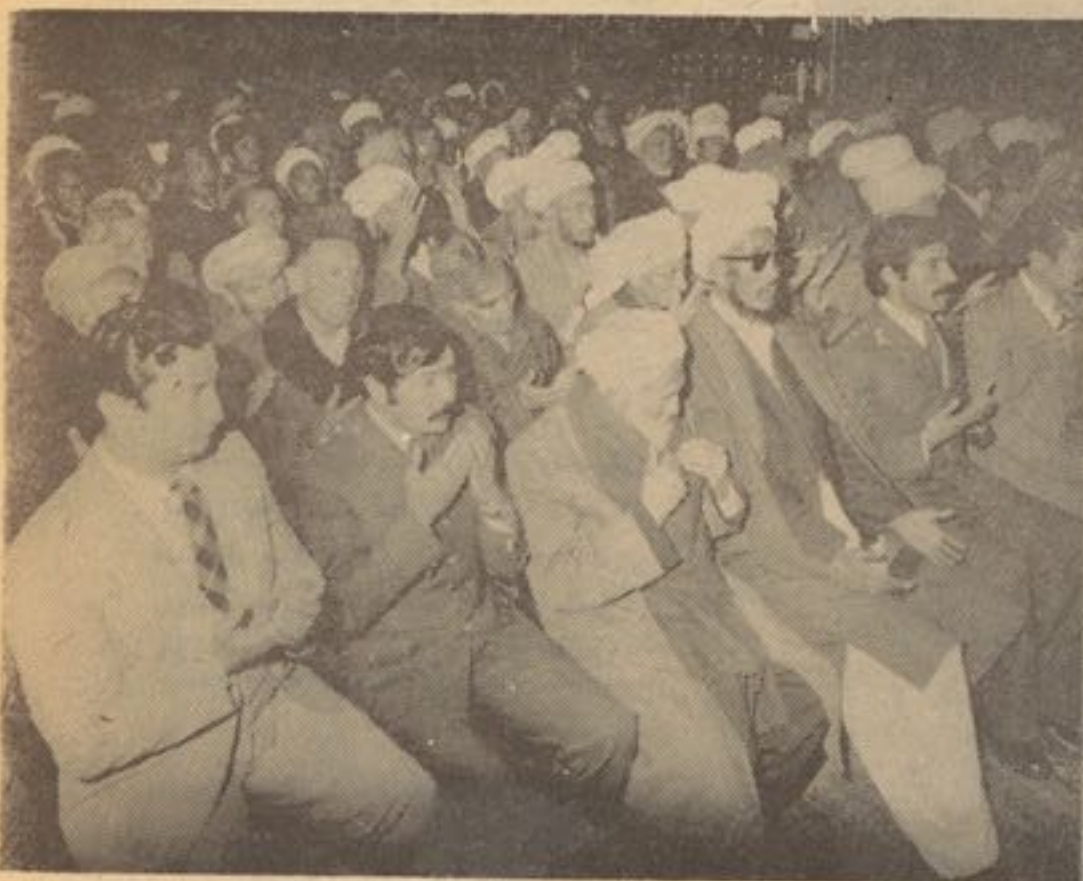
دموكراتيك افغانستان در تالار اسلامخانه مقر شوراي انقلابي دابر گرديد . روز ۹ اوس با صدور قطعنامه پيروز مندانه پاين یافته و شوراي مركزي سازمان دموكراتيك زنان افغانستان برياست دكتور اناهيته راينزاد به اتفاق آراء انتخاب شد .

دهيواد شمالي سيمود وزلو بي داووتيمونو

ترمنخ دكالم دمنی دوزلوبی ستری اودقبرمانی لوسبی دقوس ۱۰ د افغانستان د دموكراتيك جمهوري است د انقلابي شوراد مرستيال او صدر اعظم درمستبال سلطانعلی كشمند په وينا پيل شوی او د بدخشان ولايت دوزلوبی ايم دقبرمانی مقام وگاڼه .

سيمتار بين المللي زنان كه تحت عنوان

وحدت همبستگي صفوف جنبش دموكراتيك بين المللي زنان ونقش آن در امر بسج و تشكول تيرو هاي مترقي جهان تحت رياست دكتور اناهيته راتب زاد عضو بيروي سياسي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان عضو شوراي انقلابي رئيس سازمان دموكراتيك زنان افغانستان ورئيس كميته صلح همبستگي و دوستي افغانستان در تالار هوتل انترگانتي ننتال لطفًا ورق بزويد



د افغانستان د خلق د موكراتيك گوندد مركزي كميته عمومي منشي، دا نقلا بسشورا رئيس او صدر اعظم بريك كار مل وروسته له هغی چي د صميميت په فضا كي بي دبا ميانو ولايت د شريفو خلکو له استازوسره خبري د هغوی سره يو ځای د گرا نهيواد سمسور تيا له پاره دعا گوی .

دلکشایه مانی کی ومنل اوله صمیمیت نه په
ډکه او دموکراتیک فضا کی یی له هغوی سره
خبری وکړی .
دقوس ۱۸:

دافغانستان دخلک ددموکراتیک گوند د
مرکزی کمیټې عمومی منشی دافغانستان د
دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس
او صدر اعظم بېرک کارمل
د قوس ۱۷ د انقلابی شورا د مقرر
گلخانې په مانی کی دصالیوه شریفو او نجیبو
قومونو سره دپوی کتنې په ترڅ کی وویل:
لومړی دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت
دگوند او حکومت لخوا ستاسو خپل کورته ستا-
سودراتگ له امله ښه راغلاست وایم ...

نخستین جلسه شورای مشورتی اقتصادي
کشور قبل از ظهر ۱۸ قوس
تحت ریاست بېرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان



دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند دمرکزی کمیټې عمومی منشی دافلابی شورا رئیس او
صدر اعظم بېرک کارمل دپامیان ولایت دزیارکینو خلکو له استازو سره روغپې کوی .



بېرک کارمل دصالیو له شریفو قومونو پوتن سره روغپې کوی .



یکسال دریک هفته

دایر شده بودشام ۱۱ قوس با صدور قطعنامه
پایان یافت .

بېرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان ساعت دوی بعد از ظهر ۱۴ قوس روسا
معاونین ، مالکان اسپیا ، چاپ اندازان وسایس
های تیم های بزکشی صفحات شمال کشور رادر
قصر دلکشایه مقر شورای انقلابی پذیرفته و با
ایشان در فضای کاملاً دوستانه وصمیمانه صحبت
کردند .

دافغانستان دخلک ددموکراتیک گوند دمرکزی
کمیټې عمومی منشی دافلابی شورا رئیس او
صدر اعظم بېرک کارمل د قوس ۱۵ له غرمې
وروسته به دوو بجو د نورستان د پتمنو او
زیار کینو خلکو یو زیات شمیر استازید



بېرک کارمل موقعیکه یکتن از مردم شریف
سپین بولدک راورود نوازش قرار میدهند .

یکسال در یک هفته

رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی دایر شد .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز ۱۸ قوس در اوج احساسات و طغیان ستانه مردم زحمتکش و شریف نور زایی مربوطه ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار رادر قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفتند .



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در قلعیکه باهریک از جاب اندازان مصالحه واحوال پرسسی می نمایند .

بقیه صفحه ۲۴

در پر تگاه یک...

چیزی نداشت با ما کمک میکرد و چرخ زندگی بر همین منوال می گشت . زنی که در دوره زنا شوایی ما با همسرش رابطه داشت بالاخره با او ازدواج کرد و همین پیوند بود که یکبار او را از دو کودک معصومش جدا ساخت . دیگر جز به این زن اندیشه می نداشت . از یاد برده بود که کودکی دارد که نان می خواهند لباس می خواهند به دو ضرورت دارند و از همه مهم تر اینکه نیاز به پدر دارند و از یاد برده بود که نباید هوس و شهوت چنان بر او مسلط گردد که عا طفه پدری را در وجودش خفه سازد اما او چنین شد .

کودکان هر روز از من او را می خواستند ، او را که شا ید وجود آنها را هم از یاد برده بود دیگر نمی توانستم این نیاز عا طفی جگر - گوشه هایم را نادیده گیرم ، نمی توانستم شاید چشمان اشک آلود آنان در همه مواقعی باشم که کودک دیگری را فشرده در آغوش پدرش میدیدند ، نشستم و با خود اندیشیدم و تصمیم گرفتم که دو باره با اونکاح شوم در این زمینه مشورت هایی کردم و بابزرگان فامیل به شور نشستم تا بالاخره اقداماتی در این زمینه صورت گرفت و ما باردیگر پیوند زناشوایی بستیم و او هم عهد کرد که همه بی

تو جیبی هایش را با مهر و عطف وقت جبران کند .

حاصل این پیوند مجدد باز هم یک ولادت دیگر شد بعد از این جریان او را می سفر خا رج گشت و ماه ها این دوری و جدایی به طول انجامید .

وقتی از سفر باز گشت باز هم همان شوهر بی محبت بود و پدر بی مهر ، بهانه جویی هایش با شدت بیشتری دو باره شروع گردید و به او ج خود رسید ، جازو جنجال جای آزارش را گرفت و گریه حاجا یگزین نوش خند ها شد تا اینکه بزرگترین طفلم به بستر بیماری افتاد و او حتی در این مورد هم کمترین اعتنایی نکرد و همچنان بی تفاوت ماند و بعد هم آخرین بهانه اش را گرفت و برای همیشه تر کمان کرد .

بقیه صفحه ۴

اتحاد کلیه...

قدرت زحمتکشان در جمهوری دموکراتیک افغانستان متکی به جبهه وسیع ملی پدر وطن است که عناصر عمده این جبهه را کارگران ، دهقانان ، کسبه کاران ، کوچیان جوانان ، زنان ، نمایندگان تمام ملیت ها و اقوام و کلیه نیرو های دموکراتیک و ترقیخواه و تمام سازمان های اجتماعی را میماهیت وطن پرستانه در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بایک

اینک یک و نیم سال از آن روز که او خانه را ترک گفته است می گذرد ، شنیدم که از همسر دوم خود هم جدا شده و باز سردرپی دختر ی دیگر گذاشته است که قرار است سو مین همسروی باشد در حالیکه من همچنان جوانی ام را فدای اطفالم میسازم و درپای آنها پیر میشوم .

او اکنون کمترین تماسی با من ندارد پولی نمی فرستد خبری از کودکانش نمی گیرد و علاقه ای از خود نشان نمیدهد من نمیدانم چه کنم ، به کجا پناه ببرم ، از کی استمداد کنم و جواب کودکانی را که پدر می خواهند چه بد هم شما بگو یید ، شما را تنها یسم باشید و این گره کور را باز کنید .

برنامه عمومی و واحد تشکیل میدهد و آنها را قادر میسازد تا با اتحاد شکست نا پذیر از انقلاب و دست آوردهای انقلاب نور میهن و مردم دفاع نمایند و به آرمان های والا و انسانی شان تحقق بخشند زیرا جبهه ملی پدر وطن برای هر قشر اجتماعی هر طبقه و هر صنف جا و مکانی دارد . که با تشکل و شمولیت آنها در همچو یک جبهه ، حاکمیت مردم نیرو مند تر و زمینه خد متکذاری وامکانات خدمت بیشتر به مردم و میهن و عمران جا معه میسر می گردد . به امید نیرو مند شدن پایه های اجتماعی جبهه وسیع ملی پدر وطن

بقیه صفحه ۲۱

نهم ژانویه

میدان بقصر راست کرده بودند ، موج سیاه جمعیت که عده آنان بشمار نمیدانست و آرا م سینه به سینه سر بازان ایستاده بود . سرگروهانی با صدای آهسته

گفت :

آقایان ! متفرق شو یید .

او در امتداد خط جبهه راه می رفت سرش را بزیر انداخته بود میگو شنید تا قیافه مردم را نبیند . با دست و شانه آنها را از سر بازان دور میکرد .

از او پرسیدند :

چرا ما را راه نمیدهند ؟

کجا ؟

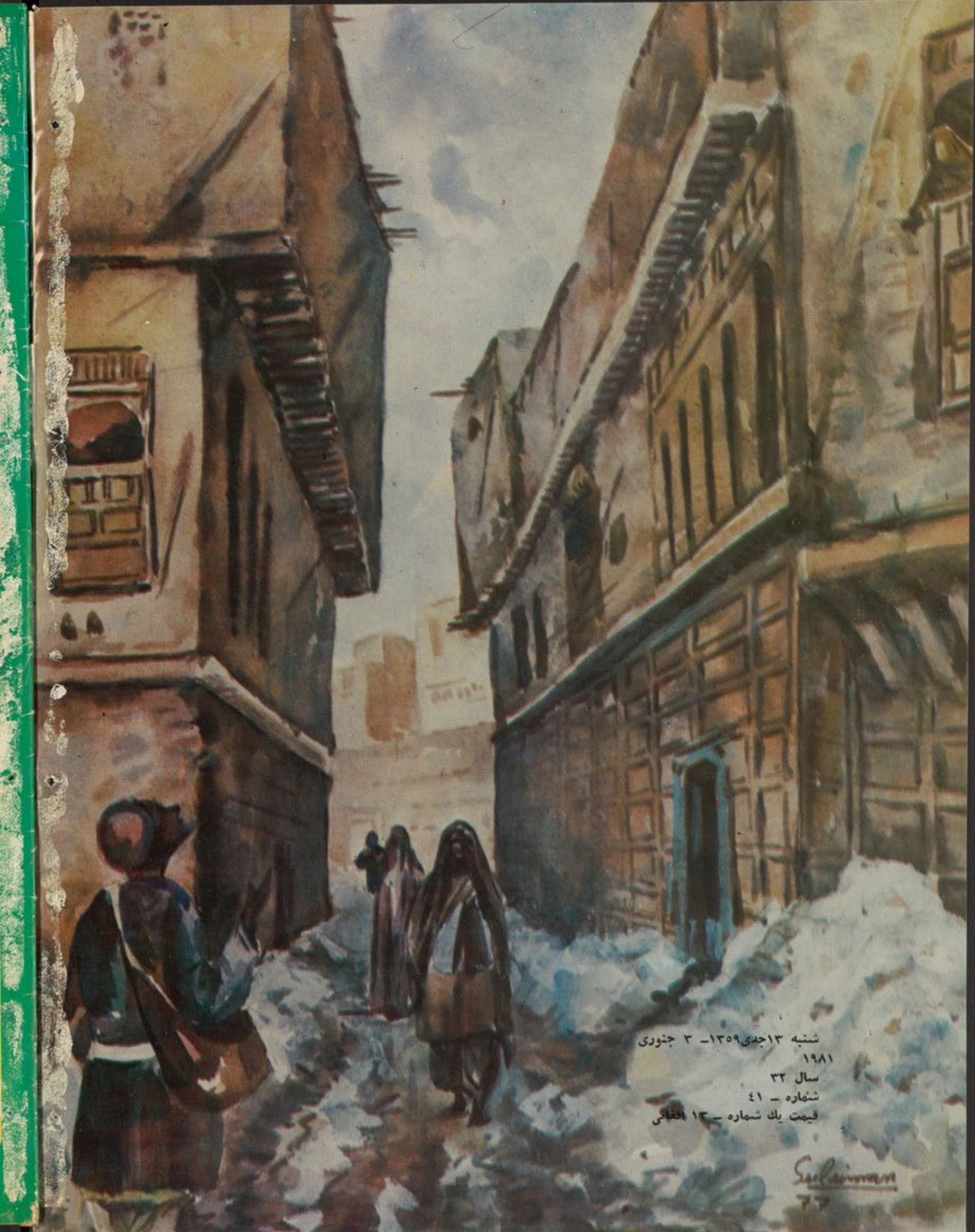
پیش تر از .

سرگروهانی پس از چند ثانیه توقف با یاس و افسردگی فریاد زد .

ادامه دارد

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
 معاون : محمد زمان نیکرایی
 آمر چاپ : علی محمد عثمانزاده
 آدرس : انصاری واپس جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
 تلیفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
 تلیفون ارتباطی دفتر : ۲۱
 تلیفون توزیع و شکایات : ۲۶۸۵۹

دولتی مطبعه



شنبه ۱۳ جیدی ۱۳۵۹ - ۳ جنوری
۱۹۸۱
سال ۳۲
شماره - ۴۱
قیمت يك شماره - ۱۳ افغانی

Sachinman
۷۷

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**